

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۲)

رشته علوم و معارف اسلامی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه



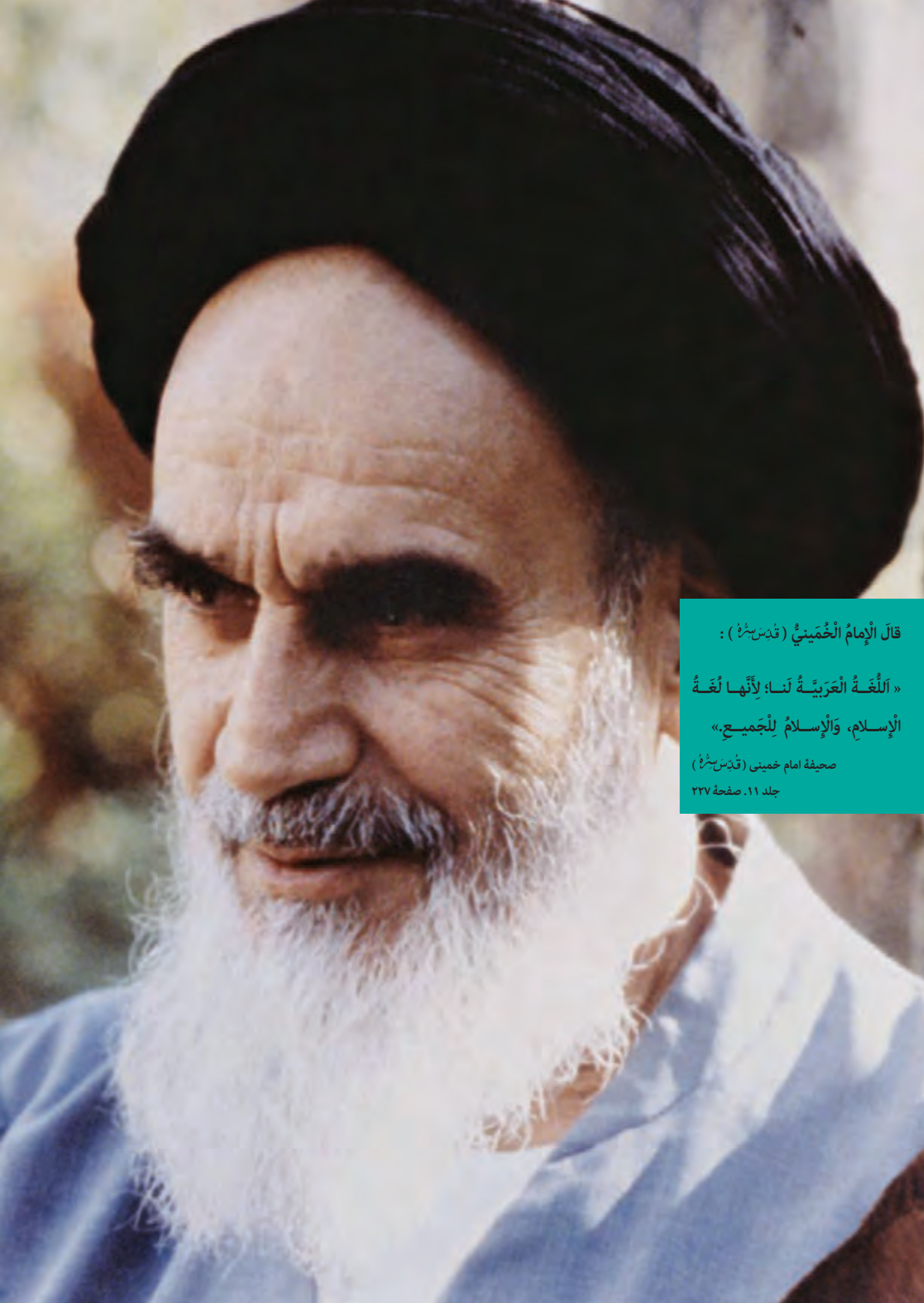


وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۸
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: محی‌الدین بهرام محمدیان، حبیب تقوایی، علی جان بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلیری، محمد حسین رحیمی، ابوطالب فراهانی، محمد رضی محمدی و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
اباذر عباچی، عادل اشکیوس و علی چراغی (اعضای گروه تألیف) - عادل اشکیوس (سرگروه تألیف) - محمد کاظم بهینیا (ویراستار)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری) - آزاده امینیان (طراح جلد، صفحه‌آرا و تصویرگر) - سیما لطفی، وجیهه برادران سادات، فاطمه پزشکی و حمید ثابت کلاچاهی (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ هفتم ۱۴۰۲

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۸۲۳-۵

ISBN: 978.964.05.2823.5



قال الإمام الخميني (قدس سره):
«اللغة العربية لنا؛ لأنها لغة
الإسلام، والإسلام للجميع.»
صحيفة امام خميني (قدس سره)
جلد 11، صفحة 227

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

أَفْهَرِسُّ

بِشْكَفْتَار | الف |

أَلْدَّرْسُ الْأَوَّلُ | ١ |

مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ + النَّوَاسِخِ (الْأَفْعَالُ النَّاقِصَةُ) -----

أَلْدَّرْسُ الثَّانِي | ١٧ |

عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ + التَّرْكِيبُ الْوَصْفِيُّ وَالْإِضَافِيُّ -----

أَلْدَّرْسُ الثَّلَاثُ | ٣٥ |

السَّجَاعَةُ فِي الْحَقِّ + الْمُضَاعَفُ وَالْمَهْمُوزُ وَالرُّبَاعِيُّ -----

أَلْدَّرْسُ الرَّابِعُ | ٤٩ |

الصَّدْقُ + التَّخْلِيلُ الصَّرْفِيُّ وَالْإِعْرَابُ -----

أَلْدَّرْسُ الْخَامِسُ | ٦٣ |

مُعْجَزَةُ الْأَنْبِيَاءِ + الْإِعْرَابُ الْفَرَعِيُّ (١) -----

أَلْدَّرْسُ السَّادِسُ | ٧٥ |

آدَابُ الْكَلَامِ + الْإِعْرَابُ الْفَرَعِيُّ (٢) -----



|| ٨٥ || الدَّرْسُ السَّابِعُ

----- الوَالِي الْمَتَوَاضِعُ + الْإِعْرَابُ الْمُحَلِّيُّ وَ الْإِعْرَابُ التَّقْدِيرِيُّ

|| ٩٩ || الدَّرْسُ الثَّامِنُ

----- عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ + الْأَفْعَالُ الْمُعْتَلَّةُ (١)

|| ١١٥ || الدَّرْسُ التَّاسِعُ

----- آتِه مَارِي شِيمِل + الْأَفْعَالُ الْمُعْتَلَّةُ (٢)

|| ١٣١ || الدَّرْسُ الْعَاشِرُ

----- الرَّسَالَةُ الْخَامِسَةُ وَالْأَرْبَعُونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ + الْمُضَارِعُ الْمَرْفُوعُ وَ الْمُضَارِعُ الْمَنْصُوبُ

|| ١٤١ || الدَّرْسُ الْحَادِي عَشَرَ

----- مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ + الْمُضَارِعُ الْمَجْزُومُ (١)

|| ١٥٥ || الدَّرْسُ الثَّانِي عَشَرَ

----- إِنَّنِ الْهُيَيْتَمُ + الْمُضَارِعُ الْمَجْزُومُ (٢) أَسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ



پیشگفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا دهم را تدریس، یا به‌دقت مطالعه کرده باشد.

۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب عربی، زبان قرآن (۲) رشته علوم و معارف اسلامی به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه یازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و آیات قرآن، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

همه کتاب‌های درسی با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. در این کتاب حدود ۳۰۰ کلمه پرکاربرد به کار رفته و افزون بر آن، نزدیک به ۱۲۰۰ واژه کتاب‌های عربی هفتم تا دهم نیز در کتاب یازدهم تکرار شده است؛ پس در واقع هدف، آموزش حدود ۱۵۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است. حدود ۵۵۰ واژه از ۸۵۰ واژه سه کتاب دوره اول متوسطه کاربرد قرآنی داشتند. در دوره دوم متوسطه نیز چنین است.

هدف اصلی، **فهم متون عربی** به ویژه قرآن کریم و نیز فهم متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب: (رعایت این تأکیدات در کنکور و مسابقات علمی، امتحان نوبت اول و دوم و کتاب‌های کمک آموزشی الزامی است. این نوشته به منزله بخشنامه رسمی است.)

۱ کتاب عربی زبان قرآن پایه یازدهم در دوازده درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد. تعداد تمرینات هر درس حداکثر شش مجموعه تمرین است.

۲ دانش‌آموز پایه یازدهم پیش از این با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أخوَكُنَّ الصَّغِيرُ»، هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بود که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العزیز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند. اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت خوانی.

وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است). عددهای اصلی یک تا صد و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم آموزش داده شده و به برخی ویژگی‌های محدود نیز اشاره شده است؛ مانند جمع و مضاف الیه بودن معدود سه تا ده؛ مفرد بودن معدود یازده تا نود و نه. در معرفی عدد معطوف، ویژگی معدود آن مدنظر نیست و فرق اربعون و اربعین در پایه دهم بیان شده است.

تشخیص المحل الإعرابی (فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف الیه، مجرور به حرف جر، اسم و خبر حروف مشبهة بالفعل و لای نفی جنس) و تشخیص اعراب اسم‌های معرب هدف است.

تشخیص انواع کلمه در حد آموزش کتاب

تقسیم اسم به اعتبار جنس و عدد

شناخت اسم فعل

شناخت فعل لازم و متعدی و تعدی فعل به بیشتر از یک مفعول

تشخیص اعراب و بناء و انواع آن

تشخیص و ترجمه فعل مجهول و تشخیص فاعل و نایب فاعل، نون وقایه، تشخیص معرب و

مبنی در حدّ آموخته‌های کتاب (نه در حالت پیشرفته)

تشخیص و شناخت معنای اسم‌های هشتگانه مشتق

شناخت حروف مشبّهة بالفعل و لای نفی جنس

شناخت اسم معرفه و نکره و انواع ششگانه معارف

در این کتاب تشخیص نوع باب ثلاثی مزید و صیغه فعل مانند «مفرد مذکر غایب» از اهداف

آموزشی است، به عنوان مثال دانش آموز باید یاد بگیرد «تَخَرَّجْتُمْ» فعل ماضی جمع مذکر

مخاطب است تا بتواند مضارع، امر و مصدر آن را بشناسد و درست ترجمه کند؛ خوب است

دانش آموز فعل را در حالت «مفرد مذکر غایب» حفظ کند تا به کمک آن فعل را در جمله

بشناسد و درست ترجمه کند. معلّم می‌تواند برای آموزش ابواب از وزن آنها استفاده کند.

(اِسْتَفْعَلَ، يَسْتَفْعِلُ، اِسْتَفْعَلُ، اِسْتَفْعَالُ).

دانش آموز باید «تُمْ» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و این فعل‌ها را به دنبال آن درست ترجمه کند:

حَرَجْتُمْ، تَخَرَّجْتُمْ، اَخْرَجْتُمْ، اِسْتَحْرَجْتُمْ.

هرچند در کتاب عربی رشته علوم و معارف اسلامی آموزش معانی ابواب ثلاثی مزید هدف

است؛ اما خوب است بدانیم که معانی ابواب متنوع و گسترده هستند و واقعاً تحت یک یا

چند ضابطه قرار نمی‌گیرند؛ مثلاً اگر بگوییم باب افعال اغلب برای متعدی ساختن فعل لازم

است؛ با فعل‌های بسیاری روبه‌رو می‌شویم که بر عکس این معنا هستند؛ مانند عَرَضَ یعنی

عرضه کرد که متعدی است؛ و اَعْرَضَ یعنی روی گردان شد که فعل لازم است. اَسْرَعَ، شتافت،

اَفْلَحَ؛ رستگار شد، اَقْبَلَ؛ جلو آمد، و ...

در کل کتاب آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان کم‌کم این آموخته‌ها ملکه

ذهن فراگیر شود.

۳ متن درس اول ابیاتی از سروده‌های منسوب به حضرت علی عَلِيٍّ هستند. کتابی به نام

دیوان امام علی عَلِيٍّ وجود دارد که مجموعه اشعار منسوب به امیر المؤمنین عَلِيٍّ است.

قواعد درس اول ادامه مبحث نواسخ است. در پایه دهم حروف مشبّهة بالفعل و لای نفی

جنس آموزش داده شد. در پایه یازدهم افعال ناقصه آموزش داده شده است.

۴ موضوع متن درس دوم عجائب المخلوقات است. با توجه به سنّ پرجوش و خروش جوانی

دانشتنی‌هایی جالب در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس می‌شود.

متن «مطر السمك» و ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ در پایه دهم نشان داد که دانش آموزان چنین متونی را دوست دارند و از سوی دیگر در روایات دینی ما به تفکر در آیات خدا بسیار سفارش شده است.

قواعد درس دوم درباره ترکیب وصفی و اضافی است. ویژگی‌های موصوف و صفت و مضاف و مضاف الیه در این درس مفصلاً توضیح داده شده است.

۵ موضوع متن درس سوم «الشجاعة في الحق» از روایات تاریخی است. این داستان نشانگر عشق و علاقه انسان‌های آزاده به اهل بیت عليهم السلام است.

قواعد درس سوم درباره افعال مهموز و مضاعف است. از آنجا که در پایه دهم فعل رباعی آموزش داده نشده بود و این بخش نیاز به درسی مستقلی ندارد، لذا در قواعد این درس به این مبحث اشاره شده است.

۶ متن درس چهارم داستانی در ستایش راستگویی می‌باشد. در متن درس داستان کوتاهی ذکر شده است. این داستان برای دانش آموزان دلپسند و آراسته به سخنان بزرگان دین است. اندرز مستقیم کمتر تأثیر دارد. شیوه غیر مستقیم به باور کارشناسان مؤثرتر است.

قواعد درس چهارم درباره تحلیل صرفی و اعراب یا همان تجزیه و ترکیب است. اکنون دانش آموز در پایه یازدهم می‌تواند با این مبحث آشنا شود؛ زیرا به اندازه کافی قواعد خوانده است. در تمرینات دروس بعدی موضوع تحلیل صرفی و اعراب طرّاحی شده است تا به اندازه کافی در این بخش تمرین شود.

۷ متن درس پنجم معجزه الأنبياء است. این متن پیوند میان درس عربی با درس دینی است. دانش آموز در قواعد درس پنجم و ششم با اعراب فرعی آشنا می‌شود. از آنجا که این مبحث طولانی است؛ لذا در درس ششم نیز اعراب فرعی گنجانده شده است.

۸ متن درس ششم آداب الکلام است. در این متن با بهره‌گیری از آیات و احادیث اصول سخن و فن سخنوری آموزش داده شده است. دانش آموز رشته معارف باید آیین سخنوری بداند. در این درس به این موضوع مهم پرداخته شده است.

قواعد درس ششم ادامه مبحث اعراب فرعی در درس پنجم است. از آنجا که این مبحث طولانی است لذا در دو درس پخش شده است.

۹ متن درس هفتم الوالی المتواضع داستانی تاریخی است. این داستان نشانگر فروتنی و بزرگ منشی سلمان فارسی است.

قواعد درس هفتم مربوط به اعراب محلی و تقدیری است.

۱۰ موضوع متن درس هشتم عجائب الأشجار است. موضوعی جالب و خواندنی که برای دانش آموز مفید است.

قواعد درس هشتم آشنایی با معتلات است. دانش‌آموز در این درس در آغاز با انواع معتلات آشنا می‌شود، سپس فعل معتلّ مثال و اجوف مفصلاً تشریح می‌شود.

۱۱ متن درس نهم داستان زندگی دکتر آنه ماری شیمل است. بزرگ بانویی آلمانی که به زبان فارسی و عربی خدمت کرده و در معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی نقشی ارزنده داشته است. قواعد درس نهم ادامه مبحث معتلات و آشنایی با فعل ناقص است.

۱۲ متن درس دهم نامه چهل و پنجم نهج البلاغه است. آشنایی با نهج البلاغه برای دانش‌آموز این رشته واجب است. لذا یکی از متون کتاب به این مهم اختصاص داده شده است. همچنین کلمات قصار آن حضرت نیز در جای جای کتاب آمده است.

قواعد درس دهم آشنایی با اعراب رفع و نصب فعل مضارع است. مهم‌ترین بخش در قواعد هر زبانی مبحث فعل است؛ زیرا بسیار پرکاربرد است و در یادگیری زبان نقش مهمی دارد. در این درس حروف ناصبه و مضارع منصوب آموزش داده شده است.

۱۳ متن درس یازدهم با عنوان «من آیات الأخلاق» آیه ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات است. آیاتی پرکاربرد و معروف که درس زندگی برای دانش‌آموز است. قواعد درس در واقع ادامه قواعد درس دهم است. در این درس دانش‌آموز با مضارع مجزوم و حروف جازمه آشنا می‌شود.

۱۴ متن درس دوازدهم آشنایی با ابن هیثم دانشمند معروف جهان اسلام است. قواعد این درس در واقع ادامه قواعد درس دهم و یازدهم است. در این درس دانش‌آموز با مضارع مجزوم (اسلوب شرط و ادوات آن) آشنا می‌شود. قواعد درس دوازدهم درباره اسلوب شرط است. دانش‌آموز با نحوه ترجمه ادوات شرط «مَنْ، ما، إِنْ، أَيْنَمَا و إِذَا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. آموزش جزم و نصب فعل مضارع از اهداف کتاب درسی می‌باشد.

۱۵ **نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست.** هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا سال بعد خواهد آمد. قواعد کتاب به صورت خودآموز نوشته شده است.

از دانش‌آموزی دارای صدای رسا بخواهیم قواعد را در کلاس بخواند. آن‌گاه هر جا لازم شد سؤالاتی را در خلال خواندن از سایرین بپرسیم. این پرسش موجب می‌شود دانش‌آموز بیشتر دقت کند. این شیوه صرفه‌جویی در وقت است. با اتمام قرائت بخش قواعد از دانش‌آموزان می‌پرسیم «چه اشکالی دارند»؟

۱۶ تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب درسی کاملاً اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز دچار مشکل درست‌خوانی نشود.

۱۷ تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۸ معنای کلمات در هر آزمونی در جمله خواسته می‌شود. در چند تمرین کتاب معنای کلمه بیرون از جمله خواسته شده است؛ اما شیوه طرح آن همراه با یک نمونه جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی است.

۱۹ روخوانی‌های دانش آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش آموز را در نمره میان نوبت تشکیل می‌دهد.

۲۰ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد. تنها متن درس جای کافی برای نوشتن ندارد و با نهادن یک برگه در کتاب مشکل برطرف می‌شود.

۲۱ از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ کتاب‌های درسی عربی، زبان قرآن در رشته علوم و معارف اسلامی مجموعه‌ای یکپارچه هستند و آموزش برخلاف اهداف برنامه درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند.

آگاهی از نظریات شما موجب خوشحالی ما می‌شود؛ می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید. نشانی وبگاه گروه عربی:

<http://arabic-dept.talif.sch.ir>

سخنی با دانش آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث و دعا و زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است؛ زبانی پرمعنا و قوی است؛ و کتاب‌های بسیاری از دانشمندان با این زبان نوشته شده است. درس عربی برای دانش‌آموز رشته علوم و معارف اسلامی تخصصی است. دانش زبانی می‌تواند او را در سایر دروس کمک کند.

این کتاب ادامه چهار کتاب پیشین است. هرچه در چهار سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید.

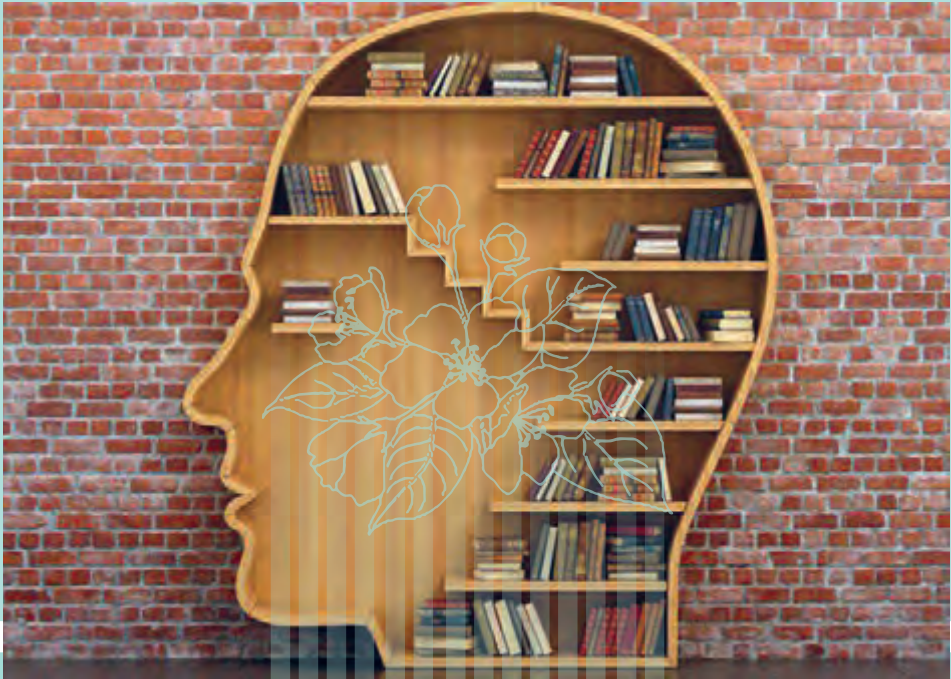
استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود. در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات طراحی می‌شود، موارد بسیاری می‌آید که از اهداف آموزشی زبان‌آموزی نیست. در آزمون‌هایی نیز که مؤسسات مختلف برگزار می‌کنند بسیاری از سؤالات خارج از اهداف آموزشی و جنبه معما دارد، یا اینکه حجمش آن قدر بسیار است که دانش‌آموز در پاسخ دهی وقت کم می‌آورد. لذا اگر در چنین آزمون‌هایی شرکت می‌کنید لازم است بدانید از نظر اصول آموزش زبان نه تنها مورد تأیید نیستند بلکه خلاف اهداف نیز هستند و موجب ناامیدی و دلسردی می‌شوند. برای یادگیری هر زبانی باید بسیار تکرار و تمرین کرد. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید، درست بفهمید و درست ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ شما می‌توانید از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید.

ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.

سخنی ویژه با مدیران مدارس

بسیاری از آزمون‌های مؤسسات آمادگی برای کنکور استاندارد نیستند. لذا نمی‌توان میزان تلاش دبیر و دانش‌آموز را با توجه به این آزمون‌ها سنجید. بسیار دیده شده است که این مؤسسات مطالبی خارج از کتاب و بی‌ربط به اهداف دروس طراحی می‌کنند. همچنین کتاب‌های کار نیز اغلب همین گونه‌اند. این کتاب هیچ نیازی به کتاب کار ندارد و تهیه کتاب کار موجب لطمه به روند آموزش خواهد گردید.





الذَّرسُ الْأَوَّلُ



قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ارزش هر انسانی به چیزی است که آن را خوب انجام می دهد.

مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الدَّاءُ وَ الدَّوَاءُ

دَوَاوُكَ فَيْكَ وَمَا تُبْصِرُ وَدَاوُكَ مِنْكَ وَلَا تَشْعُرُ
أَنْزَعَمَ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَفَيْكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ



النَّاسُ أَكْفَاءٌ

النَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ أَكْفَاءٌ أَبُوهُمُ آدَمُ وَالنُّمُّ حَوَاءُ
وَقَدْرُ كُلِّ امْرِئٍ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ وَلِلرِّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءُ
فَقُرْ يَعْلَمِ وَلَا تَطْلُبْ بِهِ بَدَلًا فَالنَّاسُ مَوْتَى وَأَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ



التَّفَاخُرُ

إِنَّمَا النَّاسُ لِيَأْمَ وَوَلِيَابَ
أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ
هَلْ سِوَى لَحْمٍ وَعَظْمٍ وَعَصَبٍ
وَ حَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ

أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ
هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ
بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ
إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ



فَازَ: رستگار شد، برنده شد

(مضارع: يَفُوزُ)

كُفِّءَ، كُفُو: همتا «جمع: أكفاء»

لَحْمٌ: گوشت «جمع: لحوم»

نُحَاسٌ: مس

زَعَمَ -: گمان بُرد

سَوَى: جَزَّ

طِينٌ: گِل

طِينَةٌ: گِل، سرشت

عَظْمٌ: استخوان «جمع: عظام»

فُزَّ: رستگار شو

إِنطَوَى: به هم پیچیده شد

(مضارع: يَنْطَوِي)

بَدَّلَ: جانشین «جمع: أبدال»

جَزَمَ: پیکر «جمع: أجرام»

حَدِيدٌ: آهن

داءٌ: بیماری = مَرَضٌ ≠ شِفَاءٌ، صِحَّةٌ

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- دَاوُنَا فِينَا وَ نَحْنُ نَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَ دَاوُنَا مِنَّا وَ نَحْنُ نَشْعُرُ بِهِ.

۲- طَالِبُ الْعِلْمِ بَيْنَ الْجُهَالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ.

۳- الْفَخْرُ لِلْعَقْلِ وَ الْحَيَاءِ وَ الْعَفَافِ وَ الْأَدَبِ.

۴- قِيمَةُ كُلِّ امْرِيٍّ بِأَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ.

۵- اَلتَّفَاخُرُ بِالنَّسَبِ مَنطِقِيٌّ.



النَّوَاسِخُ (الْأَفْعَالُ النَّاقِصَةُ)

■ لَقَدْ عَرَفْنَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ بَعْضَ النَّوَاسِخِ وَ اسْتِعْمَالَهَا، وَهِيَ الْحُرُوفُ الْمُشَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ (إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لِكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ) وَ (لَا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ). فَلَا بُدَّ أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ هَذِهِ الْحُرُوفَ تُسَمَّى بِالنَّوَاسِخِ؛ لِأَنَّهَا تَدْخُلُ عَلَى الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ. فَتَنْصِبُ الْمُبْتَدَأَ «اسْمًا» لَهَا، وَ تَرْفَعُ الْخَبَرَ «خَبْرًا» لَهَا.

فِي هَذِهِ السَّنَةِ عَلَيْنَا أَنْ نَتَعَلَّمَ نَوَاسِخَ أُخْرَى تُسَمَّى بِالْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ؛ وَهِيَ مِنَ الْأَفْعَالِ الْكَثِيرَةِ الْإِسْتِعْمَالِ فِي اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؛ أَهْمُهَا: «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ، أَصْبَحَ، مَادَامَ، مَازَالَ

(لَا يَزَالُ، لَمْ يَزَلْ)، ظَلَّ»

الْحُرُوفُ الْمُشَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ

النَّوَاسِخُ: ← لَا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

الْأَفْعَالُ النَّاقِصَةُ

■ تَأْتِي **كَانَ** لِعِدَّةِ مَعَانٍ بِالْفَارْسِيَّةِ؛ أَهْمُهَا:

١- «بود»؛ **نَحْوُ**: «كَانَ الْبَابُ مُغْلَقًا» در بسته بود.

٢- «است»؛ **نَحْوُ**: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ الْأَحْزَابُ: ٢٤

بی گمان خدا آمرزنده و مهربان است.

٣- «الْفِعْلُ الْمُسَاعِدُ لِصِيَاعَةِ الْمَاضِيِ الْإِسْتِمْرَارِيِّ»؛ وَ ذَلِكَ حِينَ يَكُونُ خَبَرُ «كَانَ» فِعْلًا

مُضَارِعًا نَحْوُ: «كَانُوا يَسْمَعُونَ»؛ می شنیدند.

٤- «الْفِعْلُ الْمُسَاعِدُ لِصِيَاعَةِ الْمَاضِيِ الْبَعِيدِ»؛ وَ ذَلِكَ حِينَ يَكُونُ خَبَرُ «كَانَ» فِعْلًا

مَاضِيًا مَسْبُوقًا بِ «قَدْ» أَوْ بِدُونِ «قَدْ»؛ نَحْوُ: «كَانَ الطَّالِبُ سَمِعَ» وَ «كَانَ الطَّالِبُ قَدْ

سَمِعَ»؛ «دانش آموز شنیده بود».

٥- «داشت» وَ ذَلِكَ حِينَ تَأْتِي بِهَذِهِ الصُّورَةِ: «كَانَ لِي» وَ «كَانَ عِنْدَ» نَحْوُ:

كَانَ لِي خَاتَمٌ فِضَّةً. انگشتری نقره داشتم. كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشْبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.

مُضَارِعُ كَانَ «يَكُونُ» : «می باشد» وَ أَمْرُهُ «كُنْ» بِمَعْنَى «باش» .

■ «صَارَ وَ أَصْبَحَ : شد» وَ مُضَارِعَاهُمَا «يَصِيرُ» وَ «يُصْبِحُ».

﴿...أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً﴾^۱ الْحَجَّ : ٦٣

... که خدا از آسمان آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می‌شود.

نَظَّفَ الطُّلَابُ مَدْرَسَتَهُمْ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ جَمِيلَةً.

دانش‌آموزان مدرسه‌شان را تمیز کردند و مدرسه زیبا شد.

■ «لَيْسَ : نیست» وَ لَيْسَ لَهَا مُضَارِعٌ.

﴿...يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ آلِ عِمْرَانَ : ١٦٧

با دهان‌هایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کنند دانایتر است.

■ مادامَ : «تا وقتی که» ؛ نَحْوُ:

لَا أَنْسَى فَضْلَكَ مَا دُمْتُ حَيًّا. لطف تو را تا وقتی که زنده‌ام فراموش نمی‌کنم.

■ مازالَ : «همواره ، همچنان ، هنوز»

«زَالَ» فِعْلٌ نَاقِصٌ بِشَرْطِ أَنْ يَسْبِقَهَا حَرْفُ نَفْيٍ، نَحْوُ «مازال ، لا يزال ، لم يزل» ؛ نَحْوُ:

مازالَتِ الْفُتُوَّةُ باقِيَةً. جوانمردی همچنان ماندگار است.

■ ظَلَّ : «شد ، دوام یافت ، ماندگار شد ، ماند» ؛ نَحْوُ:

ظَلَّ اللَّيْلُ بارِدًا. شب سرد ماند.

۱- الْمُخْضَرَّةُ: سرسبز

هَذِهِ الْأَفْعَالُ كَمَا رَأَيْتَهَا حِينَ تَدْخُلُ عَلَى الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ، تَرْفَعُ الْمُبْتَدَأَ اسْمًا لَهَا،
وَتَنْصِبُ الْخَبَرَ خَبْرًا لَهَا؛ نَحْوُ:

الْبُسْتَانُ جَمِيلٌ. صَارَ الْبُسْتَانُ جَمِيلًا.
مبتدأً ، مرفوعٌ خبرٌ ، مرفوعٌ اسمُ الفعلِ الناقصِ ، مرفوعٌ خبرُ الفعلِ الناقصِ ، منصوبٌ
فعلٌ ناقصٌ اسمُ الفعلِ الناقصِ ، مرفوعٌ خبرُ الفعلِ الناقصِ ، منصوبٌ

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): تَرْجِمْ هَذِهِ الْآيَاتِ.

١ ﴿وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا﴾ الْإِنْسَانُ : ٢٢

٢ ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ الْإِسْرَاءُ : ٣٤

٣ ﴿... يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ الْفَتْحُ : ١١

٤ ﴿وَأذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ
بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ آلِ عِمْرَانَ : ١٠٣

قَدْ يَأْتِي اسْمُ الْأَفْعَالِ الناقِصَةِ ضَمِيرًا؛ نَحْوُ:

الْمُعَلِّمُونَ كَانُوا حَاضِرِينَ.
ضَمِيرُ «الواو» الْبَارِزُ فِي «كَانُوا» = اسْمُ الْفِعْلِ الناقِصِ خَبَرُ الْفِعْلِ الناقِصِ، مَنْصُوبٌ بِأَلْيَاءِ

فَاطِمَةٌ أَصْبَحَتْ مُجْتَهِدَةً.
ضَمِيرُ «هي» الْمُسْتَتِرُ فِي «أَصْبَحَتْ» = اسْمُ الْفِعْلِ الناقِصِ خَبَرُ الْفِعْلِ الناقِصِ، مَنْصُوبٌ

أَفْضَلُ أَنْ أَظْلَلَ سَاكِنًا.
ضَمِيرُ «أنا» الْمُسْتَتِرُ فِي «أَظْلَلَ» = اسْمُ الْفِعْلِ الناقِصِ خَبَرُ الْفِعْلِ الناقِصِ

١- أَوْفُوا: وفا كنيدي (أَوْفَى: وفا كرد، كامل داد) ٢- أَلَّفَ: به هم پیوست، الفت داد ٣- قَدْ (عَلَى الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ): گاهی
٤- أَفْضَلُ: ترجیح می دهم

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): عَيْنِ اسْمِ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ وَخَبَرِهَا، ثُمَّ أَعْرِبْهُمَا.

١ في الرَّبِيعِ يَصِيرُ كُلُّ مَكَانٍ مَمْلُوءًا بِالْأَزْهَارِ الْجَمِيلَةِ.

٢ الشَّعْبُ مُوقَفٌ مَا دَامَ مُشْتَقًا لِيَطْلُبَ الْعِلْمَ.

٣ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أُسْوَةً حَسَنَةً لِلْعَالَمِينَ.

٤ أَصْبَحَ الْكَاذِبُ نَادِمًا عَلَى عَمَلِهِ الْقَبِيحِ.

٥ لَيْسَ الْجَاهِلُ مُحْتَرَمًا عِنْدَ النَّاسِ.

٦ لَا يَزَالُ الْجَوْ بَارِدًا فِي قَرِينِنَا.

فَوَائِدُ:

■ الْأَصْلُ فِي الْمُبْتَدَأِ أَنْ يَقَعَ فِي صَدْرِ الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ وَأَنْ يَكُونَ مَعْرِفَةً حَتَّى تَكُونَ

الْجُمْلَةُ مُفِيدَةً؛ نَحْوُ: الْجَهْلُ مُضِرٌّ.

■ وَلَكِنْ يَجِبُ تَأْخِيرُ الْمُبْتَدَأِ أَوْ اسْمِ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ فِي مَا إِذَا جَاءَ نِكْرَةً وَخَبَرُهُ جَارٌ

وَمَجْرُورٌ أَوْ ظَرْفٌ؛ نَحْوُ:

لي درهم. (لي: خَبَرٌ مُقَدَّمٌ «جَارٌ وَمَجْرُورٌ» + درهم: مبتدأ مؤخر)

عندي معجم. (عند: خَبَرٌ مُقَدَّمٌ «ظَرْفٌ» + معجم: مبتدأ مؤخر)

كان لي درهم. (لي: خَبَرٌ مُقَدَّمٌ «جَارٌ وَمَجْرُورٌ» + درهم: اسمُ كان، مؤخر)

كان عني معجم. (عند: خَبَرٌ مُقَدَّمٌ «ظَرْفٌ» + معجم: اسمُ كان، مؤخر)

■ «الظَرْفُ» اسْمٌ يَدُلُّ عَلَى الزَّمَانِ أَوْ الْمَكَانِ وَ أَهْمُ الظُّرُوفِ هِيَ: عِنْدَ وَ فَوْقَ وَ تَحْتَ

وَ أَمَامَ وَ خَلْفَ وَ وَرَاءَ وَ مَعَ وَ جَنْبَ وَ ...

إِذَا دَخَلَ الْفِعْلُ النَّاقِصُ عَلَى جُمْلَةٍ مِثْلِ هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ «لي درهم» وَ «عندي

معجم»، هَلْ يَتَغَيَّرُ إِعْرَابُ كَلِمَاتِهَا؟

٢- أَنْ يَقَعَ: كَمَا وَقَعَ شُود

١- فَوَائِدُ: جُنْدٌ نَكْتَهُ سُودَمَنْدٌ

اِحْتَبِرْ نَفْسَكَ (٣): عَيْنِ اسْمِ الْفِعْلِ النَّاقِصِ وَخَبَرُهُ، ثُمَّ اَعْرَبِ اسْمَهُ.

١ لَيْسَ فِي الْبَيْتِ أَحَدٌ.

٢ كَانَ أَمَامِي طَرِيقٌ وَاحِدٌ.

أَنْوَاعُ الْإِسْمِ وَالْخَبَرِ

أَنْوَاعُ اسْمِ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ: }
 إِسْمٌ ظَاهِرٌ لَيْسَ الظُّلْمُ باقِيًا.
 ضَمِيرٌ بَارِزٌ ﴿فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾
 ضَمِيرٌ مُسْتَتِرٌ كُنْ (أَنْتَ) صَادِقًا فِي أَعْمَالِكَ.

أَنْوَاعُ خَبَرِ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ: }
 مُفْرَدٌ كَانَ الْحَارِسُ واقِفًا.
 جُمْلَةٌ كَانَ الْحَارِسُ يَفْتَشُ الْحَقَائِبَ.
 شِبْهُ جُمْلَةٍ كَانَ الْحَارِسُ فِي الصَّالَةِ.

حَيْثَمَا نَقُولُ: «الْخَبَرُ مُفْرَدٌ»، لَا نَعْنِي بِالْمُفْرَدِ الَّذِي يُقَابِلُ الْمُثْنَى أَوْ الْجَمْعَ؛ بَلِ الْمُفْرَدِ الَّذِي يُقَابِلُ الْجُمْلَةَ أَوْ شِبْهَ الْجُمْلَةِ.

أَسْمَاءُ الْحُرُوفِ الْمُسَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ الَّتِي تَعَلَّمْتُمُوهَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ تَأْتِي عَلَى نَوْعَيْنِ: إِسْمٌ ظَاهِرٌ وَ ضَمِيرٌ مُتَّصِلٌ بَارِزٌ؛ نَحْوُ:

إِنَّ اللَّهَ رَحِيمٌ. «اللَّهُ» إِسْمٌ إِنَّ ، إِسْمٌ ظَاهِرٌ

إِنَّكَ نَاجِحٌ. «كَ» إِسْمٌ إِنَّ ، ضَمِيرٌ بَارِزٌ

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٤): عَيَّنِ اسْمَ النَّوَاسِخِ وَخَبَرَهَا، وَادْكُرْ نَوْعَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا.

١ ﴿فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ﴾ النَّمل: ٧٩

٢ ﴿وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ الْبَقَرَة: ١٨٩

٣ كُنْ مُسْتَمِعًا جَيِّدًا فِي الصَّفِّ.

٤ لَيْسَ الْبَائِعُ فِي الدُّكَانِ.

٥ أَصْبَحَ الْحَقُّ مُنْتَصِرًا.



التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ.

- ١- أَل عُنْصُرٌ فِلْزِيٌّ مُوَصَّلٌ لِلْحَرَارَةِ وَالْكَهْرَبَاءِ، يُسْتَعْمَلُ فِي الصَّنَاعَةِ.
- ٢- أَل قِسْمٌ مِنَ الْجِسْمِ بَيْنَ الْجِلْدِ وَالْعَظْمِ.
- ٣- أَل هُوَ الَّذِي مِثْلَكَ وَتَظِيرُكَ.
- ٤- أَل تُرَابٌ مُخْتَلِطٌ بِالْمَاءِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: اسْتَخْرِجْ مِنْ نَصِّ الدَّرْسِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- الْمُبْتَدَأُ فِي: دَوَاؤُكَ فِيكَ وَ مَا تُبْصِرُ وَ دَوَاؤُكَ مِنْكَ وَ لَا تَشْعُرُ
- ٢- إِسْمٌ أَنْ وَحَبَرَهَا فِي: أَ تَزْعَمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَ فِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ
- ٣- الْخَبَرُ وَنَوَعُهُ فِي: النَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْأَبَاءِ أَكْفَاءُ أَبُوهُمْ آدَمٌ وَ الْأُمُّ حَوَاءُ
- ٤- إِسْمٌ كَانَ وَنَوَعُهُ فِي: وَ قَدَرُ كُلِّ امْرِئٍ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ وَ لِلرِّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءُ
- ٥- فِعْلٌ نَهْيٌ فِي: فَفَزُّ بِعِلْمٍ وَ لَا تَطْلُبْ بِهِ بَدَلًا فَالنَّاسُ مَوْتَى وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ
- ٦- إِسْمٌ الْفَاعِلِ فِي: أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمَّ وَ لِأَبٍ
- ٧- الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ فِي: هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ
- ٨- الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ فِي: بَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ
- ٩- الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ فِي: إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ آدَبٍ

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

۱- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُودُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾ هود: ۴۷

- (الف) گفت: خدایا، من به تو پناه بردم که از تو چیزی بپرسم که به آن علم ندارم.
- (ب) گفت: ای پروردگارم، بی گمان من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که به آن دانشی ندارم.
- الْفِعْلُ النَّاقِصُ وَ اسْمُهُ وَ حَبْرَهُ وَ نَوْعُهُمَا:**

۲- ﴿...وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ النساء: ۳۲

- (الف) و از خدا بخشش او را درخواست کنید؛ به راستی که خدا به هر چیزی داناست.
- (ب) و از فضل خدا سؤال کردند، قطعاً خدا به همه چیزها آگاه بود.
- إِسْمُ الْحَرْفِ الْمُشَبَّهِ بِالْفِعْلِ وَ حَبْرَ الْفِعْلِ النَّاقِصِ وَ نَوْعُهُمَا:**

۳- ﴿... يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ البئبئ: ۴۰

- (الف) روزی که انسان آنچه را با دستانش پیش فرستاده است می نگرند و کافر می گوید: ای کاش من خاک بودم!
- (ب) روزی که مرد آنچه را با دستش تقدیم کرده است می نگرند و کافر می گوید: من همانند خاک شدم.
- الْفِعْلُ النَّاقِصُ وَ اسْمُهُ وَ حَبْرَهُ:**

۴- كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ بِالْكَرَّةِ عَلَى الشَّاطِئِ وَ بَعْدَ اللَّعِبِ صَارُوا تَشْطِيقِينَ.

- (الف) کودکان در کنار ساحل با توپ بازی می کردند و پس از بازی با نشاط شدند.
- (ب) بچه ها در کنار ساحل توپ بازی کردند و بعد از بازی پر نشاط هستند.
- حَبْرَ الْفِعْلِ النَّاقِصِ وَ نَوْعُهُ، وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ:**

۵- كُنْتُ سَاكِتًا وَ مَا قُلْتُ كَلِمَةً، لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ.

- (الف) ساکت شدم و کلمه ای نمی گویم، برای اینکه چیزی از موضوع نمی دانم.
- (ب) ساکت بودم و کلمه ای نگفتم، زیرا چیزی درباره موضوع نمی دانستم.
- إِسْمُ وَ حَبْرَ الْفِعْلِ النَّاقِصِ وَ نَوْعُهُمَا، وَ الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ:**

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ اسْمَ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ وَخَبَرَهَا، ثُمَّ أَعْرِبْهُمَا.

١- ﴿... وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا﴾^١ النساء: ١٢٦

٢- عِنْدَ نُزُولِ التَّلْجِ يُصْبِحُ السَّيْرُ فِي الشُّوَارِعِ صَعْبًا.

٣- لَا تَجْلِسُ قُرْبَ النَّهْرِ، مَا دَامَتِ الْأَمْطَارُ غَزِيرَةً^٢.



٤- مَا زَالَ الْمُؤْمِنُونَ لِلظَّالِمِينَ أَعْدَاءً.

٥- لَيْسَ الشَّاطِئُ بَعِيدًا عَن هُنَا.

٦- صَارَ الْحَقُّ وَاضِحًا لَنَا.

١- الْمُحِيطُ: دَارَى احاطه ٢- الْغَزِيرَةُ: فَرَاوَانِ از هر چیز

الْتَمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجُمُ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ التَّالِي.

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ	الْمَصْدَر
قَدْ أَحْسَنَ:	يُحْسِنُ: نیکی می کند	أَحْسِنُ:	إِحْسَان: نیکی کردن
إِفْتَرَبَ: نزدیک شد	يَفْتَرِبُونَ:	لَا تَفْتَرِبُوا:	إِفْتِرَاب: نزدیک شدن
إِنْكَسَرَ:	سَيَنْكَسِرُ:	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو	إِنْكَسَار: شکسته شدن
اسْتَعْفَرَ: آموزش خواست	يَسْتَعْفِرُ:	اسْتَعْفِرْ: آموزش بخواه	اسْتِغْفَار:
مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم	لَا يُسَافِرُ:	لَا تُسَافِرْ:	مُسَافَرَة: سفر کردن
تَعَلَّمَ:	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمْ:	تَعَلُّم: یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ:	تَبَادَلُونَ:	لَا تَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَبَادُل: عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است	سَوْفَ يُعَلِّمُ:	عَلِّمْ:	تَعْلِيم: آموزش دادن

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ آيَاتٍ أُخْرَى مَنَسُوبَةٍ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.







الدَّرْسُ الثَّانِي



﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ

بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَالِكُمْ﴾ الأَنْعَام: ٣٨

و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با بال‌هایش پرواز می‌کند، مگر آنکه آنها [نیز] گروه‌هایی مانند شما هستند.

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مَنْ يَتَفَكَّرُ فِي خَلْقِ اللَّهِ، يُشَاهِدُ قُدْرَةَ اللَّهِ.

الطَّائِرُ الطَّنَانُ:



هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ، طَوْلُهُ خَمْسَةُ سَنْتِمِاتٍ، يَطِيرُ إِلَى الْأَعْلَى وَالْأَسْفَلِ، وَ إِلَى الْيَمِينِ وَالشَّمَالِ، وَ إِلَى الْأَمَامِ وَالْخَلْفِ. وَ انْطِلَافُهُ وَ تَوَقُّفُهُ السَّرِيعَانِ يُثِيرَانِ التَّعَجُّبَ. سُمِّيَ طَّنَانًا؛ لِأَنَّهُ يُحَدِّثُ طِينًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ جَنَاحَيْهِ، فَإِنْ تُحَاوَلِ رُؤْيَا جَنَاحَيْهِ لَا تَقْدِرُ، أ تَدْرِي لِمَاذَا؟ لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ جَنَاحَيْهِ ثَمَانِينَ مَرَّةً تَقْرِيبًا فِي الثَّانِيَةِ الْوَاحِدَةِ.

الْتَّمْسَاخُ:

لَهُ طَرِيقَةٌ غَرِيبَةٌ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ، فَبَعْدَ أَنْ يَتَنَاوَلَ طَعَامَهُ، يَسْتَرِيحُ عَلَى الشَّاطِئِ، فَيَقْتَرِبُ مِنْهُ نَوْعٌ مِنَ الطُّيُورِ بِاسْمِ الرَّفْرَاقِ،



فَيَفْتَحُ التَّمْسَاخُ فَمَهُ، فَيَدْخُلُ ذَلِكَ الطَّائِرُ فِيهِ، وَ يَبْدَأُ بِتَقْرِيرِ بَقَايَا الطَّعَامِ مِنْ فَمِهِ، وَ بَعْدَ أَنْ يَنْتَهِيَ مِنْ عَمَلِهِ، يَخْرُجُ بِسَلَامَةٍ.



السَّمَكُ الطَّائِرُ:

نَوْعٌ مِنَ الْأَسْمَاكِ يَفْقِزُ مِنَ الْمَاءِ بِحَرَكَةٍ مِنْ دَيْلِهِ الْقَوِيِّ وَ يَطِيرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ، حَيْثُ يَمُدُّ زَعَانِفَهُ الْكَبِيرَةَ الَّتِي تَعْمَلُ كَجَنَاحَيْنِ. يَفْعَلُ ذَلِكَ لِلْفِرَارِ مِنْ

أَعْدَائِهِ. يَطِيرُ هَذَا السَّمَكُ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ ثَانِيَةً، ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْمَاءِ وَ يَدْخُلُ فِيهِ.

نَقَّارُ الْحَشَبِ:

طَائِرٌ يَنْقُرُ جِدْعَ الشَّجَرَةِ بِمِنْقَارِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ عَلَى الْأَقْلَى، وَ هَذِهِ السَّرْعَةُ لَا تَضُرُّ دِمَاعَهُ الصَّغِيرَ بِسَبَبِ وُجُودِ عَضُوبَيْنِ فِي رَأْسِهِ لِدَفْعِ الصَّرْبَاتِ:



الْأَوَّلُ نَسِيجٌ بَيْنَ الْجُمُجُمَةِ وَ الْمِنْقَارِ، وَ الثَّانِي لِسَانُ الطَّائِرِ الَّذِي يَدُورُ دَاخِلَ جُمُجُمَتِهِ.



السَّنَجَابُ الطَّائِرُ:

لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهُ حِينَ يَفْقِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى، وَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطِيرَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةٍ وَ خَمْسِينَ قَدَمًا فِي قَفْزَةٍ وَاحِدَةٍ.

حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ:

فِي مُنْتَصَفِ النَّهَارِ وَ عِنْدَمَا تَحْرُقُ الرَّمَالُ أَقْدَامَ مَنْ يَسِيرُ عَلَيْهَا مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ، تَضَعُ هَذِهِ الْحَيَّةُ ذَنْبَهَا فِي الرَّمْلِ، ثُمَّ تَقِفُ كَالْعَصَا. فَإِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُهُ.



أَسْفَلَ : پایین، پایین تر ≠ أَعْلَى
 انْطِلَاقٌ : به حرکت درآمدن
 (انْطَلَقَ، يَنْطَلِقُ)
 تَحْرُقُ : می سوزاند (ماضی: حَرَقَ)
 تَدْرِي : می دانی (دَرَى، يَدْرِي)
 دَرَى = عَلِمَ
 تَصِيدُ : شکار می کند (ماضی: صَادَ)
 تَفَكَّرُ : اندیشید (مضارع: يَتَفَكَّرُ)
 جُدَعُ : تنه «جمع: جُدوع»
 جَنَاحُ : بال «جمع: أَجْنِحَة»
 جَنَاحِيهِ : دو بال او
 حَيَّةٌ : مار «جمع: حَيَّات»
 دِمَاعٌ : مغز
 رِمَالٌ : ماسه ها «مفرد: رَمْلٌ»

رَعَانِفٌ : باله های ماهی «مفرد: رَعْنَقَةٌ»
 رَقْرَاقٌ : مرغ باران
 شِمَالٌ : چپ = يَسَارٌ ، ≠ يَمِينٌ
 طَنَانٌ، الطَّائِرُ الطَّنَانُ : مرغ مگس
 طَنِينٌ : صدای زنگ، بال پرنده و مانند آن
 غِشَاءٌ : پرده، پوشش جانوران و گیاهان مانند پوست و پر
 فَمٌ : دهان «جمع: أفواه»
 قَفْرَةٌ : پرش
 لا تَتَفَكَّرُوا = لا تَتَفَكَّرُوا (حرف ت برای آسانی تلفظ حذف شده است).
 ما مِنْ : هیچ نیست «ما مِنْ دَائِبَةٍ»

هیچ جنبنده ای نیست»
 مِظَلَّةٌ : چتر
 مُنْتَصَفٌ : نیمه
 نَسِيحٌ : بافت (بافت پیوندی)
 نَقَارُ الخَشَبِ : دارکوب
 يَنْقُرُ : نوک می زند، کلیک می کند
 (ماضی: نَقَرَ)
 يُحْدِثُ : پدید می آورد
 (ماضی: أَحْدَثَ)
 يَسْتَرِيحُ : استراحت می کند
 (ماضی: اسْتَرَاخَ)
 يَطِيرُ : پرواز می کند (ماضی: طَارَ)
 يَنْتَهِي : به پایان می رسد
 (ماضی: انْتَهَى)

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- بِمَ يَطِيرُ السَّنَجَابُ الطَّائِرُ حِينَ يَفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ؟

۲- أَيُّ طَائِرٍ يُسَاعِدُ التَّمْسَاحَ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ؟

۳- لِمَاذَا سُمِّيَ الطَّائِرُ الطَّنَانُ بِهَذَا الْإِسْمِ؟

۴- مَتَى تَصِيدُ حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ الطَّيْرَ؟

۵- كَمِ ثَانِيَةً يَطِيرُ السَّمَكُ الطَّائِرَ؟

۶- مَا هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ؟

إِعْلَمُوا

«التَّرْكِيْبُ الوُصْفِيُّ» وَ «التَّرْكِيْبُ الإِضَافِيُّ»

■ حَيْثَمَا تَنْظُرُ إِلَى التَّرْكِيْبِيْنِ التَّالِيَيْنِ تَرَاهُمَا عَلَى نَوْعَيْنِ:

التَّرْكِيْبُ الوُصْفِيُّ (المُوصُوفُ + الصِّفَةُ) نَحْوُ: الشَّارِعِ المُزْدَحِمِ: خِيَابَانِ شَلُوعِ

التَّرْكِيْبُ الإِضَافِيُّ (المُضَافُ + المُضَافُ إِلَيْهِ) نَحْوُ: سَاحَةُ المَدِينَةِ: مِيدَانِ شَهْرِ

■ فِي التَّرْكِيْبِ الوُصْفِيِّ بُيِّنَ^١ الكَلِمَةُ التَّانِيَةُ (النَّعْتُ^٢) الكَلِمَةَ الأُولَى (المَنْعُوتُ^٣) وَتَشْرَحُهَا:

وَكَأَنَّهُمَا شَيْءٌ وَاحِدٌ؛ نَحْوُ:

الرِّجَالُ المُؤْمِنُونَ وَ النِّسَاءُ المُؤْمِنَاتُ يَتْلُونَ القُرْآنَ الكَرِيمَ.

المُوصُوفُ الصِّفَةُ المُوصُوفُ الصِّفَةُ المُوصُوفُ الصِّفَةُ



أَبَابُ العَتِيقِ (دِرْ كَهَنَه)، اَلْحَلِيبِ الطَّازِجِ (شِيرِ تَازِه)

فِي تَرْكِيْبِ «أَبَابِ العَتِيقِ» يُبَيِّنُ نَعْتُ «العَتِيقِ» مَنْعُوتَهُ «أَبَابِ»؛

وَفِي تَرْكِيْبِ «أَلْحَلِيبِ الطَّازِجِ» يُبَيِّنُ نَعْتُ «الطَّازِجِ» مَنْعُوتَهُ «أَلْحَلِيبِ» أَيضاً.

■ أَمَّا التَّرْكِيْبُ الإِضَافِيُّ فَالِإِسْمُ الأَوَّلُ (يَعْنِي المُضَافَ) يُضَافُ إِلَى الإِسْمِ الثَّانِي (يَعْنِي

المُضَافَ إِلَيْهِ)؛ فَهُمَا شَيْئَانِ مُخْتَلِفَانِ عَلَى عَكْسِ التَّرْكِيْبِ الوُصْفِيِّ، فَهُمَا (المَنْعُوتُ

وَالنَّعْتُ) شَيْءٌ وَاحِدٌ.

حَقِيبَةُ السَّائِحِ (چِمْدَانِ گَرْدَشْگَر)، سَبَّوْرَةُ الصِّفِّ (تَخْتَهُ كَلَّاس)

٣- المَنْعُوتُ: مَوْصُوفٌ

٢- النَّعْتُ: صِفَتٌ

١- يُبَيِّنُ: أَشْكَارَ كَرْدٌ

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): عَيِّنْ نَوْعَ التَّرَكِيبَاتِ التَّالِيَةِ.

الْبَطَارِيَةُ الْقَوِيَّةُ زُجَاجَةُ الْعِطْرِ انْخِفَاضُ الْحَرَارَةِ الرَّجُلُ الْفَاضِلُ
 حَيْثَمَا تَنْظُرُ إِلَى النَّعْتِ «مُجِدِّ» فِي التَّرَاكِبِ التَّالِيَةِ نَظْرًا دَقِيقًا، فَمَاذَا تَسْتَنْجُ مِنْهَا؟
 فَلَاحُ مُجِدِّ، الْفَلاحُ الْمُجِدِّ، الْفَلاحِ الْمُجِدِّ، فَلَاحِينَ مُجِدِّينَ، الْفَلاحَتَانِ الْمُجِدَّتَانِ، فَلَاحُونَ
 مُجِدِّونَ، فَلَاحَاتٍ مُجِدَّاتٍ
 النَّعْتُ يَتَّبَعُ مَنَعَوْتَهُ فِي أَرْبَعَةِ أُمُورٍ غَالِبًا:

١ في الإعراب؛ مثل: مَهْنِدِسٌ مَاهِرٌ، مَهْنِدِسًا مَاهِرًا، مَهْنِدِسٍ مَاهِرٍ

٢ في التَّعْرِيفِ وَالتَّنْكِيرِ؛ مثل: الْمَهْنِدِسُ الْمَاهِرُ، مَهْنِدِسٌ مَاهِرٌ

٣ في الْجِنْسِ (التَّذْكِيرِ وَالتَّأْنِيثِ)؛ مثل: الْمَهْنِدِسُ الْمَاهِرُ، الْمَهْنِدِسَةُ الْمَاهِرَةُ

٤ في الْعَدَدِ (الْأَفْرَادِ وَالتَّثْنِيَةِ وَالجَمْعِ)؛ مثل: الْمَهْنِدِسُ الْمَاهِرُ، الْمَهْنِدِسَانِ الْمَاهِرَانِ،

الْمَهْنِدِسَاتُ الْمَاهِرَاتُ

تَأْتِي الصِّفَةُ لِغَيْرِ ذَوِي الْعُقُولِ مُفْرَدَةً مُؤَنَّثَةً. ⇐ الْكُتُبُ الْمُفِيدَةُ وَ الْمَدَارِسُ الْجَمِيلَةُ.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): عَيِّنِ النَّعْتِ الْمُنَاسِبَ.

١- يَدُكَ ... مَجْرُوحَةٌ مَجْرُوحَةٌ الْمَجْرُوحَةُ الْمَجْرُوحُ

٢- بَطَاقَاتٌ ... جَاهِزَةٌ جَاهِزُونَ جَاهِزٌ جَاهِزَاتٌ

٣- غُصُونٌ ... النَّضْرُ النَّضْرَةُ النَّضِرُ نَضِرَةٌ

٤- عَيْنَانِ ... جَمِيلَانِ جَمِيلَتَانِ جَمِيلَيْنِ الْجَمِيلَتَانِ

■ ماذا تَجِدُ حِينَما تَنْظُرُ إِلَى هَذِهِ الْجُمْلَةِ نَظْراً دَقِيقاً؟

رَأَيْتُ شَرْطِيّاً يَمْشِي عَلَى الرَّصِيفِ بِسُرْعَةٍ. پلِیسی را دیدم که در پیاده‌رو به سرعت راه می‌رفت.
تَجِدُ أَنَّ جُمْلَةَ «يَمْشِي» قَدْ وَصَفَتِ الْاسْمَ النَّكِرَةَ الَّتِي جَاءَ قَبْلَهَا؛ إِذَنْ (الْجَمْلُ بَعْدَ النَّكِرَاتِ صِفَاتٌ).

■ نَسْتَنْتِجُ مِمَّا سَبَقَ أَنَّ النَّعْتَ يَأْتِي عَلَى نَوْعَيْنِ: «مُفْرَدٍ» وَ «جُمْلَةٍ».

النَّعْتُ الْمُفْرَدُ نَحْوُ «كَبِيراً» فِي «اشْتَرَيْتُ مُعْجَماً كَبِيراً».

النَّعْتُ الْجُمْلَةُ نَحْوُ «يُسَاعِدُ» فِي «اشْتَرَيْتُ مُعْجَماً يُسَاعِدُنِي فِي تَرْجَمَةِ النُّصُوصِ».



اخْتِزِرْ نَفْسَكَ (۳): عَيْنُ نَوْعِ النَّعْتِ.

۱- ﴿وَإِنصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آل عمران: ۱۴۷

۲- الْقِنَاعَةُ كَنْزٌ لَا يَنْفَدُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۳- أَشْعُرُ بِفَرْحٍ يُشَجِّعُنِي عَلَى خِدْمَةِ النَّاسِ.

■ حِينَما يَأْتِي فِي الْجُمْلَةِ فِعْلٌ بَعْدَ اسْمٍ نَكِرَةٍ يُوَضِّحُهَا وَ يُخَصِّصُهَا؛ وَنُرِيدُ أَنْ نَتَرَجِّمَ

تِلْكَ الْجُمْلَةَ، نَضَعُ كَلِمَةَ «كه» الْفَارِسِيَّةَ بَيْنَهُمَا، وَنُتَرَجِّمُ الْفِعْلَ طَبَقاً لِسِيَاقِ الْجُمْلَةِ؛ مِثْلُ:

شَاهِدْنَا سِنْجَاباً يَفْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ. سنجابی را دیدیم که از درختی به درختی می‌پرد.

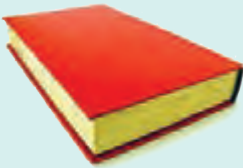
كَيْفَ نُنْرِجِمُ الْجُمْلَةَ الَّتِي تَقَعُ نَعْتًا؟

■ عبارة (شاهدنا سنجاباً يَفْرُ من شجرةٍ إلى شجرةٍ) تتألف من جملتين فعليتين، فعلُ الجملة الأولى ماضٍ، وفعلُ الجملة الثانية مضارعٌ، وقد جاء الفعل المضارع بعد الاسم النكرة «سنجاباً» مبيّناً وموضحاً لها، فحينما نريد أن نُترجم مثل هذه العبارة إلى الفارسيّة نضع كلمة «كه» بعد تلك النكرة ونبدّل الفعل المضارع إلى ما يسمّى بالفارسيّة بالماضي الاستمراري¹ غالباً.

الماضي + الاسم النكرة + المضارع = الماضي الاستمراري
الترجمة

■ أما إذا كان الفعل الأوّل مضارعاً، فكيف نُترجم الفعل الثاني؟ انظر بدقّة إلى المثال التالي.
أفتّش عن معجمٍ يساعدي في فهم النصوص.
دنبال فرهنگ لغتی می‌گردم که مرا در فهم متون کمک کند.

المضارع + الاسم النكرة + المضارع = المضارع الإلزامي أو المضارع الإخباري
الترجمة



■ بعد هذا، انظر بدقّة إلى ترجمة الجملة التالية.
اشتريت اليوم كتاباً قد رأيته من قبل.
امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. (ديدم)

الماضي + الاسم النكرة + الماضي = الماضي البعيد أو الماضي البسيط
الترجمة

١- هذه المصطلحات (الماضي الاستمراري والماضي البعيد والمضارع الإلزامي والماضي البسيط) ليست موجودة في قواعد اللغة العربيّة.



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٤): تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ^١ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ^٢ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ
مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ^٣ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (مِنْ تَعْقِيَابِ صَلَاةِ الْعَصْرِ)

.....

.....

.....

التَّرْكِيبُ الْإِضَافِيُّ

يَتَأَلَّفُ^٤ التَّرْكِيبُ الْإِضَافِيُّ مِنَ الْمُضَافِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ؛ مِثْلُ: حَارِسُ الْمَصْنَعِ
يَجِبُ تَجْرِيدُ الْمُضَافِ مِنْ ثَلَاثَةِ أُمُورٍ وَهِيَ: «أَل» وَ «التَّنْوِينُ» وَ «نُونُ الْمُتَنَّى وَ نُونُ جَمْعِ
الْمُذَكَّرِ السَّالِمِ»؛ مِثْلُ:

حَدِيقَةُ الْمَدِينَةِ نَظِيفَةٌ. (كَلِمَةُ «حَدِيقَةٌ» مُجَرَّدَةٌ^٦ مِنْ أَلٍ وَالتَّنْوِينِ).
أُخْتَاكَ الصَّغِيرَتَانِ مُجَدَّتَانِ. (أَصْلُ كَلِمَةِ «أُخْتَاكَ» ← «أُخْتَانِ + كَ»، فَحُذِفَ نُونُ الْمُتَنَّى
فِيهَا بِسَبَبِ الْإِضَافَةِ.) أُخْتَاكِ الصَّغِيرَتَانِ
أُحِبُّ مُعَلِّمِي مَدْرَسَتِي. (أَصْلُ كَلِمَةِ «مُعَلِّمِي» ← «مُعَلِّمِينَ + مَدْرَسَتِي»، فَحُذِفَ نُونُ
جَمْعِ الْمُدَّكَّرِ السَّالِمِ بِسَبَبِ إِضَافَتِهَا إِلَى مَدْرَسَتِي).

١- لَا تَشْبَعُ: سِيرَ نَمَى شُود
٢- لَا يَخْشَعُ: فَرُوتَنِي نَمَى كُنْد
٣- لَا تَرْفَعُ: بِالَا بَرْدَه نَشُود (بِالَا نَرُود)
٤- تَأَلَّفَ: تَشْكَيلُ شُد
٥- التَّجْرِيدُ: خَالِيُ گِرْدَانِيدِنِ از زَوَائِد
٦- الْمُجَرَّدَةُ: خَالِيُ شُدِه از زَوَائِد

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٥): عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ ... كُمْ﴾
 أَخَوَيْنِ أَخَوِي الْأَخَوَيْنِ
- ٢- تَعَلَّمْ ... الإِسْتِمَاعَ كَمَا تَتَعَلَّمُ حُسْنَ الْحَدِيثِ.
 حُسْنِ الْحُسْنِ حُسْنًا
- ٣- الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ... شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.
 سَيِّدَانِ السَّيِّدَانِ سَيِّدَا
- ٤- النَّاسُ عَلَى دِينِ ... هُمْ.
 مُلُوكِ مُلُوكٍ الْمُلُوكِ

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٦): عَيِّنِ الْمُضَافَ إِلَيْهِ وَ الصِّفَةَ (النَّعْتِ) فِي الْجُمْلِ التَّالِيَةِ، وَ اعْرِبْهُمَا.

- ١- ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ الْأَخْرَاب: ٢١
- ٢- ﴿... وَأَدْخَلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ النَّمل: ١٩
- قَدْ قَرَأْتُمْ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ أَنَّ الْمُضَافَ إِلَيْهِ مَجْرُورٌ؛ يَعْنِي يُجْرُ أَخْرُهُ بِأَحْدَى هَذِهِ
الْعَلَامَاتِ: (ـِ ، ـ) وَ (ي)
- فِي الْمَفْرَدِ ← «الْحَافِظِ ، حَافِظٍ» وَفِي الْإِسْمِ الْمُثَنَّى ← «حَافِظَيْنِ» ، وَفِي جَمْعِ الْمَذَكَّرِ
السَّالِمِ ← «حَافِظِينَ».

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۷): عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

۱- ذَهَبْتُ إِلَى غُرْفَةٍ ... الْمَعْلَمُونَ الْمُعَلِّمِينَ الْمُعَلِّمَاتُ

۲- سَيِّدٌ ... خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. الْقَوْمِ الْقَوْمُ الْقَوْمَ

۳- إِنَّ مازندرانَ بَيْنَ ... جِيلَانَ وَ جِلِسْتَانَ. مُحَافِظَتَا مُحَافِظَتَيْنِ مُحَافِظَتِي

■ تَقَعُ الصِّفَةُ فِي التَّرْكِيبِ الْإِضَافِيِّ بَعْدَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ، وَفِي اللَّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ تَقَعُ بَعْدَ الْمُضَافِ؛ مِثْلُ:

بَابُ الْمَدْرَسَةِ الْكَبِيرِ. دَرِ بزرگِ مَدْرَسِهِ
 الْمُضَافِ الْمُضَافُ إِلَيْهِ الصِّفَةُ الْمُضَافِ الصِّفَةُ الْمُضَافُ إِلَيْهِ

■ حِينَمَا تَتَّصِلُ الضَّمَائِرُ الْمُتَّصِلَةُ مِثْلُ (هَ، هُما، هُم، هَا، هُما، هُنَّ، كَ، كُما، كُم، كِ، كُما، كُنَّ، ي، نا) بِالِاسْمِ فَسَتَكُونُ مُضَافاً إِلَيْهِ.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۸): عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

۱- عَبْدُ اللَّهِ الصَّالِحِ بِنْدَةُ دَرَسْتِكَارِ خِدا بِنْدَةُ خِدايِ دَرَسْتِكَارِ

۲- صَدِيقُنَا الْعَزِيزِ دُوسْتِ گرامِيِ ما دُوسْتِ ما گرامِيِ اسْتِ.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۹): عَيِّنِ الْمُضَافَ إِلَيْهِ.

۱- إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ دَلِيلٌ عَلَى صَعْفِ عَقْلِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲- مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- أَدَاةٌ لِحِفْظِ الْإِنْسَانِ أَمَامَ أَشْعَةِ الشَّمْسِ أَوْ نُزُولِ الْمَطَرِ أَوْ التَّلْجِ:
- ٢- طَائِرٌ يَنْقُرُ جُذُوعَ الْأَشْجَارِ وَ يَصْنَعُ عُشًّا فِيهَا:
- ٣- حَيَوَانٌ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ:
- ٤- عُضْوٌ يَطِيرُ بِهِ الطَّائِرُ:

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلَوَّنَةَ.

- ١- تَسْقُطُ أَسْنَانُ سَمَكِ الْقُرْشِ دَائِماً وَ تَنْمُو أَسْنَانُ جَدِيدَةً مَكَانَهَا. وَ فِي بَعْضِ أَنْوَاعِهِ تَنْمُو
آلَافُ الْأَسْنَانِ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ.
- ٢- يُعَدُّ الْحَوْتُ الْأَزْرَقُ أَكْبَرَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي الْعَالَمِ. يَبْلُغُ طَوْلُهُ ثَلَاثِينَ مِتْراً وَ وَزْنُهُ مِئَةً
وَ سَبْعِينَ طُنّاً تَقْرِيباً.
- ٣- الَّتَمْسَاحُ لَا يَبْكِي عِنْدَ أَكْلِ فَرِيْسَتِهِ ، بَلْ عِنْدَمَا يَأْكُلُ فَرِيْسَةً أَكْبَرَ مِنْ فَمِهِ، تُفَرِّزُ عِيُونُهُ
سَائِلاً كَأَنَّهُ دُمُوعٌ.
- ٤- لَهَجَاتُ نَوْعٍ وَاحِدٍ مِنَ الطَّيُورِ تَخْتَلِفُ مِنْ مِنتَقَةٍ إِلَى مِنتَقَةٍ أُخْرَى.
- ٥- يُقَدَّرُ الْعُلَمَاءُ أَنْوَاعَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي بَحَارِ الْعَالَمِ بِالْمَلَايِينِ.

١- أَلْبَطْنُ: شَكْم ٢- يُعَدُّ: بِهِ شِمَارٌ مِى رُود ٣- أَلْطَنْ: تَنْ ٤- أَلْفَرِيْسَةُ: شَكَار، طَعْمَهُ ٥- يُقَدَّرُ: بِرَأُورِدٍ مِى كَنْد

التَّامِرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ	الْمَصَدَر
قَدْ أَنْقَذَ:	يُنْقِذُ: نجات می دهد	أَنْقِذْ:	إِنْقَاذ: نجات دادن
إِنْتَعَدَ:	لَا يَبْتَعِدُ: دور نمی شود	لَا تَبْتَعِدْ:	إِنْتِعَاد: دور شدن
أَنْسَحَبَ: عقب نشینی کرد	سَيَنْسَحِبُ:	لَا تَنْسَحِبْ:	أَنْسِحَاب: عقب نشینی کردن
اسْتَحْدَمَ: به کار گرفت	يَسْتَحْدِمُ:	اسْتَحْدِمْ: به کار بگیر	اسْتِحْدَام:
جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالِسْ:	مُجَالَسَة:
تَدَكَّرَ: به یاد آورد	يَتَدَكَّرُ:	لَا تَتَدَكَّرْ:	تَدَكُّرٌ: به یاد آوردن
تَعَايَشَ:	يَتَعَايَشُ:	تَعَايَشْ: همزیستی کن	تَعَايُش: همزیستی کردن
قَدْ حَرَّمَ: حرام کرده است	يُحَرِّمُ: حرام می کند	لَا تُحَرِّمْ:	تَحْرِيم:

التمرين الرابع: إنتخب الجواب الصحيح للفراغ.

١- يُحَدِّثُ الطَّنَانُ صَوْتًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ هـ.

- جَنَاحًا... جَنَاحَيْنِ... جَنَاحَيْهِ... جَنَاحَانِ...

٢- لِلتَّمْسَاحِ طَرِيقَةٌ غَرِيبَةٌ فِي أَسْنَانِهِ.

- تَنْظِيفٍ التَّنْظِيفِ تَنْظِيفٍ تَنْظِيفُ

٣- أَلَسَمَّكَ الطَّائِرُ يَقْفِزُ مِنَ الْمَاءِ بِحَرَكَةٍ مِنْ ذَيْلِهِ

- الْقَوِيِّ الْقَوِي الْقَوِيَّ قَوِيٍّ

٤- أَمْ تَزَعَمُ أَنَّكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ وَفِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ

- أَكْبَرُ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرُ الْكُبْرَى

٥- إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ وَحَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ

- ثَابِتٌ ثَابِتٍ ثَابِتًا الثَّابِتِ

التَّمرِينُ الخَامِسُ: ضَعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَالْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. = ≠

شِمَالٌ / إِبْتِعَادٌ / تَكَلَّمَ / إِجْلَسَ / خَلْفٌ / عِدَاوَةٌ / أَحْيَاءٌ / مَرَّةً / يَنْفَعُ / يَعْلَمُ / يَبْكِي / أَعْلَى

..... ≠ أَمَامٌ = يَدْرِي
..... ≠ أَسْفَلَ ≠ يَضْحَكُ
..... = تَارَةً ≠ يَضُرُّ
..... ≠ تَقَرَّبَ = يَسَارٌ
..... ≠ سَكَتَ ≠ قُمْ
..... ≠ صَدَاقَةٌ ≠ الْأَمْوَاتُ

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ مِنْ دُعَاءِ النَّدْبَةِ ثُمَّ عَيِّنِ الصِّفَةَ وَالْمُضَافَ إِلَيْهِ وَأَعْرِبْهُمَا.

أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ؟ أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ؟ أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ؟ ... أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ

دَابِرِ الظَّلْمَةِ؟ ... أَيْنَ مُحِبِّي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِيهِ؟ أَيْنَ قَاصِمٌ شَوْكَةَ الْمُعْتَدِينَ؟ أَيْنَ هَادِمٌ

أَبْنِيَةَ الشَّرِكِ وَالتَّفَاقِي؟ ... أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ؟ أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمُقْتُولِ

بِكَرْبَلَاءِ؟

.....

.....

.....

.....

.....

.....



١- الْمُعَدُّ: آماده شده ٢- الدَّابِرُ: ريشه (در اینجا) ٣- الظَّلْمَةُ: ستمگران، جمع الظَّالِمِ ٤- القَاصِمُ: درهم شکننده

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ عَجَائِبِ مَخْلُوقَاتِ اللّٰهِ تَعَالٰى ثُمَّ اَكْتُبْهُ.







الدرس الثَّابِت



﴿فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ...﴾ الأعراف: ٨٥

پس پیمانہ و ترازو را کامل دهید و اموال مردم را کم ندهید و

در زمین تباهی نکنید.

الشَّجَاعَةُ فِي الْحَقِّ

كَانَتْ «سُودَةُ بِنْتُ عُمَارَةَ» مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ الْمُخْلِصَاتِ فِي حُبِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ حَضَرَتْ صَفِينَ وَهَيَّجَتِ الْأَبْطَالَ عَلَى قِتَالِ مُعَاوِيَةَ. وَبَعْدَ اسْتِشْهَادِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَهَبَتْ إِلَى مُعَاوِيَةَ لِكَيْ تَشْكُو مِنْ جَوْرِ جَرَى عَلَيْهَا. فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: أَلَسْتَ أَنْتِ الْقَائِلَةَ يَوْمَ صَفِينَ؟

وَأَنْصُرُ عَلِيًّا وَالْحُسَيْنَ وَرَهْطَهُ
وَاقْصِدْ لِهَيْدٍ وَابْنِهَا بِهَوَانٍ
إِنَّ الْإِمَامَ أَخَا النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ
عَلَّمَ الْهُدَى وَمَنَارَةَ الْإِيمَانِ

قَالَتْ: نَعَمْ، لَسْتُ مِمَّنْ رَغِبَ عَنِ الْحَقِّ أَوْ اعْتَدَرَ بِالْكَذِبِ.

قَالَ: مَا حَمَلَكَ عَلَى ذَلِكَ؟

قَالَتْ: حُبُّ عَلِيٍّ وَاتِّبَاعُ الْحَقِّ.

قَالَ: قَوْلِي حَاجَتَكَ.

قَالَتْ: **وَالَيْكَ «بُسْرُ بْنُ أَرْطَاةٍ» قَدِمَ عَلَيْنَا مِنْ قَبْلِكَ؛ فَفَقَتَلَ رِجَالَنَا وَآخَذَ أَمْوَالَنَا، وَ يَطْلُبُ مِنَّا أَنْ نَسُبَّ عَلِيًّا. فَإِنْ عَزَلْتَهُ، شَكَرْنَاكَ وَإِلَّا فَيَأْتِي اللَّهُ شَاكِرًا.**

فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: **أَتَهْدِدِينِي؟!**

فَأَطْرَقَتْ رَأْسَهَا ثُمَّ أَنْشَدَتْ:

صَلَّى إِلَهُهُ عَلَى جِسْمٍ تَضَمَّنَهُ
قَدَّ حَالَفَ الْحَقِّ لَا يَبْغِي بِهِ بَدَلًا
قَبْرٌ فَأَصْبَحَ فِيهِ الْعَدْلُ مَدْفُونًا
فَصَارَ بِالْحَقِّ وَالْإِيمَانِ مَقْرُونًا

قَالَ: وَ مَنْ تَقْصِدِينَ؟!

قَالَتْ: عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قَالَ: وَمَا عَمِلَ حَتَّى صَارَ عِنْدَكَ كَذَلِكَ؟!

قَالَتْ: ذَهَبْتُ يَوْمًا لِأَشْكُوَ إِلَيْهِ أَحَدَ عُمَّالِهِ. فَوَجَدْتُهُ قَائِمًا يُصَلِّي. وَبَعْدَمَا انْتَهَى مِنْ صَلَاتِهِ، قَالَ بِرَأْفَةٍ: أَلَيْكَ حَاجَةٌ؟ فَأَخْبَرْتُهُ عَنْ شِكَايَتِي. فَتَأَلَّمَ بِشِدَّةٍ وَبَكَى، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ، إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ أَنِّي مَا أَمَرْتُهُمْ بِظُلْمِ خَلْقِكَ وَلَا بِتَرْكِ حَقِّكَ.

ثُمَّ كَتَبَ: ﴿... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ...﴾

إِذَا أَنَاكَ كِتَابِي هَذَا، فَاحْتَفِظْ بِمَا فِي يَدِكَ، حَتَّى يَأْتِيَ مَنْ يَأْخُذُهُ مِنْكَ. وَالسَّلَامُ.

فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: اكْتُبُوا بِالْإِنصَافِ وَالْعَدْلِ لَهَا.

قَالَتْ: أَلَيْ خَاصَّةً أَمْ لِقَوْمِي عَامَّةً؟

قَالَ: وَمَا أَنْتِ وَعَيْرُكِ؟!

قَالَتْ: لَا أُرِيدُ شَيْئًا لِنَفْسِي، إِنْ كَانَ عَدْلًا شَامِلًا فَأَقْبَلُ وَإِلَّا فَلَا.

قَالَ: وَيَلِّ لَنَا! لَقَدْ ذَوَّقْنَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ الْجُرْأَةَ. اكْتُبُوا لَهَا وَلِقَوْمِهَا.

أبطال: قهرمانان «مفرد: بطل»

إتباع: پیروی

أخبرت: خبر دادم

استشهاد: شهید شدن

أطقت رأسها: سرش را پایین انداخت

أوفوا الكيل: پیمانہ را کامل دهید

تألم: به درد آمد

تضمن: در برگرفت

تقصدين: قصد داری

«من تقصدين: منظورت کیست؟»

تهددني: مرا تهدید می کنی

جری: جاری شد

جور: ستم = ظلم

حالف: هم پیمان شد

حضر: حاضر شد

حملك: تو را واداشت

ذوق: چشاند

رافة: مهربانی

رغب عنه: از آن روی گردان شد

رهط: گروه

قائلة: گوینده

قتال: جنگیدن، جنگ

قدم: روی آورد

گیل: پیمانہ

لا تبخسوا: کم نکنید

ما أنت و عيرك: تو را با دیگران چه

کار؟!

من قبل: از طرف

میزان: ترازو «جمع: موازين»

والي، وال: استاندار

ويل لنا: وای بر ما

هوان: خواری

هيح: برانگیخت

يصلي: نماز می خواند

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- في أي حربٍ حضرت سودة؟

۲- ماذا فعلت سودة في يوم صفين؟

۳- هل أرادت سودة العدل والإنصاف لنفسها؟

۴- ماذا حمل سودة على إنشاد شعرٍ عن عليٍّ عليه السلام يوم صفين؟

۵- كيف صار أمير المؤمنين عليٍّ عليه السلام عندما أخبرته سودة عن شكائتها؟

المضاعف والمهموز والرباعي

الفعل المضاعف:

■ الفعل المضاعف هو ما يكون في حروفه الأصلية حرفان من جنس واحد؛ مثل:

حلّ : حلّ	ظنّ : گمان کرد	زلزل : لرزاند	أحبّ : دوست داشت	مرّر : تلخ کرد
استمدّ : کمک خواست	انفكّ : باز شد	اشتدّ : سخت شد	ترددّ : رفت و آمد کرد	تضادّ : با هم ضد شدند

الحروف الأصلية للأفعال هي:

حلّ	ظنّ	زلزل	أحبّ	مرّر
استمدّ	انفكّ	اشتدّ	ترددّ	تضادّ

■ انظر إلى تصريف الأفعال المضاعفة في الجدولين التاليين بدقة، تُشاهد الحرفين المماثلين (من جنس واحد) في بعضها مُدغمين قد صارا حرفاً واحداً مُشددًا، وفي بعضها الآخر قد فُكَّ إدغامهما، والآن فكّر في سبب ذلك، حتّى تُجيب عن الأسئلة التي تلي هذين الجدولين.

تصريف الفعل الثلاثي المُجرّد «مدّ» والثلاثي المُزید؛ «أحبّ»:

الأمر	المضارع	الماضي	الصيغة
		أحبّ	المُفْرَدُ المُدَكَّرُ الغَائِبُ
		أحبّا	المُتَنَّى المُدَكَّرُ الغَائِبُ
		أحبوا	الجَمْعُ المُدَكَّرُ الغَائِبُ
		أحبّت	المُفْرَدُ المُؤنَّثُ الغَائِبُ
		أحبّتا	المُتَنَّى المُؤنَّثُ الغَائِبُ
		أحببن	الجَمْعُ المُؤنَّثُ الغَائِبُ
أحبّ، أحبّ	أحبّ	أحببت	المُفْرَدُ المُدَكَّرُ المُخاطَبُ
أحبّا	أحببنا	أحببتما	المُتَنَّى المُدَكَّرُ المُخاطَبُ
أحبوا	أحببتم	أحببتهم	الجَمْعُ المُدَكَّرُ المُخاطَبُ
أحبّي	أحبّين	أحببت	المُفْرَدُ المُؤنَّثُ المُخاطَبُ
أحبّا	أحببنا	أحببتما	المُتَنَّى المُؤنَّثُ المُخاطَبُ
أحبّين	أحببنا	أحببتن	الجَمْعُ المُؤنَّثُ المُخاطَبُ
		أحببت	المُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ
		أحببنا	المُتَكَلِّمُ مَعَ الغَيْرِ

الأمر	المضارع	الماضي	الصيغة
		مدّ	المُفْرَدُ المُدَكَّرُ الغَائِبُ
		مدّا	المُتَنَّى المُدَكَّرُ الغَائِبُ
		مدّوا	الجَمْعُ المُدَكَّرُ الغَائِبُ
		مدّت	المُفْرَدُ المُؤنَّثُ الغَائِبُ
		مدّتا	المُتَنَّى المُؤنَّثُ الغَائِبُ
		مددن	الجَمْعُ المُؤنَّثُ الغَائِبُ
مدّ، أمدّد	مدّد	مدّدت	المُفْرَدُ المُدَكَّرُ المُخاطَبُ
مدّا	مدّدنا	مدّدتما	المُتَنَّى المُدَكَّرُ المُخاطَبُ
مدّوا	مدّدتم	مدّدتهم	الجَمْعُ المُدَكَّرُ المُخاطَبُ
مدّي	مدّين	مدّدت	المُفْرَدُ المُؤنَّثُ المُخاطَبُ
مدّا	مدّدنا	مدّدتما	المُتَنَّى المُؤنَّثُ المُخاطَبُ
أمدّدن	مدّدن	مدّدنن	الجَمْعُ المُؤنَّثُ المُخاطَبُ
		أمدّد	المُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ
		مدّدنا	المُتَكَلِّمُ مَعَ الغَيْرِ ^٢

١- تلي: به دنبال می آید

٢- صحبته «المُتَكَلِّمُ مَعَ غَيْرِهِ» وَلَكِنْ هَذَا الإِصْطِلَاحُ خَطَأٌ شَائِعٌ. وَالْخَطَأُ الشَائِعُ خَيْرٌ مِنَ الصَّحِيحِ النَادِرِ.

وَالآنَ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.

١- في أيّ صيغةٍ مِنْ صَيَغِ الْفِعْلِ الْمَاضِي أُدْغِمَ فِيهَا الْحَرْفَانِ الْمُمَثَلَانِ؟

٢- في أيّ صيغةٍ مِنْ صَيَغِ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ فُكَّ فِيهَا الْإِدْغَامُ؟

٣- في أيّ صيغةٍ مِنْ صَيَغِ فِعْلِ الْأَمْرِ فُكَّ فِيهَا الْإِدْغَامُ؟

٤- ما هُوَ السَّبَبُ فِي إِدْغَامِ الْحَرْفَيْنِ الْمُمَثَلَيْنِ فِي بَعْضِ الصَّيَغِ؟

٥- في أيّ صيغةٍ مِنْ صَيَغِ الْفِعْلِ يَجُوزُ فِيهَا الْوَجْهَانِ: الْإِدْغَامُ وَ فُكَّ الْإِدْغَامُ؟

٦- هَلْ يُمَكِّنُ لَنَا أَنْ نَقُولَ يُفَكُّ إِدْغَامَ الْحَرْفَيْنِ الْمُمَثَلَيْنِ، حِينَ يُسَكَّنُ تَانِيهِمَا؟

■ بَعْضُ الْأَفْعَالِ تَتَكَوَّنُ مِنْ أَرْبَعَةِ أَحْرُفٍ أَصْلِيَّةٍ؛ مِثْلُ «زَلَزَلَ» وَ «وَسَّوَسَ» وَ لَيْسَ فِيهَا حَرْفٌ زَائِدٌ؛ فَيُسَمَّى مِثْلُ هَذَا الْفِعْلِ بِـ «الرُّبَاعِيِّ الْمَجْرَدِ».

الْمَاضِي	الْمُضَارِعِ	الْمَصْدَرِ	الْأَمْرِ
فَعَلَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعَلَّلَةٌ (فَعْلَال)	فَعْلِلْ
زَلَزَلَ	يُزَلِّزُ	زَلَزَلَةٌ (زَلْزَال)	زَلِّزْ

لَيْسَتْ كُلُّ الْأَفْعَالِ الرُّبَاعِيَّةِ مُضَاعَفَةٌ؛ بَلِ الْبَعْضُ فِيهَا غَيْرُ مُضَاعَفٍ؛ مِثْلُ: «تَرَجَّمَ: تَرْجَمَهُ كَرْدٌ» وَ «رَخَّلَقَ: لَغَزَانِيدٌ».

تُصَرَّفُ الْأَفْعَالُ الرُّبَاعِيَّةُ الْمَجْرَدَةُ الْمُضَاعَفَةُ مِثْلُ الْأَفْعَالِ الصَّحِيحَةِ فَلَيْسَ فِيهَا إِدْغَامٌ أَوْ فُكَّ إِدْغَامٍ. لِلرُّبَاعِيِّ الْمَزِيدِ بَابٌ مَشْهُورٌ عَلَى وَزْنِ «تَفَعَّلُ» وَتَصْرِيْفُهُ كَمَا يَلِي:

الْمَاضِي	الْمُضَارِعِ	الْمَصْدَرِ	الْأَمْرِ
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلٌ	تَفَعَّلْ
تَزَلَزَلَ	يَتَزَلَزِلُ	تَزَلَزِلٌ	تَزَلَزِلْ

الرُّبَاعِيُّ الْمَجْرَدُ: زَلَزَلَ وَ دَحْرَجَ وَ رَخَّلَقَ الرُّبَاعِيُّ الْمَزِيدُ: تَزَلَزَلَ وَ تَدَحْرَجَ وَ تَرَخَّلَقَ

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ الْفِعْلِ الْمُضَاعَفِ وَاذْكُرْ صِيغَتَهُ.

۱ ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ^۱ بِالَّذِينَ قَدْ ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْضُرُونَ^۲﴾

عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ... ﴿الْمَاعُونُ: ۱ و ۲ و ۳﴾

۲ ﴿... وَذُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ^۳ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ^۴ ...﴾ النَّسَاءُ: ۱۰۲

۳ ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۳۱

۴ ﴿فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ...﴾ طه: ۱۲۰

■ لِبَابِ «الْمُفَاعَلَةِ» مَصْدَرَانِ، تَعَلَّمْتَ أَحَدَهُمَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ (عَلَى وَزْنِ مُفَاعَلَةٍ)

وَالثَّانِي قَدْ يَأْتِي عَلَى وَزْنِ «فِعَالٍ» أَيْضًا؛ مِثْلُ:

مُجَاهَدَةٌ = جِهَادٌ / مُدَافَعَةٌ = دِفَاعٌ

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲): عَيِّنْ مَصْدَرَ بَابِ الْمُفَاعَلَةِ.

عباد: حوار:

صغار: قتال:

۱- يُكذِّبُ: دروغ می شمارد ۲- يَدْعُ: با درشتی می راند ۳- يَحْضُرُ: بر می انگیزد ۴- وَدَّ: دوست داشت

۵- وَدَّ ... لَوْ تَغْفُلُونَ: آرزو می کردند غافل شوید ۶- الْأَمْتَعَةُ: ساز و برگ، اسباب و اثاثیه «مفرد: أمتاع»

الْفِعْلُ الْمَهْمُوزُ:

■ الْفِعْلُ الْمَهْمُوزُ هُوَ مَا يَكُونُ أَحَدُ حُرُوفِهِ الْأَصْلِيَّةِ هَمْزَةً؛ مِثْلُ: أَمَرَ وَ سَأَلَ وَ قَرَأَ يُسَمَّى فِعْلًا مَهْمُوزًا «مَهْمُوزَ الْفَاءِ»، وَ فِعْلًا سَأَلَ «مَهْمُوزَ الْعَيْنِ»، وَ فِعْلًا قَرَأَ «مَهْمُوزَ اللَّامِ». تَحْصُلُ تَغْيِيرَاتٌ فِي بَعْضِ صِيَغِ الْفِعْلِ «الْمَهْمُوزِ الْفَاءِ» وَذَلِكَ حِينَ تَجْتَمِعُ فِيهِ هَمْزَتَانِ، ثَانِيَتُهُمَا سَاكِنَةٌ، فَتُبَدَلُ الْهَمْزَةُ الثَّانِيَةُ إِلَى أَلِفٍ أَوْ وَاوٍ أَوْ يَاءٍ طَبَقًا لِحَرَكَةِ مَا قَبْلَهَا؛ أَيْ: تُبَدَلُ الْهَمْزَةُ الثَّانِيَةُ («أَ» ← «آ») وَ («أُ» ← «أُو») وَ («إُ» ← «إِي»).

أَهْمُ التَّغْيِيرَاتِ:

فِي الْمُضَارِعِ لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ:

هُوَ يَأْمُرُ. ← «أَنَا أُمُرُ» هُوَ يَأْخُذُ. ← «أَنَا أَخُذُ» هُوَ يَأْكُلُ. ← «أَنَا أَكُلُ»

فِي الْفِعْلِ الثَّلَاثِيِّ الْمَزِيدِ مِنْ بَابِ إِفْعَالٍ:

أَمِنَ عَلَى وَزْنِ أَفْعَلَ = «أَمَّنَ» مَجْهُولٌ آتَى = «أَوْتَيْ» مَصْدَرٌ آمَنَ عَلَى وَزْنِ إِفْعَالٍ = «إِيمَانٌ»

الْمَاضِي	الْمُضَارِعِ	الْمَصْدَرِ	الْأَمْرِ
آمَنَ	يُؤْمِنُ	إِيمَانٌ	آمِنُ
آتَرَ	يُؤْتِرُ	إِيثارٌ	آتِرُ

■ أَنْظِرُوا إِلَى أَمْرِ هَذِهِ الْأَفْعَالِ وَتَعَلَّمُوهَا وَادْكُرُوا صِيغَتَهَا.

تَأْمُرُ = «أُمُرٌ» وَ «مُرٌ» تَأْخُذُ = «خُذُ» تَأْكُلُ = «كُلُ» تَسْأَلُ = إِسْأَلٌ وَ «سَلُ»

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ لِـ «أَحْمَدَ شَوْقِي» ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَهْمُوزَةَ وَالْمُضَاعَفَةَ.

هَلْ عَلِمْتُمْ أُمَّةً فِي جَهْلِهَا ظَهَرَتْ فِي الْمَجْدِ حَسَنَاءَ الرِّدَاءِ^١

لَا تَقُولُوا حَطَّنَا^٢ الدَّهْرُ فَمَا هُوَ إِلَّا مِنْ خَيَالِ الشُّعْرَاءِ

فَخُذُوا الْعِلْمَ عَلَى أَعْلَامِهِ وَ اطْلُبُوا الْحِكْمَةَ عِنْدَ الْحُكَمَاءِ

وَ افْرُرُوا تَارِيخَكُمْ وَ احْتَفِظُوا بِفَصِيحٍ^٣ جَاءَكُمْ مِنْ فُصَحَاءِ

وَ اطْلُبُوا الْمَجْدَ^٤ عَلَى الْأَرْضِ فَإِنْ هِيَ ضَاقَتْ^٥ فَاطْلُبُوهُ فِي السَّمَاءِ



صَوْرَةٌ خَيَالِيَّةٌ مِنْ مِصْرَ

- ١- حَسَنَاءَ الرِّدَاءِ: خُوش جَامِهَ الْحَسَنَاءِ: زِيَا الرِّدَاءِ: بِالْأَيْشِ
 ٢- حَطَّنَا: بِأَيْبِن أَوْرِد
 ٣- الْفَصِيحُ: سَخْنِ أَشْكَارِ وَ بِي عَيْبِ (كِنَايَه اَز زَبَانِ عَرَبِي)، سَخْنُور
 ٤- الْمَجْدُ: بَزْرْكَوَارِي
 ٥- ضَاقَتْ: تَنَگ شَد

التمرين الأول: أَيْ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- طَلَبُ الشَّهَادَةِ.
- ٢- قَوْمُ الْمَرْءِ وَ قَبِيلَتُهُ.
- ٣- آلَةٌ يُعْرَفُ بِهَا وَزْنُ الشَّيْءِ.
- ٤- حَاكِمٌ فِي مُحَافِظَةٍ أَوْ قِسْمٍ مِنَ الْبِلَادِ.
- ٥- قَوِيٌّ فِي الْحَرْبِ، أَوْ لَهُ دَوْرٌ مُهِمٌّ فِي فِلْمٍ، أَوْ فَايِزٌ فِي الرِّيَاضَةِ.
- ٦- إِنَاءٌ مِنَ الْحَدِيدِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْبِلَاسْتِيكِ أَوْ الرُّجَاجِ لِبَيَانِ مِقْدَارِ الشَّيْءِ.....

التمرين الثاني: عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ مِنَ الْكَلِمَاتِ.

- ١- مَصْدَرُ بَابِ الْمُفَاعَلَةِ: الْمُقَاتِلِ الدَّفَاعِ الْكَمَالِ الْمُجَاهِدَةِ
- ٢- مَصْدَرُ بَابِ التَّفْعِيلِ: التَّعَارُفِ التَّقَدُّمِ الْإِكْرَاهِ التَّهْدِيدِ
- ٣- مَصْدَرُ الرُّبَاعِيِّ الْمَجْرَدِ: التَّرْجَمَةِ التَّلَوُّثِ التَّقَاعُدِ التَّفْتِيْشِ
- ٤- مَصْدَرُ الرُّبَاعِيِّ الْمَزِيدِ: الْجِهَادِ التَّرْزُلِ التَّعَلُّمِ التَّنَاوُلِ
- ٥- مَهْمُوزَ الْفَاءِ: إِبْدَوْوا سَلُوا خُذُوا أَرْسَلُوا
- ٦- الْمَضَاعَفَ: أَحْبُّوا عَلَّمَتْ تَنْزَلْ أَكْدْنَا

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: أَلِفٌ: تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- سَافَرْتُ إِلَى قَرِيَةٍ شَاهَدْتُ صَوْرَتَهَا أَيَّامَ صِغْرِي. (الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ وَالْمَفْعُولَ)

٢- عَصَفْتُ رِيحًا شَدِيدَةً خَرَبَتْ بَيْتًا جَنَبَ شَاطِئِ الْبَحْرِ. (الْصِّفَةَ وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٣- وَجَدْتُ بَرْنَامَجًا^١ يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ. (الْمَفْعُولَ وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٤- الْكِتَابُ صَدِيقٌ يُنْقِذُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ. (الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ)

٥- يُعْجِبُنِي عِيدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ. (الْجَمْعَ الْمُكَسَّرَ، وَ نُونَ الْوِقَايَةِ)

ب: عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّيَ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ الَّتِي جَاءَتْ فِي الْجُمْلَةِ السَّابِقَةِ:

سَافَرْتُ / شَاهَدْتُ / عَصَفْتُ / خَرَبْتُ

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- | | | | | | | | |
|--------------------------|--------------|--------------------------|----------------|--------------------------|------------|--------------------------|--------------|
| <input type="checkbox"/> | الذَّهَبُ | <input type="checkbox"/> | الْحَدِيدُ | <input type="checkbox"/> | الذَّاءُ | <input type="checkbox"/> | الْأَنْحَاسُ |
| <input type="checkbox"/> | الْعَبَاءَةُ | <input type="checkbox"/> | الْبَرْنَامَجُ | <input type="checkbox"/> | الْقَمِيصُ | <input type="checkbox"/> | الرِّدَاءُ |
| <input type="checkbox"/> | الْمِظْلَةُ | <input type="checkbox"/> | الْغُصْنُ | <input type="checkbox"/> | الْجِدْعُ | <input type="checkbox"/> | الْقِشْرُ |
| <input type="checkbox"/> | الْتُّرَابُ | <input type="checkbox"/> | الطُّيْنُ | <input type="checkbox"/> | الْجَنَاحُ | <input type="checkbox"/> | الرَّمْلُ |
| <input type="checkbox"/> | الْجَوَالُ | <input type="checkbox"/> | الْيَدُ | <input type="checkbox"/> | الْعَيْنُ | <input type="checkbox"/> | الرَّأْسُ |
| <input type="checkbox"/> | اللِّسَانُ | <input type="checkbox"/> | الْفَمُ | <input type="checkbox"/> | الرَّيْتُ | <input type="checkbox"/> | السِّنُّ |

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْبَيْتِ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

۱- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. الْإِمَامُ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲- الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۴- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵- الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۶- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الف) کم کوی و کزیده کوی چون در	تا زانک تو جهان شود پر (نظامی گنجوی)
ب) علم کز اعمال نشانش نیست	کالبدی دارد و جانش نیست (امیر خسرو دهلوی)
ج) اندازه نکه دار که اندازه نکوست	هم لایق دشمن است و هم لایق دوست (سعدی)
د) روزگار است آن که که عزت دهد که خوار دارد	چرخ بازیگر ازین بازیچه بسیار دارد (قائم مقام فرغانی)
ه) آسایش دو کیتی تفسیر این دو حرف است	باد و ستان مروّت باد دشمنان مدارا (حافظ)
و) چو دانا تو را دشمن جان بود	بر از دوست مردی که نادان بود (فردوسی)

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ تَارِيخِيَّةِ حَوْلَ حَيَاةِ الْاِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اَكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةِ جِدَارِيَّةٍ.







الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ

الصَّادِقِينَ﴾ التَّوْبَةُ: ١١٩

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و همراه راستگویان

باشید.

يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْمَعَاصِي وَالْعُيُوبِ، فَتَدِمَ عَلَى أَعْمَالِهِ السَّيِّئَةِ وَ حَاوَلَ أَنْ يُصَلِّحَهَا،
فَمَا اسْتَطَاعَ، فَذَهَبَ إِلَى رَجُلٍ فَاضِلٍ صَالِحٍ، وَ طَلَبَ مِنْهُ مَوْعِظَةً تَمْنَعُهُ عَنِ ارْتِكَابِ
الْمَعَاصِي، فَتَصَحَّهَ بِالتِّزَامِ الصَّدْقِ، وَ أَخَذَ مِنْهُ عَهْدًا عَلَى ذَلِكَ، فَكَلَّمَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَرْتَكِبَ
ذَنْبًا، امْتَنَعَ عَنْهُ لَوْفَائِهِ بِالْعَهْدِ، حَتَّى لَا يَكْذِبَ عَلَى الرَّجُلِ الْفَاضِلِ، وَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ تَخَلَّصَ
مِنْ شَرِّ ذُنُوبِهِ وَ عُيُوبِهِ لِالتِّزَامِ بِالصَّدْقِ.

وَ يُحْكِي أَنَّ شَابًّا كَانَ كَذَّابًا، وَ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ كَانَ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ وَ تَظَاهَرَ بِالْعَرَقِ وَ نَادَى
أَصْحَابَهُ: النَّجْدَةَ، النَّجْدَةَ... فَأَسْرَعَ أَصْحَابُهُ إِلَيْهِ لِيُنْقِذُوهُ، وَ عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَيْهِ صَحِكَ
عَلَيْهِمْ؛ كَرَّرَ هَذَا الْعَمَلَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَ فِي الْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ ارْتَفَعَ الْمَوْجُ وَ كَادَ الشَّابُّ يَغْرُقُ،
فَأَخَذَ يُنَادِي أَصْحَابَهُ، وَلَكِنَّهُمْ ظَنُّوا أَنَّهُ يَكْذِبُ مِنْ جَدِيدٍ. فَلَمْ يَلْتَفِتُوا إِلَيْهِ حَتَّى أَسْرَعَ إِلَيْهِ



أَحَدُ النَّاسِ وَ أَنْقَدَهُ، فَقَالَ الشَّابُّ لِأَصْدِقَائِهِ: «شَاهَدْتُ نَتِيجَةَ عَمَلِي، فَكَذَّبِي كَادَ يَقْتُلْنِي،

فَلَنْ أَكْذِبَ بَعْدَ الْيَوْمِ أَبَدًا، وَ مَا عَادَ هَذَا الشَّابُّ إِلَى الْكِذْبِ مَرَّةً أُخْرَى.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾ الْتَّوْبَةُ: ١١٩

الْصُّدُقُ مَعَ اللَّهِ يَتَجَلَّى بِإِخْلَاصِ الْأَعْمَالِ لَهُ؛ وَ الصُّدُقُ مَعَ النَّاسِ هُوَ أَنْ لَا تَكْذِبَ عَلَى

الْآخَرِينَ، وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ:

« كَبُرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا، هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ، وَ أَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ. »

وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

« مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَاتٍ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ. »

إِذَنْ لَا يَسْتَطِيعُ الْكُذَّابُ أَنْ يُخْفِيَ كِذْبَهُ أَوْ يُنْكِرَهُ.

مَا أَجْمَلَ كَلَامَ النَّبِيِّ ﷺ!

« لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ
الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طُنْطُنْتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ انظُرُوا
إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ. »

أَخَذَ : شروع کرد، «أَخَذَ يُنَادِي:

شروع کرد به صدا زدن»

إِسْتَطَاعَ : توانست (مضارع: يَسْتَطِيعُ)

أَسْرَعَ : شتافت (مضارع: يُسْرِعُ) = عَجَلَ

أَصْلَحَ : درست گرداند

(مضارع: يُصْلِحُ) ≠ أَفْسَدَ

أَضْمَرَ : پنهان کرد (مضارع: يُضْمِرُ)

= أَحْفَى ≠ أَظْهَرَ

إِلْتَزَمَ : پایبندی (الْتَزَمَ، يَلْتَزِمُ)

إِلْتَفَتَ : توجه کرد (مضارع: يَلْتَفِتُ)

«لَمْ يَلْتَفِتُوا: توجه نکردند»

أَنْكَرَ : دروغ دانست، انکار کرد

(مضارع: يُنْكِرُ)

تَخَلَّصَ : رها شد (مضارع: يَتَخَلَّصُ)

تَظَاهَرَ بِ : به ... وانمود کرد

(مضارع: يَتَظَاهَرُ)

حَدَّثَ : سخن گفت (مضارع:)

يُحَدِّثُ) = كَلَّمَ، تَكَلَّمَ

حَكَى : حکایت کرد (مضارع: يَحْكِي)

سَبَّحَ : شنا کرد (مضارع: يَسْبَحُ)

صَاحِبَ : دوست «جمع: أَصْحَابُ»

= صَدِيقٌ ≠ عَدُوٌّ

صَفَّحَةَ : یک روی چیزی

«صَفَحَاتُ الْوَجْهِ: همه جای چهره»

طَنَّنَتْهَ : بانگ (بانگ آرام نیایش)

عَادَ : بازگشت (مضارع: يَعُودُ) = رَجَعَ

فَلْتَتَهُ اللِّسَانُ : لغزش زبان از

نیندیشیدن «جمع: فَلْتَاتُ»

كَادَ يَغْرُقُ : نزدیک بود غرق بشود

كَبَّرَ : بزرگ شد (مضارع: يَكْبُرُ)

«كَبَّرْتُ خِيَانَتَهُ: خیانت بزرگی

است!» كَبَّرَ ≠ صَغَّرَ

كَرَّرَ : تکرار کرد (مضارع: يُكْرِرُ)

كَلَّمَا : هرگاه

نَجَّدَهُ : کمک = مُسَاعَدَةً، نَصَرَ

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

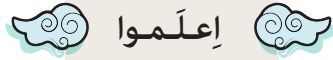
۱- حَاوَلَ الرَّجُلُ الْكَثِيرُ الْمَعَاصِي أَنْ يُصْلِحَ نَفْسَهُ، فَلَمْ يَسْتَطِعْ فِي الْبِدَايَةِ.

۲- طَلَبَ الرَّجُلُ الْفَاضِلُ مِنَ الرَّجُلِ الْكَثِيرِ الْمَعَاصِي أَنْ يَلْتَزِمَ بِكُلِّ الْحَسَنَاتِ.

۳- اِمْتَنَعَ الرَّجُلُ الْكَثِيرُ الْمَعَاصِي عَنِ الذُّنُوبِ لِوَفَائِهِ بِالْعَهْدِ.

۴- كَادَ الشَّابُّ الْكَذَّابُ يَغْرُقُ عِنْدَمَا كَذَبَ لِلْمَرَّةِ الثَّالِثَةِ.

۵- يَظْهَرُ الْكِبْدُ فِي فَلَتَاتِ اللِّسَانِ وَ صَفَحَاتِ الْوَجْهِ.



التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ وَ الْإِعْرَابُ

■ **التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ** عِبَارَةٌ عَن دِرَاسَةِ الْكَلِمَةِ مِنْ حَيْثُ هِيَ خَارِجَ الْجُمْلَةِ.

قَبْلَ الْوُرُودِ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ الْكَلِمَةَ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ تَنْقَسِمُ إِلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ: اِسْمٌ وَ فِعْلٌ وَ حَرْفٌ.

فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ إِنَّكَ تَعَلَّمْتَ أَنْوَاعَ الْكَلِمَةِ، مِنْهَا الْاِسْمُ، وَ أَنَّ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ تُعَدُّ مِنْ الْاِسْمَاءِ: الضَّمَايِرُ (هُوَ، هُمَا، هُمْ ... كَ، كَمَا، كُمْ ...) ، الْمَصَادِرُ (اسْتِخْرَاجٌ، تَخْرُجُ، إِخْرَاجٌ، خُرُوجٌ ...) ، اَلصَّفَةُ (جَمِيلٌ، قَصِيرٌ، سَهْلٌ، حَسَنٌ ...) ظُرُوفُ الْمَكَانِ وَالزَّمَانِ (هُنَا، اَمْسٍ، خَلْفٌ ...)

وَقَدْ تَعَلَّمْتَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِلاِسْمِ الْأُمُورَ التَّالِيَةَ وَ اسْتَعْمَلْتَهَا فِي التَّمَارِينِ وَ هِيَ:

الْجَامِدُ وَالْمُشْتَقُّ:

الْمُشْتَقُّ هُوَ الْاِسْمُ الَّذِي يُؤْخَذُ مِنَ الْمَصْدَرِ وَيَدُلُّ عَلَى مَعْنَى وَصَاحِبِ الْمَعْنَى؛ مِثْلُ: عَالِمٌ، مَعْلُومٌ، عَلِيمٌ، مُعَلِّمٌ، أَعْلَمُ، مَعْلَمٌ وَ عِلَامَةٌ.

فَهَذِهِ الْكَلِمَاتُ قَدْ أُخِذَتْ مِنَ «الْعِلْمِ» وَ دَلَّتْ عَلَى مَعْنَاهُ وَعَلَى «صَاحِبِ الْعِلْمِ». بِعِبَارَةٍ أُخْرَى فَإِنَّ كَلِمَةَ «الْعِلْمِ» تَدُلُّ عَلَى مَعْنَى بَسِيطٍ، فَهِيَ إِذَنْ جَامِدَةٌ؛ أَمَّا كَلِمَةُ «مُعَلِّمٌ» فَهِيَ مُرَكَّبَةٌ مِنَ «الْعِلْمِ» وَ «صَاحِبِ ذَلِكَ الْعِلْمِ»، فَهِيَ إِذَنْ مُشْتَقَّةٌ. وَ قَدْ عَرَفْتَ الْاِسْمَاءَ الْمُشْتَقَّةَ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ هِيَ:

اِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اِسْمُ الْمَكَانِ وَ اِسْمُ الزَّمَانِ وَ اِسْمُ الْمُبَالَغَةِ وَ الصَّفَةُ الْمُشَبَّهَةُ
مُعَلِّمٌ مُنْتَظَرٌ مَعْبُدٌ مَعْرَبٌ صَبَّارٌ جَمِيلٌ
وَ اِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اِسْمُ الْآلَةِ
أَكْبَرٌ مِفْتَاحٌ

■ الْمَصَادِرُ كُلُّهَا جَامِدَةٌ، سِوَاءِ كَانَتْ مُجَرَّدَةً أَمْ مَزِيدَةً، وَيُقَالُ لَهَا فِي الْاِصْطِلَاحِ الْمُتَعَارَفِ

«الْجَامِدُ الْمَصْدَرِيُّ»؛ نَحْوُ: اِفْتِرَابٌ، تَقَرُّبٌ، مُقَارَبَةٌ، تَقْرِيْبٌ، قُرْبَةٌ وَ ...

الْاِسْمَاءُ الْجَامِدَةُ الْاُخْرَى نَحْوُ: فَرَسٌ، حَجَرٌ، شَمْسٌ، قَمَرٌ وَ قَلَمٌ، كُلٌّ مِنْهَا «جَامِدٌ غَيْرُ مَصْدَرِيٌّ».

الْأَسْمَاءُ الْمَعْرِفَةُ سِتَّةُ أَنْوَاعٍ وَقَدْ تَعَلَّمْتَهَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ؛ وَهِيَ:

- ١- **الضَّمِير** (هُوَ، هُمَا، هُمْ، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمْ، أَنَا، نَحْنُ) (هُ، هُمَا، هُمْ، هَا، هُمَا، هُنَّ، لَكَ، كُفَمَا، كُمْ، لِي، كُفَمَا، كُنَّ، بِي، نَا) (إِيَاءُ، إِيَاهُمَا، إِيَاهُمْ، إِيَاهَا، إِيَاهُمَا، إِيَاهُنَّ، إِيَاكَ، إِيَاكُمَا، إِيَاكُمْ، إِيَاكَ، إِيَاكُمَا، إِيَاكُمْ، إِيَاكُنَّ، إِيَايَ، إِيَانَا)
 - ٢- **إِسْمُ الْإِشَارَةِ** (هَذَا، هَذَانِ، هَذَيْنِ، هَؤُلَاءِ، هَذِهِ، هَاتَانِ، هَاتَيْنِ / ذَلِكَ، تِلْكَ، أُولَئِكَ)
 - ٣- **الْعَلَمُ** (هُوَ الْإِسْمُ الَّذِي يَدُلُّ عَلَى قَرْدٍ وَاحِدٍ مِنَ الْإِنْسَانِ وَالْحَيَوَانَ وَالْمَدِينَةِ وَالْبَلَدِ وَالنَّهْرِ وَالْجَبَلِ وَعَیْرِهَا)
 - ٤- **الْإِسْمُ الْمَوْصُولُ** (الَّذِي، الَّلَّذَانِ، الَّلَّذِينَ / الَّتِي، الَّلَّتَانِ، الَّلَّتَاتِي / مَنْ، مَا)
 - ٥- **ذُو اللَّامِ** (الْإِسْمُ الَّذِي دَخَلَتْ عَلَيْهِ أَل)
 - ٦- **الْمَعْرِفُ بِالْإِضَافَةِ** (نَحْوُ «كِتَابٍ» فِي تَرْكِيْبِ «كِتَابِ التَّارِيخِ») يُشْتَرَطُ فِي الْمَعْرِفِ بِالْإِضَافَةِ أَنْ يَكُونَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ مَعْرِفَةً؛ أَمَا إِذَا كَانَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ نِكْرَةً فَلَا يَكُونُ الْمُضَافُ مَعْرِفَةً. فَكَلِمَةُ «كِتَابٍ» فِي تَرْكِيْبِ «كِتَابِ طَالِبٍ» لَيْسَتْ مَعْرِفَةً؛ لِأَنَّ الْمُضَافَ إِلَيْهِ «طَالِبٍ» نِكْرَةٌ لَيْسَتْ مَعْرِفَةً. أَمَا الْإِسْمُ الَّذِي لَمْ يَكُنْ مِنَ الْأَسْمَاءِ الْمَعْرِفَةِ الْمَذْكُورَةِ الَّتِي ذُكِرَتْ سَابِقًا، فَهِيَ نِكْرَةٌ؛ نَحْوُ: رَجُلٌ، امْرَأَةٌ، كِتَابٌ.
- فَائِدَةٌ: نُسْتَعْمَلُ «مَنْ» وَ «مَا» فِي الْكَلَامِ «اسْمِي اسْتِفْهَامٍ»، وَقَدْ تَأْتِيَانِ «مَوْصُولَتَيْنِ» وَتُعْرَفَانِ مِنْ سِيَاقِ الْكَلَامِ.
- «مَنْ» الِاسْتِفْهَامِيَّةُ: «چِه كَسِي؟، چِه كَسَانِي؟» وَ «مَا» الِاسْتِفْهَامِيَّةُ: «چِه چيزي؟، چِه چيزهايي؟».
- «مَنْ» الِاسْمُ الْمَوْصُولُ: «كَسِي كِه، كَسَانِي كِه» وَ «مَا» الِاسْمُ الْمَوْصُولُ: «چيزي كِه، چيزهايي كِه».
- تُعَدُّ «مَنْ» وَ «مَا» الِاسْتِفْهَامِيَّتَانِ نِكْرَتَيْنِ، وَ «مَنْ» وَ «مَا» الْمَوْصُولَتَانِ مَعْرِفَتَيْنِ.

الْجِنْسُ (الْمَذَكَّرُ وَالْمَوْثَّ):

} الْحَقِيقِيُّ: امْرَأَةٌ، دَجَاجَةٌ الْمَجَازِيُّ: عَرَبِيَّةٌ، شَرِيحَةٌ اللَّفْظِيُّ: حَمْرَةٌ، طَلْحَةٌ الْمَعْنَوِيُّ: عَيْنٌ، شَمْسٌ	} ← الْمَوْثَّ ←	} الْحَقِيقِيُّ: رَجُلٌ، دِيكٌ الْمَجَازِيُّ: عَصِيرٌ، بَابٌ	} ← الْمَذَكَّرُ ←
---	------------------	--	--------------------

الْعَدَدُ (الْمُفْرَدُ وَالْمُثَنَّى وَالْجَمْعُ):

} مُفْرَدٌ حَافِظٌ وَ حَافِظَةٌ مِثْلِي حَافِظَانِ وَ حَافِظَتَيْنِ وَ حَافِظَتَانِ وَ حَافِظَتَيْنِ الْمَذَكَّرُ السَّالِمُ حَافِظُونَ وَ حَافِظِينَ الْمَوْثَّ السَّالِمُ حَافِظَاتٌ التَّكْسِيرُ حُفَافٌ	} ← الْإِسْمُ ←	} جَمْعٌ
--	-----------------	-------------

الإِعْرَابُ وَالْبِنَاءُ:

الْكَلِمَاتُ الْمُعْرَبَةُ: وَهِيَ أَكْثَرُ الْأَسْمَاءِ، وَ الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ (بِاسْتِثْنَاءِ صِيغَتِي «الْجَمْعِ الْمَوْثَّ الْغَائِبِ» وَ «الْجَمْعِ الْمَوْثَّ الْمُخَاطَبِ») فَهُمَا مَبْنِيَّتَانِ.

الْكَلِمَاتُ الْمَبْنِيَّةُ: وَهِيَ الضَّمَائِرُ وَأَسْمَاءُ الْإِشَارَةِ (بِاسْتِثْنَاءِ الْمُثَنَّى) وَالْأَسْمَاءُ الْمَوْصُولَةُ (بِاسْتِثْنَاءِ الْمُثَنَّى) وَأَسْمَاءُ الْإِسْتِفْهَامِ (بِاسْتِثْنَاءِ أَيٍّ) وَالْفِعْلُ الْمَاضِي وَفِعْلُ الْأَمْرِ لِلْمُخَاطَبِ وَصِيغَتَا جَمْعِ الْمَوْثَّ فِي الْمُضَارِعِ وَكُلُّ الْحُرُوفِ.

هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ «إِلَى، عَلَى، حَتَّى، أَنَا، ضَمِيرِ نَا وَ ي» مَبْنِيَّةٌ عَلَى السُّكُونِ؟
 إِذَنْ، الْكَلِمَاتُ الْمَبْنِيَّةُ الَّتِي آخِرُهَا «أَلِفٌ» أَوْ «يَاءٌ مَكْسُورٌ مَا قَبْلَهَا» مَبْنِيَّةٌ عَلَى السُّكُونِ. ← ا، ي

يَجِبُ أَنْ تَذْكُرُوا فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ «لِلْفِعْلِ» هَذِهِ الْأُمُورَ الَّتِي قَدْ عَرَفْتُمُوهَا مِنْ قَبْلُ وَهِيَ:

١- أ فِعْلٌ مَاضٍ أَمْ فِعْلٌ مُضَارِعٌ أَمْ فِعْلٌ أَمْرٍ / ٢- صِيغَةُ الْفِعْلِ / ٣- أ ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ أَمْ مَزِيدٌ؟
(إِذَا كَانَ مَزِيدًا فَمِنْ أَيِّ بَابٍ هُوَ؟) / ٤- لَازِمٌ أَمْ مُتَعَدٌّ؟ / ٥- مَعْلُومٌ أَمْ مَجْهُولٌ / ٦- مُعْرَبٌ
أَمْ مَبْنِيٌّ وَ إِذَا كَانَ مَبْنِيًّا يَجِبُ أَنْ تَذْكُرَ عَلامَةَ بِنَائِهِ.

يَجِبُ أَنْ تَذْكُرُوا فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ «لِلْحَرْفِ» هَذِهِ الْأُمُورَ الَّتِي قَدْ عَرَفْتُمُوهَا مِنْ قَبْلُ وَ هِيَ:

١- نَوْعُ الْحَرْفِ: (أ مِنْ حُرُوفِ الْجَرِّ، أَمْ مِنْ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ، أَمْ حَرْفُ التَّعْرِيفِ «أَل»،
أَمْ حَرْفٌ مَا النَّافِيَّةُ، أَمْ حَرْفُ التَّسْوِيفِ «الِاسْتِقْبَالِ» سَوْفَ وَ سَ ، أَمْ حَرْفٌ هَلْ أَوْ أ
الِاسْتِفْهَامِيَّيْنِ، أَمْ ...)

٢- عَمَلُ الْحَرْفِ: أَ عَامِلٌ أَمْ غَيْرُ عَامِلٍ؟ (حُرُوفُ الْجَرِّ وَالْحُرُوفُ الْمُشَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ عَامِلَةٌ؛
لِأَنَّهَا تُؤَثِّرُ فِي إِعْرَابِ مَا بَعْدَهَا. وَحَرْفُ أَلِ التَّعْرِيفِ، وَحَرْفُ مَا النَّافِيَّةِ، وَ حَرْفُ الِاسْتِفْهَامِ
«هَلْ» وَ «أ» وَ حَرْفُ التَّسْوِيفِ (الِاسْتِقْبَالِ) «سَ» وَ «سَوْفَ» غَيْرُ عَامِلَةٍ؛ لِأَنَّهَا لَا تُؤَثِّرُ فِي
إِعْرَابِ مَا بَعْدَهَا.

٣- بِنَاءُ الْحَرْفِ: عَلَى أَيِّ حَرَكَةٍ بِنَاؤُهُ؟ أ مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ نَحْوُ سَوْفَ؟ أَمْ مَبْنِيٌّ عَلَى الْكَسْرِ
نَحْوُ بَ؟ أَمْ مَبْنِيٌّ عَلَى الضَّمِّ نَحْوُ مُنْدُ؟ أَمْ مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ نَحْوُ مِنْ؟

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): أَنْظِرْ إِلَى النَّمُودَجِ، ثُمَّ اكْتُبِ التَّحْلِيلَ الصَّرْفِيَّ لِكَلِمَاتِ الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ.

رَسَمَ الطَّالِبُ صُورَةً.

رَسَمَ: فِعْلٌ مَاضٍ، مُفْرَدٌ مُدَكَّرٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُتَعَدٌّ، مَعْلُومٌ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ

أَل: حَرْفٌ تَعْرِيفِيٌّ، غَيْرُ عَامِلٍ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ

طَالِب: إِسْمٌ مُشْتَقٌّ (إِسْمُ الْفَاعِلِ)، مُفْرَدٌ، مُدَكَّرٌ حَقِيقِيٌّ، مُعْرَفٌ بِاللَّامِ، مُعْرَبٌ

التَّمْرِين: يَفْتَحُ الْحَارِسُ بَابَ الْمَصْنَعِ.

يَفْتَحُ:

أَل:

الحَارِس:

باب:

مَصْنَع:

■ «الإعراب» هو بيان موقع الكلمة في الجملة وذكر نوع إعرابها وعلامة الإعراب.

قَدْ تَعَلَّمْتَ لِحَدِّ الْآنَ هَذِهِ الْأُمُورَ فِي إِعْرَابِ الْكَلِمَاتِ وَهِيَ:

فاعل، مرفوع / مفعول به، منصوب / مبتدأ، مرفوع / خبر، مرفوع / نائب فاعل، مرفوع /
مضاف إليه، مجرور / مجرور بحرف الجر / اسم وخبر للحروف المشبهة بالفعل (الاسم
منصوب والخبر مرفوع) / اسم وخبر للأفعال التافضة (الاسم مرفوع والخبر منصوب) /
اسم وخبر لـ «لا» التافية للجنس (الاسم مبني على الفتح والخبر مرفوع) / نعت (وهو تابع
للمنعوت في الإعراب).

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

١- إِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- لَا لِيَبَاسَ أَجْمَلٍ مِنَ الْعَافِيَةِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ﷺ

٣- الْحَيَاءُ حَسَنٌ، وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُونُوا نِقَادَ الْكَلَامِ. عَيْسَى ﷺ

(نقاد جمع ناقد)

التَّامِرِينَ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- أَخْفَى شَيْئًا، وَجَعَلَهُ بَعِيدًا عَنِ الْأَنْظَارِ:

٢- حَسَبَهُ كَذِبًا، وَ مَا قَبْلَهُ:

٣- عَمِلَ عَمَلًا عِدَّةَ مَرَّاتٍ:

٤- أَصْبَحَ كَبِيرًا:

التَّامِرِينَ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- لا تَعْتَرُوا^١ بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ... وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ

الْأَمَانَةِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فِعْلٌ الْأَمْرُ، وَ فِعْلٌ النَّهْيُ)

٢- لا تَسْتَشِيرِ^٢ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ^٣ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعِدُ^٤ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (اسْمُ الْمُبَالَغَةِ)

٣- يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِإِحْتِيَالِهِ^٥. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (أَنْفَاعِلٌ)

٤- لا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فِعْلٌ النَّهْيُ)

٣- يُقَرِّبُ: نَزْدِيكَ مِى سَازَد

٢- لا تَسْتَشِيرُ: بَا ... مَشُورَتِ نَكِن

١- لا تَعْتَرُوا: فَرِيْبِ نَخُورِيْد

٥- إِحْتِيَالٌ: فَرِيْبِكَارِي

٤- يُبْعِدُ: دُورِ مِى سَازَد

التَّمرينُ الثالثُ: لِلتَّحليلِ الصَّرفيِّ وَ الإعرابِ.

يَكْتُبُ الطَّالِبُ دَرَسَهُ فِي المَدْرَسَةِ.



الإعراب	التَّحليلُ الصَّرفيُّ	الكَلِمَة
.....	يَكْتُبُ
	أل
.....	الطَّالِبُ
.....	دَرَسَ
.....	هُ
	فِي
.....	المَدْرَسَةِ

الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيْنِ الْمُتْرَادِفِ وَ الْمُتَضَادِّ. = ≠

أَغْلَقَ فَكَّ	قَائِمٌ جَالِسٌ
أَرَادَ طَلَبَ	أَضْمَرَ أَخْفَى
كَبَّرَ صَغُرَ	حَدَّثَ كَلَّمَ
قَتَالَ حَرَبَ	صَاحِبٌ عَدُوٌّ
عَادَ رَجَعَ	أَسْرَعَ عَجَلَ
أَصْلَحَ أَفْسَدَ	نَجَدَ مُسَاعَدَ



أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اكتب خمس عبارات بالعربية للمعصومين عليهم السلام حول أهمية الصدق.

١-

٢-

٣-

٤-

٥-







الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿قُلْ لَئِن اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ الإسراء: ٨٨
بگو: «بی گمان اگر انس و جن گرد هم آیند تا همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نمی آورند، گرچه پشتیبان یکدیگر باشند.»

مُعْجَزَةُ الْأَنْبِيَاءِ

سَأَلَ رَجُلٌ الْإِمَامَ الرِّضَا ع:

لِمَاذَا جَعَلَ اللَّهُ مُعْجَزَةَ مُوسَى ع **إِبْطَالَ**

السِّحْرِ وَ يَدَهُ **الْبَيْضَاءَ**، وَ مُعْجَزَةَ عِيسَى ع شِفَاءَ

الْمَرَضَى، وَ مُعْجَزَةَ مُحَمَّدٍ ص الْقُرْآنَ؟

فَقَالَ:

لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُوسَى ع، كَانَتْ لِلْسِّحْرِ مَنَزِلَةٌ عَظِيمَةٌ عِنْدَ النَّاسِ، فَأَبْطَلَّ سِحْرَهُمْ بِهَذِهِ الْمُعْجَزَةِ.

وَ عِنْدَمَا بَعَثَ عِيسَى ع كَانَ لِلطَّبِّ دَوْرٌ كَبِيرٌ بَيْنَ النَّاسِ بِسَبَبِ

شُيُوعِ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ، فَأَظْهَرَ مُعْجَزَتَهُ بِشِفَاءِ الْمَرَضَى وَ إِحْيَاءِ

الْمُوتَى.



وَ حِينَمَا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ﷺ كَانَ لِلْبَيَانِ وَ الْفَصَاحَةِ اهْتِمَامٌ بِالْعِزِّ بَيْنَ النَّاسِ، فَأَنْزَلَ
اللَّهُ الْقُرْآنَ، فَأَظْهَرَ عَجَزَهُمْ عَنِ الْإِتْيَانِ بِمِثْلِهِ، بَلْ بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ. فَقَدْ قَالَ فِي الْمُصْحَفِ
الشَّرِيفِ:

﴿... قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ
دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾

يُونُسَ: ٣٨

إبطال: باطل کردن

أَبْطَلَ: باطل کرد

إِتيَانِ بِـ: آوردن

أَتَى بِـ: آورد (مضارع: يَأْتِي بِـ)

فَأَتُوا بِـ: پس بیاورید

أَدْعُوا: فرا بخوانید

اسْتَطَعْتُمْ: توانستید

أَظْهَرَ: آشکار کرد

بَيَّضَاءَ: سفید «مَوْثَبٌ أَبْيَضٌ»

ظَهِيرَ: پشتیان

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

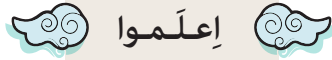
۱- لِماذا كَانَ لِلطَّبِّ دَوْرٌ كَبِيرٌ بَيْنَ النَّاسِ عِنْدَمَا بَعَثَ اللَّهُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

۲- كَيْفَ كَانَتْ مَنزِلَةُ السُّحْرِ عِنْدَ النَّاسِ لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

۳- مَا كَانَتْ مُعْجَزَةُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

۴- مَتَى بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ﷺ؟

۵- لِمَنْ مُعْجَزَةُ الْيَدِ الْبَيْضَاءِ؟



الإعراب الفرعي (١)

الإعراب: هو تغيير يلحق آخر بعض الكلمات بسبب تغيير العوامل الداخلة عليها. وهو على ثلاثة أنواع؛ هي:

الظاهري والمحلّي والتقديري

الإعراب الظاهري على نوعين: الإعراب الأصلي والإعراب الفرعي.

وعلامات الإعراب الظاهري نوعان: أصليّة و فرعيّة هي:

علامة الرفع **ـُ** و **ـِ** وَيُسَمَّى الإِسْمُ الَّذِي تَلْحَقُ آخِرُهُ هَاتَانِ العَلَامَتَانِ مَرْفوعاً؛ نَحْوُ: الطَّالِبِ وَ طَالِبٍ

علامة النصب **ـَ** و **ـِ** وَيُسَمَّى الإِسْمُ الَّذِي تَلْحَقُ آخِرُهُ هَاتَانِ العَلَامَتَانِ مَنْصوباً؛ نَحْوُ: الطَّالِبِ وَ طَالِباً

علامة الجر **ـِ** و **ـِ** وَيُسَمَّى الإِسْمُ الَّذِي تَلْحَقُ آخِرُهُ هَاتَانِ العَلَامَتَانِ مَجْروراً؛ نَحْوُ: الطَّالِبِ وَ طَالِبٍ

(يَخْتَصُّ إعرابُ الجَرِّ بالأَسْمَاءِ فَقَط).

علامة الجزم **ـِ** وَيُسَمَّى الفِعْلُ الَّذِي تَلْحَقُ آخِرُهُ هَذِهِ العَلَامَةُ مَجْروماً؛ نَحْوُ: لا تَذْهَبْ وَ لا تَسْتَمِعْ

قَدْ تَعَلَّمْتُمْ فِي السَّنَةِ المَاضِيَةِ فِعْلاً مِّنَ الأَفْعَالِ المَجْرُومَةِ سَمِيناً **حِينَذَلِكَ** فِعْلٌ النَّهْيِ؛ نَحْوُ لا تَكْذِبْ.

(يَخْتَصُّ إعرابُ الجَزْمِ بالأَفْعَالِ فَقَط).

وَأَمَّا إعرابُ الرِّفْعِ وَالنَّصْبِ فَهُمَا يَشْتَرِكَانِ فِي الإِسْمِ وَ الفِعْلِ).

لا بُدَّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ عِلَامَاتِ الإِعْرَابِ الظَّاهِرِيِّ لا تَنَحْصِرُ فِي هَذِهِ العِلَامَاتِ **ـُ**، **ـَ**، **ـِ**، **ـِ**، **ـِ** وَ فَقَط.

بَلْ هُنَاكَ عِلَامَاتٌ أُخْرَى لِلإِعْرَابِ الفرعِيِّ. لَقَدْ تَعَلَّمْتَ فِي السَّنَةِ المَاضِيَةِ بَعْضَ عِلَامَاتِ الإِعْرَابِ

الظَّاهِرِيِّ؛ أَمَّا فِي هَذِهِ السَّنَةِ فَسَنُكْرِرُ بَعْضَهَا تَحْتَ عُنْوَانِ «الإعراب الفرعي»؛ وَهِيَ:

أَلْعَلَامَةُ الفرعِيَّةُ لِلرِّفْعِ فِي جَمْعِ المُدَكَّرِ السَّالِمِ: « **و** » فِي « **وَنَ** »؛ نَحْوُ: فَلَاحِونَ

وَ فِي الإِسْمِ المُثَنَّى: « **ا** » فِي « **انِ** »؛ نَحْوُ: فَلَاحانِ وَ فَلَاحَتانِ

أَلْعَلَامَةُ الفرعِيَّةُ لِلنَّصْبِ وَ الجَرِّ فِي جَمْعِ المُدَكَّرِ السَّالِمِ: « **ي** » فِي « **يَنَ** »؛ نَحْوُ: فَلَاحِينِ

وَ فِي الإِسْمِ المُثَنَّى: « **ي** » فِي « **يِنِ** »؛ نَحْوُ: فَلَاحِينِ وَ فَلَاحَتَيْنِ

يَأْتِي الْإِعْرَابُ الْفَرَعِيُّ فِي خَمْسَةِ مَوَاضِعَ وَ هِيَ:

١- أَلِاسْمُ الْمُتَنَّى (مَانِ ، يَيْنِ)



نَظَرْتُ إِلَى الْبَطِّيَيْنِ.

مَجْرُورٌ بِأَلْيَاءِ (عَلَامَةٌ فَرَعِيَّةٌ)



رَسَمْتُ بَطِّيَيْنِ.

مَفْعُولٌ بِهِ ، مَنصُوبٌ بِأَلْيَاءِ (عَلَامَةٌ فَرَعِيَّةٌ)



طَارَتِ الْبَطَّتَانِ.

فَاعِلٌ ، مَرْفُوعٌ بِأَلْيَاءِ (عَلَامَةٌ فَرَعِيَّةٌ)

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- الدَّهْرُ ... ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٢- أَلْسَلَامٌ عَلَى ... الْعَسْكَرِيِّينِ.
- يَوْمَانِ يَوْمَيْنِ
- الْإِمَامَيْنِ الْإِمَامَانِ

٢- جَمْعُ الْمَذْكَرِ السَّالِمِ (مَوْنِ ، يَيْنِ)



سَلَّمْنَا عَلَى الْأَعْبِيانِ فَسَلَّمُوا عَلَيْنَا.

مَجْرُورٌ بِأَلْيَاءِ (عَلَامَةٌ فَرَعِيَّةٌ)



أَلْمُتَفَرِّجُونَ يُشَجِّعُونَ الْأَعْبِيانِ.

مَفْعُولٌ بِهِ ، مَنصُوبٌ بِأَلْيَاءِ (عَلَامَةٌ فَرَعِيَّةٌ)



الْأَعْبِيانُ فَازُوا فِي الْمُبَارَاةِ.

مُبْتَدَأٌ ، مَرْفُوعٌ بِالْوَاوِ (عَلَامَةٌ فَرَعِيَّةٌ)

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي ...﴾ الشُّعْرَاءُ: ٨٤
- ٢- إِنَّكُمْ ... حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- الْآخِرِينَ الْآخِرُونَ
- مَسْؤُولِينَ مَسْؤُولُونَ

٣- جَمْعُ الْمُؤَنَّثِ السَّالِمِ (ات)



الطَّالِبَاتُ يَصْنَعْنَ مَصْنوعاتٍ يَدَوِيَّةً. شاهدنا الطَّالِبَاتِ فِي السَّاحَةِ. نَظَرْنَا إِلَى الطَّالِبَاتِ الْفَائِزَاتِ.
مُبْتَدَأٌ ، مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ (عَلَامَةٌ أَصْلِيَّةٌ) مَفْعُولٌ بِهِ ، مَنصُوبٌ بِالْكَسْرِ (عَلَامَةٌ فَرَعِيَّةٌ) مَجْرُورٌ بِالْكَسْرِ (عَلَامَةٌ أَصْلِيَّةٌ)

إِذْنٌ يُنصَبُ جَمْعُ الْمُؤَنَّثِ السَّالِمِ بِالْكَسْرِ بَدَلًا مِنَ الْفَتْحَةِ؛ فَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ وَجَرَّهُ وَاحِدَةٌ وَهِيَ الْكَسْرَةُ.

إِخْتِبَرُ نَفْسِكَ (٣): عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- ﴿رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا ...﴾ أَلْ عِمْرَانُ: ١٩٣ سَيِّئَاتٍ □ سَيِّئَاتٍ □
٢- قَرَأْتُ ... فِي مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ. □ الْمَجَلَّاتِ □ الْمَجَلَّاتِ □

٤- الْأَسْمَاءُ الْخَمْسَةُ

الْأَسْمَاءُ الْخَمْسَةُ هِيَ:

أَبُو (پدر)، أَخُو (برادر)، ذُو (دارای، صاحب)، حَمُو (پدر و خویشان شوهر)، فُو (دهان)

جاءَ أَبُوكَ. رَأَيْتُ أَبَاكَ. سَلَّمْتُ عَلَى أَبِيكَ.

فَاعِلٌ ، مَرْفُوعٌ بِالْوَاوِ (عَلَامَةٌ فَرَعِيَّةٌ) مَفْعُولٌ بِهِ ، مَنصُوبٌ بِالْأَلِفِ (عَلَامَةٌ فَرَعِيَّةٌ) مَجْرُورٌ بِالْيَاءِ (عَلَامَةٌ فَرَعِيَّةٌ)

تُعْرَبُ الْأَسْمَاءُ الْخَمْسَةُ بِالْإِعْرَابِ الْفَرَعِيِّ (بِالْوَاوِ رَفْعًا ، وَبِالْأَلِفِ نَصْبًا ، وَبِالْيَاءِ جَرًّا) مَتَى مَا أُضِيفَتْ إِلَى غَيْرِ صَمِيرِ ياءِ الْمُتَكَلِّمِ، وَإِذَا كَانَتْ مُفْرَدَةً؛ كَمَا رَأَيْتُ.

١- مَتَى مَا: هرگاه

أَمَا إِذَا أُضِيفَتْ إِلَى يَاءِ الْمُتَكَلِّمِ فَأِعْرَابُهُ تَقْدِيرِيٌّ، وَ لَا تَطْهَرُ عَلَامَاتُهَا؛ نَحْوُ:
جَاءَ أَبِي. رَأَيْتُ أَبِي. سَلَّمْتُ عَلَى أَبِي.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٤): عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- أَ هَذَا ... ، يَا سَعِيدُ؟
 أَخِيكَ أَخَاكَ أَخُوكَ
- ٢- شَاهَدْتُ ... مُصْطَفَى فِي الشَّارِعِ.
 أَبِي أَبَا أَبُو
- ٣- شَهْرٌ ... آخِرُ الشُّهُورِ فِي السَّنَةِ الْقَمَرِيَّةِ.
 ذِي الْحِجَّةِ ذَا الْحِجَّةِ ذُو الْحِجَّةِ

التَّمارين

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الْفَارِسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

- تَجْرِي الرِّيَاحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ. هر چه پیش آید خوش آید.
- الْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ، بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ. کم گوی و گزیده گوی چون دُرّ.
- أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي. گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ. نمک خورد و نمکدان شکست.
- الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. از دل برود هر آنکه از دیده رود.
- الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. برد کشتی آنجا که خواهد خدای و گر جامه بر تن درد ناخدای

١- تَشْتَهِي: می‌خواهد، میل دارد

التَّمْرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

أَلْفِعْلُ الْمَاضِي	أَلْفِعْلُ الْمَضَارِعِ	فِعْلُ الْأَمْرِ	أَلْمَصْدَرُ	إِسْمُ الْفَاعِلِ
وَافَقَ	<input type="checkbox"/> يُوَافِقُ	<input type="checkbox"/> وَافِقٌ	<input type="checkbox"/> التَّوْفِيقُ	<input type="checkbox"/> أَلْمُؤَافِقُ
	<input type="checkbox"/> يُؤَافِقُ	<input type="checkbox"/> وَفَّقُ	<input type="checkbox"/> أَلْمُؤَافِقَةُ	<input type="checkbox"/> أَلْمُؤَفِّقُ
تَقَرَّبَ	<input type="checkbox"/> يُقَرِّبُ	<input type="checkbox"/> قَرَّبَ	<input type="checkbox"/> أَلتَّقَرُّبُ	<input type="checkbox"/> أَلْمُقَرَّبُ
	<input type="checkbox"/> يَتَقَرَّبُ	<input type="checkbox"/> تَقَرَّبَ	<input type="checkbox"/> أَلتَّقَرِيبُ	<input type="checkbox"/> أَلْمَتَّقَرَّبُ
تَعَارَفَ	<input type="checkbox"/> يَتَعَرَّفُ	<input type="checkbox"/> تَعَارَفَ	<input type="checkbox"/> أَلْمُعَارَفَةُ	<input type="checkbox"/> أَلْمَتَعَارِفُ
	<input type="checkbox"/> يَتَعَارَفُ	<input type="checkbox"/> اِعْرَفَ	<input type="checkbox"/> أَلتَّعَارُفُ	<input type="checkbox"/> أَلْمَعْرِفُ
اِسْتَعَلَّ	<input type="checkbox"/> يَسْتَعِلُّ	<input type="checkbox"/> اِسْتَعِلَّ	<input type="checkbox"/> اِلِانْشِعَالُ	<input type="checkbox"/> أَلْمُسْتَعِلُّ
	<input type="checkbox"/> يَسْتَعِلُّ	<input type="checkbox"/> اِنْشَعَلَ	<input type="checkbox"/> اِلِاشْتِعَالُ	<input type="checkbox"/> أَلْمُنْشَعِلُ
اِنْفَتَحَ	<input type="checkbox"/> يَفْتِئِحُ	<input type="checkbox"/> اِنْفَتِحَ	<input type="checkbox"/> اِلِانْفِتَاحُ	<input type="checkbox"/> أَلْمُفْتَحُّ
	<input type="checkbox"/> يَنْفَتِحُ	<input type="checkbox"/> تَفَتَّحَ	<input type="checkbox"/> اِلِانْفِتاحُ	<input type="checkbox"/> أَلْمُنْفَتِحُ
اِسْتَرْجَعَ	<input type="checkbox"/> يَسْتَرْجِعُ	<input type="checkbox"/> اِسْتَرْجِعَ	<input type="checkbox"/> اِلِارْتِجَاعُ	<input type="checkbox"/> أَلْمُسْتَرْجِعُ
	<input type="checkbox"/> يَرْتَجِعُ	<input type="checkbox"/> رَاجِعٌ	<input type="checkbox"/> اِلِاسْتِرْجَاعُ	<input type="checkbox"/> أَلْمُرْجِعُ
نَزَلَ	<input type="checkbox"/> يُنْزِلُ	<input type="checkbox"/> اِنْزَلَ	<input type="checkbox"/> اَلنُّزُولُ	<input type="checkbox"/> أَلْمُنْزِلُ
	<input type="checkbox"/> يُنْزِلُ	<input type="checkbox"/> نَزَلَ	<input type="checkbox"/> اَلتَّنْزِيلُ	<input type="checkbox"/> اَلنَّازِلُ
اَكْرَمَ	<input type="checkbox"/> يُكْرِمُ	<input type="checkbox"/> اَكْرَمَ	<input type="checkbox"/> اِلِاِكْرَامُ	<input type="checkbox"/> اَلْاَكْرَمُ
	<input type="checkbox"/> يُكْرِمُ	<input type="checkbox"/> كَرَّمَ	<input type="checkbox"/> اَلتَّكْرِيمُ	<input type="checkbox"/> اَلْمُكْرِمُ

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: عَيِّنِ الْمُفْرَدَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١- اِخْتِيَالٌ □ اَللِّسَنَةُ □ اَلْاَصْحَابُ □ اَلْفَلَاتَاتُ □
- ٢- اَلْاَصْدِقَاءُ □ اَلسِّيَاحُ □ اَلْمُمْرِضُونَ □ اَلِالْتِفَاتُ □
- ٣- اَلْفَسَاتِينُ □ اَلْفَرَايِضُ □ اَلْبِرْنَامَجُ □ اَلْحَقَائِبُ □
- ٤- اَلْاُذُنَانِ □ اَلرَّعَانِفُ □ اَلدُّخَانُ □ اَلْاَنْجُمُ □
- ٥- اَلظُّلْمَةُ □ اَلْمَعَالِمُ □ اَلْمُحَاوَلَةُ □ اَلْاَعْدَاءُ □
- ٦- اَلْمَرَضَى □ اَلْمَرَضَاةُ □ اَلْاَحْيَاءُ □ اَلْمَوْتَى □

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ، ثُمَّ اَعْرِبْهُ.

- ١- ﴿يَالَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْ...﴾ اَلرُّخْفُ: ٢٨ مَشْرِقَيْنِ ○ مَشْرِقَانِ ○ مَشَارِقُ ○
- ٢- ﴿رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْ...﴾ اَلْعَنْكَبُوتُ: ٣٠ مُمْسِدُونَ ○ مُمْسِدِينَ ○ مُمْسِدِينَ ○
- ٣- ﴿اِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ الْ...﴾ هُود: ١١٤ سَيِّئَاتٍ ○ سَيِّئَاتُ ○ سَيِّئَاتٍ ○
- ٤- ﴿اِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ اَجْرَ الْ...﴾ اَلتَّوْبَةُ: ١٢٠ مُحْسِنِينَ ○ مُحْسِنُونَ ○ مُحْسِنَاتٍ ○
- ٥- ﴿يُعْرِفُ الْ... بِسَيِّمَاهُمُ﴾ اَلرَّحْمٰنُ: ٤١ مُجْرِمَاتٍ ○ مُجْرِمِينَ ○ مُجْرِمُونَ ○
- ٦- عَاتِبٌ ... بِالْاِحْسَانِ اِلَيْهِ. اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ اَلرَّضِيُّ اَخَاكَ ○ اَخَوَكَ ○ اَخِيكَ ○

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ إِبْحَثْ فِي كِتَابِ قِصَصِ الْأَنْبِيَاءِ عَنْ قِصَّةِ قَصِيرَةَ وَ اكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ مُسْتَعِينًا بِصُورَةٍ مُنَاسِبَةٍ.







الدَّرْسُ السَّادِسُ



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾

الأحزاب: ٧٠

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ الأحزاب: ٧٠

لِلْكَلامِ آدَابٌ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَيَدْعُو الْمُخاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَ أَنْ لَا يُجَادِلَهُمْ بِتَعَنُّتٍ ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ النحل: ١٢٥

وَ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عامِلًا بِمَا يَقُولُ، حَتَّى يُغَيِّرَ سُلُوكَهُمْ، ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (الصف: ٢) وَ يَجِبُ أَنْ يُسَلِّمَ قَبْلَ التَّكَلُّمِ «السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَمَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ كَلَامُهُ لَيِّنًا عَلَى قَدْرِ عُقُولِ الْمُسْتَمِعِينَ، لِكَيْ يُفْنِعَهُمْ وَ يَكْسِبَ مَوَدَّتَهُمْ، «كَلِّمِ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَ «عَوِّذْ لِسَانَكَ لِيْنِ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ، ﴿وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الإسراء: ٣٦) وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعْرِضُ نَفْسَهُ لِلتُّهْمِ؛ «اتَّقُوا مَوَاضِعَ التُّهْمِ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الْمُتَكَلِّمُ يُعْرِفُ بِكَلَامِهِ. «تَكَلَّمُوا تُعْرِفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ. «رُبَّ كَلَامٍ كَالْحُجَامِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَرُبَّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لَكَ الْمَشَاكِلَ. «فَكَّرْتُ ثُمَّ تَكَلَّمْتُ تَسَلَّمْتُ مِنَ الزَّلِيلِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ الْاجْتِنَابُ عَنِ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا احْتِمَالُ الْكِذْبِ. «لَا تُحَدِّثْ بِمَا

تَخَافُ تَكْذِيبَهُ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

طَوْبَى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ. «مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ

أَهْلِ النَّارِ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

وَمِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قَلْتُهُ، «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



وَقَفَّ رَجُلٌ جَمِيلٌ الْمَطْهَرِ أَمَامَ سُقْرَاطَ
يَفْتَخِرُ بِمَلَابِسِهِ وَبِمَطْهَرِهِ، فَقَالَ لَهُ
سُقْرَاطُ: تَكَلَّمْ حَتَّى أَرَاكَ.



لِكِي يُفْنِعَ : تا قانع کند
(أَفْنَعُ، يُفْنِعُ)
لِيْن : نرم ≠ خَشِن
لِيْن : نرمی ≠ خُشُونَة
مَخْبُوء : پنهان = خَفِي
يُعْرَضُ : در معرض می گذارد
(ماضی: عَرَضَ)

عَوَّدَ : عادت داد
(مضارع: يُعَوِّدُ)
قَلَّةَ : کمی ≠ كَثْرَة
كَلَّمَ : سخن گفت = حَدَّثَ، تَكَلَّمَ
(مضارع: يُكَلِّمُ)
لَا تُحَدِّثُ : سخن نگو
(حَدَّثَ، يُحَدِّثُ)
لَا تَقْفُ : پیروی نکن (قَفَا، يَقْفُو)

أَدْعُ : فرا بخوان
(دَعَا، يَدْعُو)
أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ : که دخالت نکند
(تَدَخَّلَ، يَتَدَخَّلُ)
تُهَمُّ : تهمت ها «مفرد: تَهْمَة»
زَلَّلَ : لغزش
سَدِيدَ : درست و استوار
طَوْبَى لَ : خوشا به حال

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ، يَقَعُ فِي خَطَأٍ.

۲- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ قَوِيٌّ.

۳- عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْآخَرِينَ بِلِسَانِنَا.

۴- الَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرِفُ شَأْنَهُ.

۵- لَا نُحَدِّثُ بِمَا نَخَافُ تَكْذِيبَهُ.

اعلموا

الإعراب الفرعي (٢)

في الدرس الخامس تعلّمنا أربعة مواضع يُعرب فيها الاسم إعراباً فرعياً. وفي هذا الدرس نتعلّم موضعاً آخر للإعراب الفرعي وهو:

٥- الأسم الممنوع من الصرف



خُرَاسَانُ الرَّضَوِيُّ فِي شَمَالِ شَرْقِ إِيرَانَ. أُجِبْ خُرَاسَانَ أَرْضَ الْإِمَامِ الثَّامِنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. بَيْنُنَا فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ فِي طَهْرَانَ. مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ مَفْعُولٌ بِهِ، مَنصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ مَضَافٌ إِلَيْهِ، مَجْرُورٌ بِالْفَتْحَةِ بَدَلًا مِنَ الْكُسْرَةِ

انظُرْ إِلَى كَلِمَةِ «خُرَاسَانَ» وَ أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَيْنِ التَّالِيَيْنِ.

لِمَاذَا لَمْ تُنَوَّنْ كَلِمَةُ خُرَاسَانَ فِي الْحَالَاتِ الْإِعْرَابِيَّةِ الثَّلَاثِ: الرَّفْعِ وَالنَّصْبِ وَالْجَرِّ؟!

وَلِمَاذَا جَاءَتْ كَلِمَةُ خُرَاسَانَ مَفْتُوحَةً وَ هِيَ ٢ فِي مَوْضِعِ جَرٍّ مَضَافٍ إِلَيْهِ؟!

فَاعْلَمْ أَنَّ بَعْضَ الْأَسْمَاءِ الْمُعْرَبَةِ لَا تُنَوَّنُ، وَتَجَرُّ بِالْفَتْحَةِ بَدَلًا مِنَ الْكُسْرَةِ.

أَيُّ لَهْمَا عَلَامَتَانِ إِعْرَابِيَّتَانِ فَقَطْ هُمَا الْفَتْحَةُ وَالضَّمَّةُ (- وَ -)، وَ لَا تُنَوَّنُ (- -) وَ لَا تُكْسَرُ (-).

يُسَمَّى مِثْلَ هَذَا النُّوعِ مِنَ الْكَلِمَاتِ «الْأَسْمَاءُ الْمَمْنُوعَةُ مِنَ الصَّرْفِ» أَوْ «الْأَسْمَاءُ غَيْرَ الْمُنصَرِفَةِ».

إِعْرَابُ الْإِسْمِ الْمَمْنُوعِ مِنَ الصَّرْفِ			إِعْرَابُ الْإِسْمِ الْمُنصَرِفِ		
الرَّفْعُ	النَّصْبُ	الْجَرُّ	الرَّفْعُ	النَّصْبُ	الْجَرُّ
ـُ	ـِ	ـِ	ـُ	ـِ	ـِ

١- لَمْ تُنَوَّنْ: تنوين نكرفته است (تنوين داده نشده است) ٢- وَ هِيَ: در حالی که ٣- تُجَرُّ: مجرور می شود

أَهْمُ الْأَسْمَاءِ الْمَمْنُوعَةِ مِنَ الصَّرْفِ:

١- عَلِمَ الْمُؤَنَّثُ؛ نَحْوُ: فَاطِمَةُ وَ حَدِيجَةُ وَ زَيْنَبُ.

وَ أَكْثَرَ أَسْمَاءِ الْمُدُنِ وَالْبُلْدَانِ؛ نَحْوُ: طَهْرَانُ وَ إِيْرَانُ (فَهِيَ مُؤَنَّثَةٌ بِاعْتِبَارِ أَنَّهَا مَدِينَةٌ أَوْ بِلَادٌ).

٢- أَلْعَلِمَ الْأَعْجَمِيُّ؛ نَحْوُ: إِبْرَاهِيمُ وَ إِسْمَاعِيلُ وَ يُوْسُفُ وَ آدَمُ (أَسْمَاءٌ عِبْرِيَّةٌ) وَ كُورِشُ وَ رُسْتَمُ (أَسْمَاءٌ فَارِسِيَّةٌ)

٣- أَلَصَّفَةُ عَلَى وَزْنِ «أَفْعَلُ»: مَا نَدُّ أَكْبَرُ، أَحْسَنُ وَ أَسْوَدُ

٤- جَمْعُ التَّكْسِيرِ أَوْ مُنْتَهَى الْجُمُوعِ ١ «مَفَاعِلُ» وَ «مَفَاعِيلُ» نَحْوُ: مَدَارِسُ، مَصَابِيحُ، تَلَامِيذُ، أَفْضَلُ وَ ...

٥- أَلْعَلِمَ وَالصَّفَةُ الْمَخْتُومَانِ بِالْأَلْفِ وَالنُّونِ الرَّائِدَتَيْنِ «فَعْلَانُ وَ فِعْلَانُ وَ فُعْلَانُ»؛ نَحْوُ

عَضْبَانُ: خَشْمِغِينَ، عَطْشَانُ: تَشْنَهُ، جَوْعَانُ: كَرْسَنَهُ، فَرْحَانُ: خَوْشِحَالُ، كَسْلَانُ: تَنْبَلُ، عِمْرَانُ، لُقْمَانُ وَ عُثْمَانُ

٦- الْأِسْمُ الْمَخْتُومُ بِالْفِ التَّائِيثِ الْمَمْدُودَةِ «اء»؛ وَهِيَ الرَّائِدَةُ بَعْدَ الْحُرُوفِ الْأَصْلِيَّةِ:

نَحْوُ: أَصْدِقَاءُ، صَحْرَاءُ، شُعْرَاءُ وَ سَوْدَاءُ

٧- الْأِسْمُ الْمَخْتُومُ بِالْفِ التَّائِيثِ الْمَقْصُورَةِ «ي» أَوْ «ا»؛ وَهِيَ الرَّائِدَةُ بَعْدَ الْحُرُوفِ الْأَصْلِيَّةِ؛ نَحْوُ:

ذِكْرَى (ذَكَرَى) وَ مَرَضَى (مَرَضَى) وَ كُبْرَى (كَبُرَى) وَ صُغْرَى (صُغِرَى) وَ لَيْلَى (لَيْلَى) وَ دُنْيَا وَ عَلِيَا

يُجْرُ الْأِسْمُ الْمَمْنُوعُ مِنَ الصَّرْفِ بِالْكَسْرِ حِينَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ «أَل» أَوْ يَقَعُ مُضَافًا؛ مِثْلُ:

فِي الْمَسَاجِدِ مُصَلِّونَ كَثِيرُونَ. فِي مَسَاجِدِ الْمَدِينَةِ مَكْتَبَاتٌ قِيَمَةٌ.

أَسْمَاءُ أَكْثَرَ الْأَنْبِيَاءِ ﷺ فِي الْقُرْآنِ عِبْرِيَّةٌ؛ فَهِيَ مَمْنُوعَةٌ مِنَ الصَّرْفِ؛ أَمَّا أَسْمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ

التَّالِيَةِ ﷺ فَهِيَ مُنْصَرَفَةٌ:

مُحَمَّدٌ ﷺ وَ سَيِّدٌ وَ شُعَيْبٌ وَ صَالِحٌ وَ لُوطٌ وَ نُوحٌ وَ هُودٌ ﷺ

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

١- أَشْتَعَلُ فِي ... مُحَافِظَةِ كِرْمَانَ. مَعَادِنَ مَعَادِنِ

٢- سَاحَاتٌ ... فِي مَدِينَتِنَا كَبِيرَةٌ. الْمَدَارِسِ الْمَدَارِسَ

٣- ﴿شَهْرٌ ... الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ الْبَقْرَةَ: ١٨٥ رَمَضَانَ رَمَضَانَ

١- «مُنْتَهَى الْجُمُوعِ» هُوَ [كُلُّ جَمْعٍ بَعْدَ أَلِفٍ تَكْسِيرِهِ حَرْفَانِ أَوْ ثَلَاثَةً أَوْ سَطْهَا يَاءٌ سَاكِنَةٌ]؛ وَ [لَهُ حَمْسَةُ أَحْرَفٍ أَوْ سِتَّةٌ].

- - ا - ا - أَوْ - - ا - ا - ي -

نَحْوُ: مَدَارِسِ (مَفَاعِلِ) وَمَفَاتِيحِ (مَفَاعِلِ) وَأَفْضَلِ (أَفَاعِلِ) وَأَسَابِعِ (أَفَاعِلِ) وَعَوَامِلِ (فَوَاعِلِ) وَعَجَائِزِ (فَعَائِلِ) وَقَنَادِيلِ (فَعَائِلِ) وَتَفَاسِيرِ (تَفَاعِلِ) وَ...

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: اِمْلَأِ الْفُرَاعَ فِي آيَاتِ نَصِّ الدَّرْسِ وَ أَحَادِيثِهِ بِكَلِمَاتٍ صَحِيحَةٍ.

- ١- ﴿أُذِعْ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ﴾ (التَّحْلُ: ١٢٥)
- ٢- ﴿وَلَا تَقُفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ﴾ (الْإِسْرَاءُ: ٣٦)
- ٣- ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا﴾ (الْصَّف: ٢)
- ٤- كَلِّمِ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٥- تَكَلَّمُوا تُعَرَّفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَائِلِيًّا
- ٦- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ نُكِرَهُ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشِيهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
(الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ نَائِبُ الْفَاعِلِ وَ اسْمٌ إِنَّ وَ حَبْرَهَا)

٢- أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
(اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْمَفْعُولُ بِهِ)

٣- قُلِ الْحَقُّ وَ إِنْ كَانَ مُرًّا^١. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
(الْمَفْعُولُ بِهِ وَ اسْمُ الْفِعْلِ الْفَاعِلِ وَ حَبْرَهُ)

٤- مَا دِخُ الرَّجُلِ بِمَا لَيْسَ فِيهِ مُسْتَهْزِئٌ^٢ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَائِلِيًّا
(اسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ الْفِعْلِ الْفَاعِلِ وَ حَبْرَهُ)

٥- لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَائِلِيًّا
(الْمُضَارِعُ الْمَنْفِي وَ الْفَاعِلُ الْمُسْتَتِرُ)

التَّمرينُ الثَّالثُ: اِنتخبِ الجوابَ الصَّحيحَ.

- ١- ﴿سَلَامٌ عَلَيَّ...﴾ الصَّافَات: ١٠٩
 إبراهيمُ إبراهيمَ
- ٢- ﴿وَاللَّهُ... فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ١٧٤
 ذُو ذَا ذِي
- ٣- ﴿وَفَوْقَ كُلِّ... عِلْمٍ عَلِيمٍ﴾ يُوْسُفَ: ٧٦
 ذُو ذَا ذِي
- ٤- ﴿وَرَبَّنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا...﴾ فَصَّلَتْ: ١٢
 مَصَابِيحُ مَصَابِيحَ

التَّمرينُ الرَّابِعُ: لِإِعْرَابٍ وَالتَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ.

١- ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ الْأنْعَام: ٥٣

٢- ﴿وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ﴾ مَرْيَمَ: ٥٤

٣- ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ فَاطِرَ: ٧

٤- ﴿وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ...﴾ الرُّحُفَ: ٥١

٥- ﴿قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ﴾ الْمَائِدَةَ: ١١٤

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اَكْتُبْ خَمْسَ عِبَارَاتٍ بِالْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ آدَابِ الْكَلَامِ.



١- اَلْكَلامُ يَجْرُ' اَلْكَلامِ.

..... ٢-

..... ٣-

..... ٤-

..... ٥-

..... ٦-

١- يَجْرُ: مِ كِشِد





الدَّرْسُ السَّابِعُ



ثَلَاثُ تُورِثُ الْمَحَبَّةَ: الدَّيْنُ وَالتَّوَاضُعُ وَالبَدَلُ.


الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

سه چیز مهربانی می آورد: وام دادن، فروتنی و بخشش.

أَلْوَالِي الْمَتَوَاضِعُ

قَدِمَ رَجُلٌ مِنَ الشَّامِ إِلَى الْمَدَائِنِ وَ ذَهَبَ إِلَى السُّوقِ،
وَ كَانَ مَعَهُ حِمْلٌ تَمْرٍ وَ أَشْيَاءُ أُخْرَى.
فَقَالَ فِي نَفْسِهِ: إِلَهِي، مَنْ يُسَاعِدُنِي؟
فِي هَذِهِ الْأَثْنَاءِ وَقَعَ نَظْرُهُ عَلَى رَجُلٍ حَسِبَهُ فَقِيرًا؛ وَ قَالَ لَهُ:
هَلْ تُسَاعِدُنِي فِي حَمَلِ هَذَا الْجِمَلِ؟
أَجَابَهُ الرَّجُلُ: نَعَمْ، بِكُلِّ سُورٍ.
فَحَمَلَهُ وَ ذَهَبَا مَعًا؛





وَ فِي الطَّرِيقِ شَاهِدَهُمَا بَعْضُ النَّاسِ،
وَ سَلَّمُوا عَلَى الرَّجُلِ الَّذِي يَحْمِلُ الْحِمْلَ،
وَ أَسْرَعُوا نَحْوَهُ لِيَأْخُذُوا مِنْهُ الْحِمْلَ قَائِلِينَ لَهُ:
أَيُّهَا الْأَمِيرُ، إِسْمَحْ لَنَا أَنْ نَحْمِلَ الْحِمْلَ بَدَلًا مِنْكَ.
وَلَكِنَّهُ رَفَضَ.

فَتَعَجَّبَ الشَّامِيُّ وَ سَأَلَ النَّاسَ: مَنْ هَذَا؟
فَأَجَابُوهُ: إِنَّهُ وَالِي الْمَدَائِنِ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ.
فَحَجَلَ الشَّامِيُّ وَ اعْتَدَرَ إِلَيْهِ وَ أَرَادَ أَنْ يَأْخُذَ مِنْهُ الْحِمْلَ؛
وَلَكِنَّ سَلْمَانَ رَفَضَ وَ قَالَ لَهُ:
سَأَحْمِلُهُ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي تُرِيدُ.
فَتَعَجَّبَ الشَّامِيُّ مِنْ تَوَاضَعِ الْوَالِي.

أثناء: میان

«فِي هَذِهِ الْأَثْنَاءِ: در این میان»

أُورِثَ: به ارث نهاد

(مضارع: يُورِثُ)

بَدَّلَ: بخشش

حِمْلٌ: بار

حَجَلٌ -: شرمنده شد

(مضارع: يَحْجَلُ)

دَيْنٌ: وام دادن

رَفَضَ -: نپذیرفت

(مضارع: يَرْفُضُ)

نَحَوُ: به سوی = اِلَى

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- كَانَ سَلْمَانُ وَالْيَ مَدِينَةَ الْبَصْرَةِ.

۲- اِعْتَدَرَ الرَّجُلُ الشَّامِيَّ اِلَى سَلْمَانَ.

۳- تَعَجَّبَ الشَّامِيُّ مِنْ مَلَابِسِ سَلْمَانَ.

۴- رَفَضَ سَلْمَانُ اَنْ يُسَاعِدَ الرَّجُلَ الشَّامِيَّ.

۵- اَلنَّاسُ اَسْرَعُوا نَحْوَ سَلْمَانَ لِاِيَاخُذُوا مِنْهُ الْحِمْلَ.

اعلموا

الإعرابُ المَحَلِّيُّ وَالإِعْرَابُ التَّقْدِيرِيُّ

الإِعْرَابُ المَحَلِّيُّ

هُنَاكَ كَلِمَاتٌ فِي اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ لَا تَتَغَيَّرُ حَرَكَهَ آخِرِهَا بِإِخْتِلَافِ العَوَامِلِ الوَارِدَةِ عَلَيْهَا فَهَذِهِ الكَلِمَاتُ تُسَمَّى مَبْنِيَّةً؛ نَحْوُ «هَذِهِ»، فَإِنَّهَا مَبْنِيَّةٌ، وَحَرَكَهَ الهَاءِ فِيهَا لَا تَتَغَيَّرُ بِإِخْتِلَافِ العَوَامِلِ الوَارِدَةِ عَلَيْهَا.

إِعْرَابٌ مِثْلُ هَذِهِ الكَلِمَاتِ لَا يَظْهَرُ فِي آخِرِهَا، بَلْ تُعْرَبُ مَحَلِّيًّا.

إِنْ عَرَفْتَ هَذَا، فَانظُرْ إِلَى إِعْرَابِ كَلِمَةِ «هَذِهِ» فِي الجُمَلِ الثَّلَاثِ التَّالِيَةِ؛ لِتَرَى هَلْ تَغَيَّرَتْ حَرَكَهَ حَرْفِ آخِرِهَا عِنْدَ تَغْيِيرِ مَحَلِّهَا الإِعْرَابِيِّ.



سَافَرْتُ إِلَى هَذِهِ الجَزِيرَةِ.
مَجْرُورٌ مَحَلًّا بِحَرْفِ جَرٍّ



رَأَيْتُ هَذِهِ الجَزِيرَةَ.
مَفْعُولٌ بِهِ، مَنصُوبٌ مَحَلًّا



هَذِهِ جَزِيرَةٌ جَمِيلَةٌ.
مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ مَحَلًّا

إِعْرَابُ الأَسْمَاءِ المَبْنِيَّةِ وَالجُمَلِ وَ شِبْهِ الجُمَلِ مَحَلِّيٌّ.

مَلاحِظَةٌ: يُعَدُّ الجَارُ وَالْمَجْرُورُ أَوْ الطَّرْفُ شِبْهَ جُمْلَةٍ بَعْضَ الأَوْقَاتِ.

أُولَئِكَ طُلَّابُ الطَّبِّ.

مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ مَحَلًّا

أُولَئِكَ يَدْرُسُونَ فِي المَكْتَبَةِ.

(فَعْلٌ وَفَاعِلٌ) جُمْلَةٌ فِعْلِيَّةٌ، خَبَرٌ، مَرْفُوعٌ مَحَلًّا

أُولَئِكَ طُلَّابُ الطَّبِّ.

مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ مَحَلًّا

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): أَعْرَبِ الكَلِمَاتِ المُلَوَّنَةَ.

١- ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوه﴾ هود: ٦١

٢- أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ. أميرُ المُؤْمِنِينَ عَلِيُّ العَلِيِّ

الإعرابُ التَّقديريُّ

يأتي الإعرابُ التَّقديريُّ في مَوَاضِعَ، أَهْمُهَا ثَلَاثَةٌ وَهِيَ:

١. إِلاِسْمُ الْمَنقُوصِ:

■ وَهُوَ إِلاِسْمُ الْمُعْرَبِ الَّذِي آخِرُهُ «يَاءٌ غَيْرُ مُشَدَّدَةٍ قَبْلَهَا كَسْرَةٌ ← يِ» نَحْوُ:

الْهَادِي ، الرَّاضِي ، الْمَاشِي ، التَّالِي ، السَّاقِي ، الْوَالِي ، الْأَيْدِي ، الْمُفْتَضِي ، الْأَسَامِي ،
التَّعَالِي ، التَّجَلِّي وَ ...

وَحِينَ تَنْظُرُ إِلَى الْكَلِمَاتِ السَّابِقَةِ تَرَى حَرْفَهَا الْأَخِيرَ يَاءً غَيْرَ مُشَدَّدَةٍ قَبْلَهَا كَسْرَةً، فَهِيَ
إِذَنْ مَنقُوصَةٌ.

وَأَنْظُرِ الْآنَ إِلَى كَلِمَةِ «الْقَاضِي» فِي الْجُمْلِ التَّالِيَةِ؛ نَمَّ قُلْ لِمَاذَا لَمْ تَطْهَرْ عِلَامَةَ الرَّفْعِ وَالْجَرِّ
عَلَيْهَا!؟



سَلَّمْتُ عَلَى الْقَاضِي.

مَجْرُورٌ تَقْدِيرًا بِحَرْفِ جَرٍّ



شَاهَدَ الْمُجْرِمُ الْقَاضِي.

مَفْعُولٌ بِهِ ، مَنصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ (الْإِعْرَابُ أَصْلِيٌّ).



الْقَاضِي جَالِسٌ فِي الْمَحْكَمَةِ.

مُبْتَدَأٌ ، مَرْفُوعٌ تَقْدِيرًا

تُقَدَّرُ الْحَرَكَاتُ الْإِعْرَابِيَّةُ فِي الْأَسْمَاءِ الْمَنقُوصَةِ نَحْوُ «الْقَاضِي» فِي حَالَةِ الرَّفْعِ وَالْجَرِّ فَقَطْ؛
أَيُّ تُعْرَبُ بِالْحَرَكَةِ تَقْدِيرًا. (وَ تَنْصَبُ بِالْفَتْحَةِ الظَّاهِرَةِ).

وَمِنْ هَذَا نَفْهَمُ أَنَّ إِعْرَابَ الْمَنقُوصِ فِي حَالَةِ النَّصْبِ إِعْرَابٌ أَصْلِيٌّ.

لَا تُعَدُّ الْأَسْمَاءُ الَّتِي آخِرُهَا يَاءٌ مُشَدَّدَةٌ «يِ» مَنقُوصَةً؛ لِأَنَّ الْيَاءَ الْأَخِيرَةَ تَتَّصِلُ بِيَاءٍ سَاكِنَةٍ
لَا مَكْسُورَةٍ؛ نَحْوُ:

عَلِيٌّ وَ وَلِيٌّ وَ نَبِيٌّ وَ وَصِيٌّ وَ رَضِيٌّ وَ وَفِيٌّ. عَلِيٌّ ← ع ل ي ي

■ إِلَيْكَ إِعْرَابُ الْأَسْمَاءِ الْمَنْقُوصَةِ مِثْلَ الْقَاضِيِ بِدُونِ أَلٍ وَمَعَ أَلٍ فِي الْحَالَاتِ الْإِعْرَابِيَّةِ الثَّلَاثِ:
الرَّفْعِ وَالنَّصْبِ وَالْجَرِّ.

الرَّفْعُ ۚ	النَّصْبُ ۚ	الْجَرُّ ۚ
القاضي	القاضي	القاضي
قاضٍ	قاضياً	قاضٍ

كَيْفَ يُعْرَبُ الْإِسْمُ الْمَنْقُوصُ مِثْلَ الْقَاضِيِ فِي حَالَةِ الرَّفْعِ وَالْجَرِّ؟
مَتَى يُعْرَبُ الْإِسْمُ الْمَنْقُوصُ إِعْرَاباً أَصْلِيّاً لَا تَقْدِيرِيّاً؟

٢. الْإِسْمُ الْمَقْصُورُ:

هُوَ الْإِسْمُ الَّذِي آخِرُهُ أَلِفٌ لِزِمَةِ نَحْوِ: هُدَى وَ ضَحَى وَ فَتَى وَ كُبْرَى وَ صُغْرَى وَ حُسْنَى وَ
مُعَلَّى وَ مُجْتَبَى وَ مُرْتَضَى وَ مُسْتَشْفَى وَ دُنْيَا وَ عَلِيًّا
تُقَدَّرُ الْحَرَكَاتُ عَلَى الْإِسْمِ الْمَقْصُورِ فِي الْحَالَاتِ الْإِعْرَابِيَّةِ الثَّلَاثِ: الرَّفْعِ وَالنَّصْبِ وَالْجَرِّ؛ مِثْلُ:

شَاهَدَ مِصْطَفَى مُوسَى عِنْدَ عَيْسَى.
فَاعِلٌ مَرْفُوعٌ بِالضَّمِّ الْمَقْدَرَةُ مَفْعُولٌ بِهِ مَنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ الْمَقْدَرَةُ مُضَافٌ إِلَيْهِ مَجْرُورٌ بِالْكَسْرِ الْمَقْدَرَةُ.

الْإِعْرَابُ التَّقْدِيرِيُّ لِلْإِسْمِ الْمَقْصُورِ مِثْلُ «الْهُدَى» مَعَ «أَلٍ» وَ بِدُونِ «أَلٍ».

الرَّفْعُ ۚ	النَّصْبُ ۚ	الْجَرُّ ۚ
الهُدَى	الهُدَى	الهُدَى
هُدَى	هُدَى	هُدَى

الْأَصْلُ أَنْ يُكْتَبَ التَّنْوِينُ فِي الْإِسْمِ الْمَقْصُورِ عَلَى الْحَرْفِ الَّذِي قَبْلَ الْأَلِفِ؛ نَحْوُ «هُدَى»،
وَقَدْ يُكْتَبُ عَلَى الْأَلِفِ أَيْضاً؛ نَحْوُ «هُدَى».

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الْمُؤَنَّةَ.

١- ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ...﴾ التَّوْبَةُ: ٣٣

٢- **الدُّنْيَا** مَزْرَعَةٌ الْآخِرَةِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- أَلَا، **كُلُّكُمْ رَاعٍ** ١ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- **الرَّاضِي** عَنْ نَفْسِهِ مَسْتَوْرٌ عَنْهُ عَيْبُهُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣. الْمُضَافُ إِلَى صَمِيرٍ يَاءٍ الْمُتَكَلِّمِ:

انْظُرْ إِلَى الْكَلِمَاتِ الْمُؤَنَّةِ فِي الْجُمَلِ التَّالِيَةِ نَظْرًا دَقِيقًا؛ ثُمَّ قُلْ لِمَاذَا لَا تَظْهَرُ الْحَرَكَاتُ الْإِعْرَابِيَّةَ عَلَى آخِرِهَا؟!



سَلَّمْتُ عَلَى زَمِيلِي.

مَجْرُورٌ بِالْكَسْرِ الْمُقَدَّرَةِ بِسَبَبِ حَرْفِ الْجَرِّ



رَأَيْتُ مُعَلِّمِي فِي الطَّرِيقِ.

مَفْعُولٌ بِهِ، مَنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ الْمُقَدَّرَةِ



جَاءَ صَدِيقِي إِلَى بَيْتِي.

فَاعِلٌ، مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ الْمُقَدَّرَةِ

إِذْنٌ تَقَدَّرُ الْحَرَكَاتُ عَلَى آخِرِ الْإِسْمِ الْمُضَافِ إِلَى صَمِيرٍ يَاءٍ الْمُتَكَلِّمِ فِي الْحَالَاتِ الْإِعْرَابِيَّةِ الثَّلَاثِ:

الرَّفْعِ وَالنَّصْبِ وَالْجَرِّ ٢.

٢- أَوْصِي: سَفَارَشُ مِي كَنِم (أَوْصَى، يُوصِي)

١- رَاعٍ (الرَّاعِي): جُوبَان، مَسْتَوِل

٣- إِعْرَابُ الْمُتَنَّى وَجَمْعُ الْمُدَّكَّرِ السَّلَامِ حِينَ يُضَافُ إِلَى صَمِيرٍ يَاءٍ الْمُتَكَلِّمِ إِعْرَابٌ فَرْعِيٌّ لَا تَقْدِيرِيٌّ؛ نَحْوُ:

«جَاءَ صَدِيقَايَ إِلَى بَيْتِي». كَلِمَةُ «صَدِيقَا» (صَدِيقَانِ+ي) فَاعِلٌ مَرْفُوعٌ بِالْأَلْفِ.

رَأَيْتُ صَدِيقِي: كَلِمَةُ «صَدِيقِي» (صَدِيقَيْنِ+ي) مَفْعُولٌ بِهِ مَنْصُوبٌ بِالْيَاءِ.

وَإِعْرَابُ جَمْعِ الْمُدَّكَّرِ السَّلَامِ حِينَ يُضَافُ إِلَى صَمِيرٍ يَاءٍ الْمُتَكَلِّمِ فَرْعِيٌّ إِلَّا فِي حَالَةِ الرَّفْعِ، فَيَكُونُ تَقْدِيرِيًّا؛ نَحْوُ:

«جَاءَ مُعَلِّمِي». (مُعَلِّمُونَ + ي = مُعَلِّمُونِي = مُعَلِّمُونِي = مُعَلِّمِي).

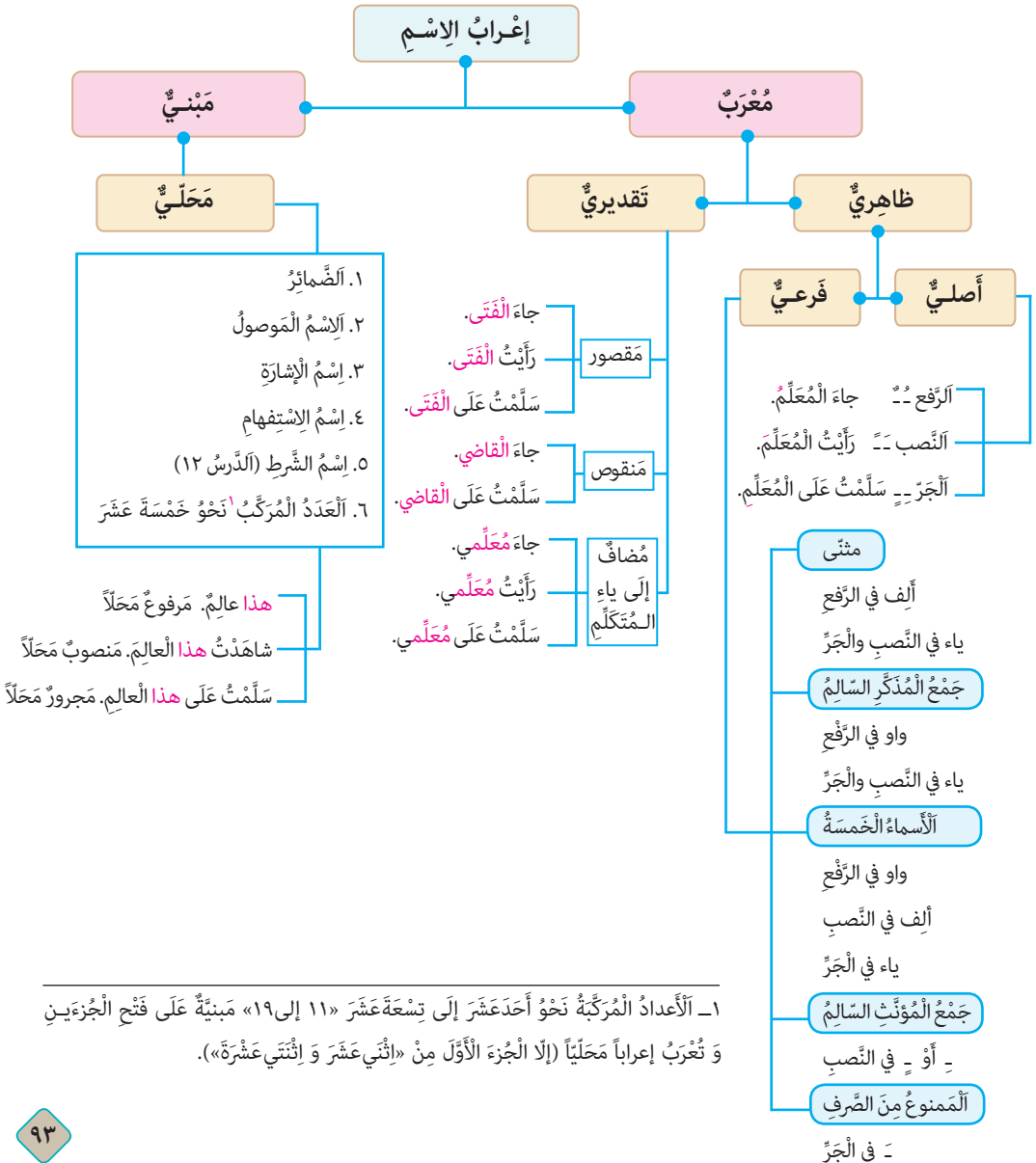
مُعَلِّمِي مَرْفُوعٌ بِأَلْوَاوِ الْمُقَدَّرَةِ.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٣): أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلَوَّنَةَ.

١- ﴿... قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي ...﴾ يوسُف: ٩٠

٢- ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ...﴾ طه: ٢٥

٣- ﴿اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ طه: ١٤



التَّمرِينُ الْأَوَّلُ: عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

١- لَوْنُ الرُّمَانِ بِنَفْسَجِيٍّ.

٢- الرَّدَاءُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ الْأَلْبَسَةِ.

٣- الرَّاعِي هُوَ الَّذِي يَبِيعُ الْحَلَوِيَّاتِ فِي السُّوقِ.

٤- إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ يُوْسُفَ وَ آدَمَ أَسْمَاءَ عِبْرِيَّةٍ.

٥- الْمِطْلَةُ تَحْمِيكَ مِنْ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ الثَّلْجِ وَ مِنْ أَشْعَةِ الشَّمْسِ.

التَّمرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْحَدِيثِ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

١- ﴿ وَ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴾ طه: ٩

٢- ﴿ قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ ﴾ آل عمران: ٧٣

٣- ﴿ وَاجْعَلْ لِي وَزيراً مِنْ أَهْلِي ﴾ طه: ٢٩

٤- ﴿ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ... ﴾ الأحقاف: ٣١

٥- ﴿ إِذْ قَالَ يُوْسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَباً... ﴾ يوسُف: ٤

٦- التَّوَاضُعُ نِعْمَةٌ لَا يُحْسَدُ عَلَيْهَا. الْإِمَامُ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: لِلتَّرْجَمَةِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الإِعْرَابِ.

يا إلهي يا إلهي يا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ^١

إَجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيداً^٢ وَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ

وَ أَملاً الصَّدْرَ انْشِراحاً^٣ وَ قَمِي بِالْبَسْمَاتِ^٤

يا إلهي أَنْتَ عَوْنِي^٥ فِي أَدَاءِ الْوَأَجِبَاتِ

نَوْرِ الْعَقْلِ وَ قَلْبِي بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ

وَ اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي^٦ وَ نَصِيبِي^٧ فِي الْحَيَاةِ

الإِعْرَابِ	التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ	الْكَلِمَةُ
.....	الدَّعَوَاتِ
.....	إَجْعَلِ
.....	الصَّدْرَ
.....	عَوْنِ
.....	النَّافِعَاتِ
.....	حَظِّ
.....	ي

١- الْمُجِيبُ: برآورنده ٢- السَّعِيدُ: خوشبخت ٣- انْشِراحُ الصَّدْرِ: شادمانی دل ٤- البَسْمَاتُ: لبخندها
٥- العَوْنُ: یاری، یاور ٦- نَوْرُ: نورانی کن ٧- الحَظُّ: بخت ٨- النَّصِيبُ: سهم

الْتَمْرَيْنِ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ.

۱- مَنهُومان^۱ لَا يَشْبَعَانِ: طَالِبٌ عِلْمٍ وَطَالِبٌ دُنْيَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲- مَن اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَن شَاوَرَ^۲ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۳- إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ^۳ عَلَى أئِمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا^۴ أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۴- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْحَى^۵ اللَّهُ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُوسَى، لَا تَنْسِنِي^۶ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ، وَ لَا تَفْرَحْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ، فَإِنَّ نَيْسَانِي يُقْسِي^۸ الْقُلُوبَ، وَمَعَ كَثْرَةِ الْمَالِ كَثْرَةُ الذُّنُوبِ.

۵- لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِرَجُلَيْنِ: رَجُلٍ أَذْنَبَ^۹ ذُنُوبًا فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا^{۱۰} بِالتَّوْبَةِ، وَ رَجُلٍ يُسَارِعُ^{۱۱} فِي الْخَيْرَاتِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱- الْمَنهُومان: سِيرَى نَاطِقِي ۲- شَاوَرَ: مَشُورَتِ كَرْد ۳- فَرَضَ: وَاجِبِ كَرْد ۴- أَنْ يُقَدِّرُوا: كِه مَقْيَاسِه كَنْد (بَسَنْجَنْد)

۵- الضَّعْفَةُ: جَمْعُ ضَعِيفٍ ۶- أَوْحَى: وَحَى كَرْد ۷- لَا تَنْسِنِي: فَرَامُوشَم نَكُن ۸- يُقْسِي: سَخْتِ مِى كَنْد

۹- أَذْنَبَ: گناه كَرْد ۱۰- يَتَدَارَكُ: جِبرانِ مِى كَنْد ۱۱- يُسَارِعُ: مِى شتابد

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ رِوَايَةٍ مِّنَ الرِّوَايَاتِ الْاِسْلَامِيَّةِ حَوْلَ التَّوَاضُعِ، وَاکْتُبْهَا فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ مُسْتَعِينًا بِصُورٍ مُنَاسِبَةٍ







الدُّرْسُ الثَّامِنُ



﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ...﴾

الأنعام: ٩٥

بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است.
زنده را از مُرده بیرون می آورد و بیرون آورنده مُرده از زنده است.

عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ

ظواهرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ، وَالآنَ نَصِفُ بَعْضَ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ:



الْعِنَبُ الْبِرَازِيلِيُّ شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنِ بَاقِيِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ، تَنْبُتُ فِي الْبِرَازِيلِ، وَتَنْمُو أَثْمَارُهَا

عَلَى جِدْعِهَا، وَ مِنْ أَهَمِّ مَوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطِي أَثْمَارًا طَوَّلَ السَّنَةِ.

شَجَرَةُ السُّكُويَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ فِي كَالِيفُورْنِيَا، قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا أَكْثَرَ

مِنْ مِئَةِ مِترٍ وَ قَدْ يَبْلُغُ قُطْرُهَا تِسْعَةَ أمتارٍ، وَ يَزِيدُ عُمرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ خَمْسِمِئَةِ

سَنَةٍ تَقْرِيبًا.

الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ، تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِالْإِلْتِفَافِ حَوْلَ

جِدْعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا، ثُمَّ تَخْنُقُهَا تَدْرِيجِيًّا. يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ التِّي تَقَعُ فِي

مُحَافَظَةِ هُرْمُزْجَانِ.





شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي جُزُرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي،
تَحْمِلُ أَثْمَارًا فِي نَهَائَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ. يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ هَذِهِ الْأَثْمَارِ.
شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَخْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيَاحٍ حَوْلَ الْمَزَارِعِ
لِحِمَايَةِ مَحَاصِلِهِمْ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ؛ لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ

تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ، وَ تَحْتَوِي بُدُورُهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الزُّيُوتِ لَا يُسَبَّبُ اشْتِعَالُهَا
خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّثَةٍ. وَ يُمَكِّنُ إِنتَاجَ النَّفْطِ مِنْهَا. وَ يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكَشَهَرِ
بِمُحَافَظَةِ سِيِسْتَانَ وَ بَلُوشِسْتَانَ بِاسْمِ شَجَرَةِ مِدَادِ.



شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبْلُغُ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي سَنَةٍ. تَوْجَدُ غَابَاتُ
جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مُحَافَظَتِي إِيلَامِ وَ لُرِسْتَانَ. يَدْفِنُ السَّنْجَابُ بَعْضَ جَوْزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ
تَحْتَ التُّرَابِ، وَ قَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجَوْزَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.



قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

••••• إِرْزَعُوا وَ اغْرِسُوا، ... وَ اللَّهُ مَا عَمَلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ. •••••

کشاورزی کنید و نهال بکارید، ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال تر و خوب تر از آن انجام نداده اند.

أَحَلَّ : حلال تر، حلال ترین

إِشْتِعَالَ : برافروخته شدن، سوختن
(إِشْتَعَلَ، يَشْتَعِلُ)

أَطْيَبَ : خوب تر، خوب ترین =
أَحْسَنَ، أَفْضَلَ

أَغْصَانَ، عُصُونَ : شاخه ها «مفرد»:
عُصْنٌ

إِلتِفَافٌ : در هم پیچیدن (الْتَفَّ،
يَلْتَفُّ)

بُدُورٌ : دانه ها «مفرد: بُدْرٌ»

جُدَعٌ : تنه «جمع: جُدُوعٌ»

جُزُرٌ : جزیره ها «مفرد: جَزِيرَةٌ»

جَوَوزَةٌ : دانه گردو، بلوط و مانند آن

خَنَقٌ : خفه کرد (مضارع: يَخْنُقُ)

خَانِقٌ : خفه کننده

سَبَبٌ : سبب شد (مضارع: يُسَبِّبُ)

سِيَاجٌ : پرچین

غَازٌ : گاز

فَالِقٌ : شکافنده

لُبٌّ : مغز میوه

مَحَاصِيلٌ : محصولات

الْمُحِيطُ الْهَادِيُّ : اقیانوس آرام

مُزَارِعٌ : کشاورز = زَارِعٌ، قَلَّاحٌ

مُعَمَّرٌ : کهن سال

مُلُوثٌ : آلوده کننده

مُؤَاصَفَاتٌ : ویژگی ها

نَبَتٌ : روئید (مضارع: يَنْبُتُ)

نَصِيفٌ : توصیف می کنیم

نَوَى : هسته

صَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ

۱- تَبَدَّأَ الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ حَيَاتَهَا بِـ حَوْلَ جُدَعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا.

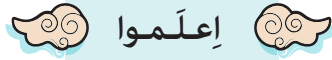
۲- لَا يُسَبِّبُ إِشْتِعَالَ زُبُوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ أَيِّ مُلَوَّثَةٍ.

۳- تَوْجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي إِيلَامَ وَ لَرِستان.

۴- قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُوبَا أَكْثَرَ مِنْ مِثْرٍ.

۵- تَحْمَلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نِهَائِهِ كَالْخُبْزِ.

۶- تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِيِّ عَلَى شَجَرَتِهِ.



الْأَفْعَالُ الْمُعْتَلَّةُ (١)

■ أَنْظِرْ إِلَى هَذِهِ الْأَفْعَالِ: وَقَفَ، يَقِفُ، قَفَّ / سَارَ، يَسِيرُ، سَرَّ / هَدَى، يَهْدِي، إِهْدِ
الْحَرْفَ الْأَوَّلَ مِنْ فِعْلِ «وَقَفَ» وَوَاوُ، وَالْحَرْفَ الثَّانِي مِنْ «سَارَ» أَلِفٌ، وَالْحَرْفَ الثَّلَاثَ مِنْ
«هَدَى» يَاءً.

تُسَمَّى هَذِهِ الْحُرُوفُ «و ا ي» بِحُرُوفِ الْعِلَّةِ.
وَالْفِعْلُ الْمُعْتَلُّ هُوَ مَا يَكُونُ أَحَدُ حُرُوفِهِ الْأَصْلِيَّةِ حَرْفَ عِلَّةٍ؛ نَحْوُ: وَقَفَ وَ سَارَ وَ هَدَى.
أَمَّا «الْفِعْلُ الصَّحِيحُ» هُوَ مَا لَا يَكُونُ أَحَدُ حُرُوفِهِ الْأَصْلِيَّةِ حَرْفَ عِلَّةٍ؛ نَحْوُ: كَتَبَ وَ تَعَلَّمَ وَ
إِنْتَفَعَ وَ جَالَسَ وَ عَرَفَ.

«الْفِعْلُ الصَّحِيحُ» هُوَ مَا كَانَ مُضَاعَفًا أَوْ مَهْمُوزًا أَوْ سَالِمًا.
أَمَّا الْفِعْلُ الَّذِي لَا يَكُونُ أَحَدُ حُرُوفِهِ الْأَصْلِيَّةِ حَرْفَ عِلَّةٍ أَوْ مُضَاعَفًا أَوْ مَهْمُوزًا، فَهُوَ «سَالِمٌ».
الْفِعْلُ الْمُعْتَلُّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَنْوَاعٍ: «مِثَالٌ» وَ «أَجُوفٌ» وَ «نَاقِصٌ».

الْمِثَالُ: هُوَ مَا كَانَ حَرْفُهُ الْأَصْلِيُّ الْأَوَّلُ (فَاءُ الْفِعْلِ) حَرْفَ عِلَّةٍ؛ نَحْوُ:

وَجَدَ وَ أَوْجَبَ وَ وَصَلَ وَ وَاصَفَ وَ تَوَقَّفَ وَ يَتَسَّرَ

الْأَجُوفُ: هُوَ مَا كَانَ حَرْفُهُ الْأَصْلِيُّ الثَّانِي (عَيْنُ الْفِعْلِ) حَرْفَ عِلَّةٍ؛ نَحْوُ:

كَانَ وَ تَكُونُ وَ صَيَّرَ وَ اسْتَقَامَ

النَّاقِصُ: هُوَ مَا كَانَ حَرْفُهُ الْأَصْلِيُّ الثَّلَاثَ (لَامُ الْفِعْلِ) حَرْفَ عِلَّةٍ؛ نَحْوُ:

هَدَى وَ إِهْتَدَى وَ انْتَهَى وَ اسْتَدَعَى

فِي هَذَا الدَّرْسِ تَتَعَلَّمُ تَصْرِيْفَ الْفِعْلِ الْمِثَالِ وَالْأَجُوفِ.

الْفِعْلُ الْمِثَالُ: نَحْوُ «وَجَدَ»، «يَجِدُ»، «جَدَّ».

يُحَدِّثُ حَرْفَ الْعِلَّةِ فِي كُلِّ صَيْغِ الْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ مِنَ «الْفِعْلِ الْمِثَالِ الْوَاوِيِّ الثَّلَاثِيِّ الْمَجْرَدِ

الْمَعْلُومِ»

الصيغة	الماضي	المضارع	الأمر
المُفْرَدُ الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	وَقَفَ	يَقِفُ	
الْمُنْتَنَى الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	وَقَفَا	يَقِفَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	وَقَفُوا	يَقِفُونَ	
المُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	وَقَفْتُ	تَقِفُ	
الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	وَقَفْنَا	تَقِفَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	وَقَفْنَا	يَقِفْنَ	
المُفْرَدُ الْمَذْكَرُ الْمُخَاطَبُ	وَقَفْتَ	تَقِفُ	قِفْ
الْمُنْتَنَى الْمَذْكَرُ الْمُخَاطَبُ	وَقَفْتُمَا	تَقِفَانِ	قِفَا
الْجَمْعُ الْمَذْكَرُ الْمُخَاطَبُ	وَقَفْتُمْ	تَقِفُونَ	قِفُوا
المُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	وَقَفْتِ	تَقِفِينَ	قِفِي
الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	وَقَفْتُمَا	تَقِفَانِ	قِفَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	وَقَفْتُنَّ	تَقِفْنَ	قِفْنَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	وَقَفْتُ	أَقِفُ	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	وَقَفْنَا	نَقِفُ	

الفِعْلُ الْأَجَوْفُ: هُنَاكَ ثَلَاثَةُ أَنْوَاعٍ مَشْهُورَةٍ لِلْفِعْلِ الْأَجَوْفِ وَهِيَ: «قَالَ، يَقُولُ» وَ «بَاعَ، يَبِيعُ» وَ «خَافَ، يَخَافُ». أَنْظُرْ إِلَى تَصْرِيْفِ هَذِهِ الْأَنْوَاعِ الثَّلَاثَةِ؛ ثُمَّ احْفَظِ التَّغْيِيرَاتِ الَّتِي حَصَلَتْ فِيهَا؛ وَ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ الَّتِي تَلِيهَا.

الصيغة	الماضي	المضارع	الأمر
المُفْرَدُ الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	قَالَ	يَقُولُ	
الْمُنْتَنَى الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	قَالَا	يَقُولَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	قَالُوا	يَقُولُونَ	
المُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	قَالَتْ	تَقُولُ	
الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	قَالَتَا	تَقُولَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	قَالْنَ	يَقُلْنَ	
المُفْرَدُ الْمَذْكَرُ الْمُخَاطَبُ	قُلْتَ	تَقُولُ	قُلْ
الْمُنْتَنَى الْمَذْكَرُ الْمُخَاطَبُ	قُلْتُمَا	تَقُولَانِ	قُولَا
الْجَمْعُ الْمَذْكَرُ الْمُخَاطَبُ	قُلْتُمْ	تَقُولُونَ	قُولُوا
المُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	قُلْتِ	تَقُولِينَ	قُولِي
الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	قُلْتُمَا	تَقُولَانِ	قُولَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	قُلْتُنَّ	تَقُلْنَ	قُلْنَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	قُلْتُ	أَقُولُ	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	قُلْنَا	نَقُولُ	

الصيغة	الماضي	المضارع	الأمر
المُفْرَدُ الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	بَاعَ	يَبِيعُ	
الْمُنْتَنَى الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	بَاعَا	يَبِيعَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	بَاعُوا	يَبِيعُونَ	
المُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	بَاعَتْ	تَبِيعُ	
الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	بَاعَتَا	تَبِيعَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	بَعْنَ	يَبْعْنَ	
المُفْرَدُ الْمَذْكَرُ الْمُخَاطَبُ	بَعْتَ	تَبِيعُ	بِعْ
الْمُنْتَنَى الْمَذْكَرُ الْمُخَاطَبُ	بَعْتُمَا	تَبِيعَانِ	بِعَا
الْجَمْعُ الْمَذْكَرُ الْمُخَاطَبُ	بَعْتُمْ	تَبِيعُونَ	بِعُوا
المُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	بَعْتِ	تَبِيعِينَ	بِيعِي
الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	بَعْتُمَا	تَبِيعَانِ	بِعَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	بَعْتُنَّ	تَبْعْنَ	بِعْنَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	بَعْتُ	أَبِيعُ	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	بَعْنَا	نَبِيعُ	

الصيغة	الماضي	المضارع	الأمر
المُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	خَافَ	يَخَافُ	
المُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	خَافَا	يَخَافَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	خَافُوا	يَخَافُونَ	
المُفْرَدُ الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ	خَافَتْ	تَخَافُ	
المُتَنَّى الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ	خَافَتَا	تَخَافَانِ	
الْجَمْعُ الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ	خَافْنَ	يَخْفَنَ	
المُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	خِيفْتَ	تَخَافُ	خَفِّ
المُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	خِيفْتُمَا	تَخَافَانِ	خَافَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	خِيفْتُمْ	تَخَافُونَ	خَافُوا
المُفْرَدُ الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ	خِيفْتِ	تَخَافِينَ	خَافِي
المُتَنَّى الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ	خِيفْتُمَا	تَخَافَانِ	خَافَا
الْجَمْعُ الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ	خِيفْتُنَّ	تَخْفَنَ	خَفْنَ
المُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	خِيفْتُ	أَخَافُ	
المُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	خِيفْنَا	نَخَافُ	

وَالآنَ بَعْدَ مِلْحَظَةِ الْجَدَاوِلِ الثَّلَاثَةِ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.

- 1- هَلْ يُمَكِّنُ لَنَا أَنْ نَقُولَ إِنَّ حَذْفَ حَرْفِ الْعِلَّةِ فِي صِيغِ الْفِعْلِ الْمَاضِي مِنْ «قَالَ وَ بَاعَ وَ خَافَ» مُتَشَابِهَةٌ؟
- 2- فِي أَيِّ صِيغَةٍ حُذِفَ حَرْفُ الْعِلَّةِ فِي الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ؟
- 3- فِي أَيِّ صِيغَةٍ حُذِفَ حَرْفُ الْعِلَّةِ فِي فِعْلِ الْأَمْرِ؟
- 4- فِي أَيِّ صِيغِ الْفِعْلِ الْمَاضِي حُذِفَ حَرْفُ الْعِلَّةِ؟
- 5- هَلْ يُمَكِّنُ لَنَا أَنْ نَقُولَ؟ «حُذِفَ حَرْفُ الْعِلَّةِ فِي الْفِعْلِ الْمَاضِي عِنْدَ الْإِتِّصَالِ بِضَمَائِرِ (نَ، تَ، ثَمَا، تُمْ، تِ، تُمَا، تُنَّ، تْ، نَا)»
- 6- هَلْ يُمَكِّنُ لَنَا أَنْ نَقُولَ؟ «حُذِفَ حَرْفُ الْعِلَّةِ فِي صِيغِ الْمَاضِي وَالْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ بِسَبَبِ سُكُونِ لَامِ الْفِعْلِ»

أَنْظُرْ إِلَى الْأَنْوَاعِ الْمُخْتَلِفَةِ لِلْفِعْلِ الْأَجَوْفِ بِدِقَّةٍ.

قَالَ، يَقُولُ، قُلٌّ قَامَ، يَقُومُ، فُمْ دَارَ، يَدُورُ، دُرٌّ كَانَ، يَكُونُ، كُنَّ عَادَ، يَعُودُ، عُدَّ ذَاقَ، يَذُوقُ، ذُقُّ

سَارَ، يَسِيرُ، سِرٌّ زَادَ، يَزِيدُ، زِدُّ بَاعَ، يَبِيعُ، بَعٌّ

نَامَ، يَنَامُ، نَمٌّ خَافَ، يَخَافُ، خَفٌّ

■ يَتَصَرَّفُ الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَزِيدُ الْأَجَوْفُ فِي بَابِ «إِفْعَالٍ» وَ «إِسْتِفْعَالٍ» نَحْوُ «أَقَامَ، يُقِيمُ، أَقَمَ» وَ «إِسْتَقَامَ، يَسْتَقِيمُ، اسْتَقَمَ» مِثْلَمَا يَتَصَرَّفُ الْفِعْلُ الْمَجْرَدُ الْأَجَوْفُ «بَاعَ، يَبِيعُ، بَعٌّ» وَلَا يَخْتَلِفَانِ عَنْهُ فِي حَذْفِ حَرْفِ الْعِلَّةِ.

إِذَنْ يُمَكِّنُ لَكَ أَنْ تَقْبِسَ^١ تَصْرِيفَ هَذَيْنِ الْفِعْلَيْنِ وَأَمثَالِهِمَا عَلَى «بَاعَ، يَبِيعُ، بَعٌّ».

«يُحَذَفُ حَرْفُ الْعِلَّةِ عِنْدَ الْإِتِّصَالِ بِالْحَرْفِ السَّاكِنِ»: نَحْوُ:

بَاعَ، بَاعًا، بَاعُوا، بَاعَتْ، بَاعْنَا، بِعْنَ ...

أَقَامَ، أَقَامًا، أَقَامُوا، أَقَامَتْ، أَقَامْنَا، أَقَمْنَ ...

الْمَاضِي

اسْتَقَامَ، اسْتَقَامًا، اسْتَقَامُوا، اسْتَقَامَتْ، اسْتَقَامْنَا، اسْتَقَمْنَ ...

بِيعَ، يَبِيعَانِ، يَبِيعُونَ، تَبِيعُ، تَبِيعَانِ، يَبِيعْنَ ...

يُقِيمُ، يُقِيمَانِ، يُقِيمُونَ، تُقِيمُ، تُقِيمَانِ، يُقِمْنَ ...

الْمُضَارِعُ

يَسْتَقِيمُ، يَسْتَقِيمَانِ، يَسْتَقِيمُونَ، تَسْتَقِيمُ، تَسْتَقِيمَانِ، يَسْتَقِمْنَ ...

بِيعَ، يَبِيعَا، يَبِيعُوا، يَبِيعِي، يَبِيعَا، بِعْنَ ...

أَقَمَ، أَقِمَا، أَقِمُوا، أَقِمِي، أَقِمَا، أَقَمْنَ ...

الْأَمْرُ

اسْتَقَمَ، اسْتَقِمَا، اسْتَقِمُوا، اسْتَقِمِي، اسْتَقِمَا، اسْتَقَمْنَ ...

■ يَتَصَرَّفُ الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَزِيدُ الْأَجَوْفُ فِي بَابِ «إِفْتِعَالٍ» وَ «إِنْفِعَالٍ» نَحْوُ:

«إِخْتَارَ، يَخْتَارُ، إِخْتَرَّ» وَ «إِنْقَادَ، يَنْقَادُ، انْقَدَّ» مِثْلَمَا يَتَصَرَّفُ الْفِعْلُ الْمَجْرَدُ الْأَجَوْفُ

«نَامَ، يَنَامُ، نَمَّ» وَلَا يَخْتَلِفَانِ عَنْهُ فِي حَذْفِ حَرْفِ الْعِلَّةِ.

١- تَقْبِسُ: مَقَابِسُهُ مِى كُنَى

إِدْنُ يُمَكِّنُ لَكَ أَنْ تَقِيَسَ تَصْرِيفَ هُدَيْنِ الْفِعْلَيْنِ وَأَمْثَالِهِمَا عَلَى «نَامَ ، يَنَامُ ، نَمٌّ» .
 «يُحَدِّفُ حَرْفَ الْعِلَّةِ عِنْدَ الْإِتِّصَالِ بِالْحَرْفِ السَّاكِنِ»؛ نَحْوُ:

نَامَ ، نَامَا ، نَامُوا ، نَامَتْ ، نَامَتَا ، نِمْنَ ...
 اِخْتَارَ ، اِخْتَارَا ، اِخْتَارُوا ، اِخْتَارَتْ ، اِخْتَارَتَا ، اِخْتَرْنَ ...
 اِنْقَادَ ، اِنْقَادَا ، اِنْقَادُوا ، اِنْقَادَتْ ، اِنْقَادَتَا ، اِنْقَدْنَ ...
 يَنَامُ ، يَنَامَانِ ، يَنَامُونَ ، تَنَامُ ، تَنَامَانِ ، يَنِمْنَ ...
 يَخْتَارُ ، يَخْتَارَانِ ، يَخْتَارُونَ ، تَخْتَارُ ، تَخْتَارَانِ ، يَخْتَرْنَ ...
 يَنْقَادُ ، يَنْقَادَانِ ، يَنْقَادُونَ ، تَنْقَادُ ، تَنْقَادَانِ ، يَنْقَدْنَ ...
 نَمٌ ، نَامَا ، نَامُوا ، نَامِي ، نَامَا ، نَمْنٌ ...
 اِخْتَرُ ، اِخْتَارَا ، اِخْتَارُوا ، اِخْتَارِي ، اِخْتَارَا ، اِخْتَرْنَ ...
 اِنْقَدُ ، اِنْقَادَا ، اِنْقَادُوا ، اِنْقَادِي ، اِنْقَادَا ، اِنْقَدْنَ ...

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الْمُعْتَلَّةِ وَصِيغَتَهَا.

١- ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ...﴾ الشُّورَى: ٣٨

٢- ﴿... وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ هود: ١٣

٣- ﴿... إِنِّي أَعْظَمُكَ^٢ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ هود: ٤٦

٤- ﴿... وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضلاً...﴾ الْبَقَرَةَ: ٢٦٨

٥- ﴿قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾ طه: ٦٨

٢- أَعْظَمُ: پند می دهم

١- اسْتَجَابُوا: اجابت کردند

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): اكْمِلْ صَرْفَ الْأَفْعَالِ فِي الْجَدَاوِلِ التَّالِيَةِ. (تَمْرِينٌ لِلْبَيْتِ)

الجدول الثاني قام: ايستاد

الأمر	المضارع	الماضي	الصيغة
	يَقُوم	قَام	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَقُوم	قَام	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَقُوم	قَام	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	تَقُوم	قَام	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ
	تَقُوم	قَام	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ
	تَقُوم	قُم	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
قُوم	تَقُوم	قُم	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
	تَقُوم	قُم	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
قُوم	تَقُوم	قُم	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ
قُوم	تَقُوم	قُم	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ
		قُم	الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ
	أَقُوم	قُم	الْمُتَكَلِّمٌ وَحْدَهُ
		قُم	الْمُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ

الجدول الأول وجد: يافت

الأمر	المضارع	الماضي	الصيغة
	يَجِد	وَجَد	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَجِد	وَجَد	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَجِد	وَجَد	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	تَجِد	وَجَد	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ
	تَجِد	وَجَد	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ
	يَجِد	وَجَد	الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ
	تَجِد	وَجَد	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
جِد	تَجِد	وَجَد	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
	تَجِد	وَجَد	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
جِد	تَجِد	وَجَد	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ
جِد	تَجِد	وَجَد	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ
		وَجَد	الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ
	أَجِد	وَجَد	الْمُتَكَلِّمٌ وَحْدَهُ
		وَجَد	الْمُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ

الجدول الرابع نام: خوابيد

الأمر	المضارع	الماضي	الصيغة
	يَنَام	نَام	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَنَام	نَام	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَنَام	نَام	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	تَنَام	نَام	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ
	تَنَام	نَام	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ
	تَنَام	نِم	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
نَام	تَنَام	نِم	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
	تَنَام	نِم	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
نَام	تَنَام	نِم	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ
نَام	تَنَام	نِم	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ
		نِم	الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ
		نِم	الْمُتَكَلِّمٌ وَحْدَهُ
	نَنَام	نِم	الْمُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ

الجدول الثالث: غاب: نهان شد

الأمر	المضارع	الماضي	الصيغة
	يَغِيب	غَاب	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَغِيب	غَاب	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَغِيب	غَاب	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	تَغِيب	غَاب	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ
	تَغِيب	غَاب	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ
	تَغِيب	غِب	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
غِيب	تَغِيب	غِب	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
	تَغِيب	غِب	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
غِيب	تَغِيب	غِب	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ
غِيب	تَغِيب	غِب	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ
		غِب	الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ
		غِب	الْمُتَكَلِّمٌ وَحْدَهُ
	تَغِيب	غِب	الْمُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ

الجدول الخامس استراح: أسود

الأمر	المضارع	الماضي	الصيغة
	يَسْتَرِيح	اِسْتَرَاَحَ	الْمُفْرَدُ الْمَدْكُرُ الْغَائِبُ
	يَسْتَرِيح	اِسْتَرَاَحَ	الْمُنْثَى الْمَدْكُرُ الْغَائِبُ
	يَسْتَرِيح	اِسْتَرَاَحَ	الْجَمْعُ الْمَدْكُرُ الْغَائِبُ
	تَسْتَرِيح	اِسْتَرَاَحَ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُ الْغَائِبُ
	تَسْتَرِيح	اِسْتَرَاَحَ	الْمُنْثَى الْمَوْثُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَوْثُ الْغَائِبُ
	تَسْتَرِيح	اِسْتَرَاَحَ	الْمُفْرَدُ الْمَدْكُرُ الْمُخَاطَبُ
اِسْتَرِيح	تَسْتَرِيح	اِسْتَرَاَحَ	الْمُنْثَى الْمَدْكُرُ الْمُخَاطَبُ
	تَسْتَرِيح	اِسْتَرَاَحَ	الْجَمْعُ الْمَدْكُرُ الْمُخَاطَبُ
اِسْتَرِيح	تَسْتَرِيح	اِسْتَرَاَحَ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ
اِسْتَرِيح	تَسْتَرِيح	اِسْتَرَاَحَ	الْمُنْثَى الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ
		اِسْتَرَاَحَ	الْجَمْعُ الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ
	اَسْتَرِيح	اِسْتَرَاَحَ	الْمُتَكَلِّمٌ وَحْدَهُ
	نَسْتَرِيح		الْمُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ

الجدول السادس أجاب: پاسخ داد

الأمر	المضارع	الماضي	الصيغة
	يُجِيب	أَجَابَ	الْمُفْرَدُ الْمَدْكُرُ الْغَائِبُ
	يُجِيب	أَجَابَ	الْمُنْثَى الْمَدْكُرُ الْغَائِبُ
	يُجِيب	أَجَابَ	الْجَمْعُ الْمَدْكُرُ الْغَائِبُ
	تُجِيب	أَجَابَ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُ الْغَائِبُ
	تُجِيب	أَجَابَ	الْمُنْثَى الْمَوْثُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَوْثُ الْغَائِبُ
	تُجِيب	أَجَبُ	الْمُفْرَدُ الْمَدْكُرُ الْمُخَاطَبُ
أَجِيب	تُجِيب	أَجَبُ	الْمُنْثَى الْمَدْكُرُ الْمُخَاطَبُ
	تُجِيب	أَجَبُ	الْجَمْعُ الْمَدْكُرُ الْمُخَاطَبُ
أَجِيب	تُجِيب	أَجَبُ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ
أَجِيب	تُجِيب	أَجَبُ	الْمُنْثَى الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ
		أَجَبُ	الْجَمْعُ الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ
		أَجَبُ	الْمُتَكَلِّمٌ وَحْدَهُ
	تُجِيب	أَجَبُ	الْمُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ

الجدول السابع إختار: برگزید

الأمر	المضارع	الماضي	الصيغة
	يَخْتَارُ	اِخْتَارَ	الْمُفْرَدُ الْمَدْكُرُ الْغَائِبُ
	يَخْتَارُ	اِخْتَارَ	الْمُنْثَى الْمَدْكُرُ الْغَائِبُ
	يَخْتَارُ	اِخْتَارَ	الْجَمْعُ الْمَدْكُرُ الْغَائِبُ
	تَخْتَارُ	اِخْتَارَ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُ الْغَائِبُ
	تَخْتَارُ	اِخْتَارَ	الْمُنْثَى الْمَوْثُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَوْثُ الْغَائِبُ
	تَخْتَارُ	اِخْتَارَ	الْمُفْرَدُ الْمَدْكُرُ الْمُخَاطَبُ
اِخْتَارْ	تَخْتَارُ	اِخْتَارَ	الْمُنْثَى الْمَدْكُرُ الْمُخَاطَبُ
	تَخْتَارُ	اِخْتَارَ	الْجَمْعُ الْمَدْكُرُ الْمُخَاطَبُ
اِخْتَارْ	تَخْتَارُ	اِخْتَارَ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ
اِخْتَارْ	تَخْتَارُ	اِخْتَارَ	الْمُنْثَى الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ
		اِخْتَارَ	الْجَمْعُ الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ
	اِخْتَارْ		الْمُتَكَلِّمٌ وَحْدَهُ
	اِخْتَارْ		الْمُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ

الجدول الثامن إنقاد: رام و فرمانبردار شد

الأمر	المضارع	الماضي	الصيغة
	يَنْقَادُ	اِنْقَادَ	الْمُفْرَدُ الْمَدْكُرُ الْغَائِبُ
	يَنْقَادُ	اِنْقَادَ	الْمُنْثَى الْمَدْكُرُ الْغَائِبُ
	يَنْقَادُ	اِنْقَادَ	الْجَمْعُ الْمَدْكُرُ الْغَائِبُ
	تَنْقَادُ	اِنْقَادَ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُ الْغَائِبُ
	تَنْقَادُ	اِنْقَادَ	الْمُنْثَى الْمَوْثُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَوْثُ الْغَائِبُ
	تَنْقَادُ	اِنْقَادَ	الْمُفْرَدُ الْمَدْكُرُ الْمُخَاطَبُ
اِنْقَادْ	تَنْقَادُ	اِنْقَادَ	الْمُنْثَى الْمَدْكُرُ الْمُخَاطَبُ
	تَنْقَادُ	اِنْقَادَ	الْجَمْعُ الْمَدْكُرُ الْمُخَاطَبُ
اِنْقَادْ	تَنْقَادُ	اِنْقَادَ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ
اِنْقَادْ	تَنْقَادُ	اِنْقَادَ	الْمُنْثَى الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ
		اِنْقَادَ	الْجَمْعُ الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ
		اِنْقَادَ	الْمُتَكَلِّمٌ وَحْدَهُ
	نَنْقَادْ		الْمُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ

التمرين الأول: أِي كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الأَرْضِ تَقْرِيْباً.
- ٢- التَّجْمُعُ وَالدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ.
- ٣- الَّذِي يُعْطِيهِ اللهُ عُمْراً طَوِيلاً.
- ٤- الَّذِي يَعْمَلُ فِي المَزْرَعَةِ.
- ٥- صِفَاتٌ أَحَدٌ أَوْ شَيْءٍ.

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ المَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ^١ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ^٢، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا^٣ فَلْيَغْرِسْهَا. رَسُولُ اللهِ ﷺ

(الْفِعْلُ وَصِيغَتُهُ وَنَوْعُهُ: مُعْتَلٌّ أَمْ صَحِيحٌ؟)

٢- مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعاً أَوْ يَغْرِسُ عَرْساً^٤ فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

(الْجَارُ وَالمَجْرُورُ، وَاسْمُ الفَاعِلِ، وَالفِعْلُ المَاضِي الأَجُوفَ)

٣- مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ عَرْساً إِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ مِنَ الأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ العَرْسِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

(الْفِعْلُ المَاضِي وَصِيغَتُهُ وَنَوْعُهُ: مُعْتَلٌّ أَمْ صَحِيحٌ؟)

٤- سُئِلَ النَّبِيُّ ﷺ: أَيُّ المَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعُ زَرْعِهِ صَاحِبُهُ. (الْفِعْلُ المَجْهُولُ وَنَوْعُ نَائِبِ الفَاعِلِ، وَالفَاعِلُ)

٤- لِيَغْرِسَ: بَابُ بَكَارَدٍ

٣- حَتَّى يَغْرِسَ: تَابُ بَكَارَدٍ

٢- الأَفْسِيلَةُ: نَهَالٌ

١- السَّاعَةُ: قِيَامَتٌ

٥- مَا مِنْ: هِيَجٌ ... نَيْسَتْ

٦- العَرْسُ: نَهَالٌ

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمُعْتَلَّةَ (الْمِثَالُ وَالْأَجُوفَ) وَ اَكْتُبْ صِيغَتَهَا.

۱- ﴿إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾ الْمَائِدَة: ۲۸

۲- ﴿... فَاعْبُدْنِي وَاقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ طه: ۱۴

۳- ﴿الَّذِينَ يَرْتُؤْنَ^۱ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ۱۱

۴- ﴿رَبِّ هَبْ^۲ لِي حُكْمًا وَالْحِقْنِي^۳ بِالصَّالِحِينَ﴾ الشُّعْرَاء: ۸۳

۵- ﴿يَعْظَمُكُمْ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ النُّور: ۱۷

۶- ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا^۴ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ﴾ الْأَحْقَاف: ۱۳

۱- يَرْتُؤْنَ: به ارث می‌برند ۲- هَبْ: ببخش ۳- الْحِقْ: پیوند بده ۴- اسْتَقَامُوا: پایداری کردند

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ «الْفِعْلَ الصَّحِيحَ» فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١- نَحْنُ أَرَدْنَا أَنَا أَعْظَمُكُمْ كُنْ أَنْتَ هُنَا هِيَ أَلْحَقْتُ
- ٢- أَنْتُمْ اسْتَطَعْتُمْ إِنَّهُ يَغْرِسُ أَنْتَ تَسْتَعِينُ لَا تَخَافُوا أَنْتُمْ
- ٣- هُمْ يُعِينُونَ هُنَّ يُصَدِّقْنَ أَجِيبِي أَنْتِ قِفْ فِي مَكَانِكَ
- ٤- إِنَّكُمْ أَوْصَلْتُمَاهُ صَارَتْ جَاهِزَةً هُمَا إِعْتَذَرْتَا هُمْ وَقَعُوا
- ٥- يَغْرِسُونَ فَسَيْلَةً هُمَا وَعَدَا أَصَعْتَ وَفَتَكَ صَعُ فِي الْفَرَاغِ



اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَن نَّصِّ حَوْلَ اَهْمِيَّةِ زِرَاعَةِ الْاَشْجَارِ وَ اَكْتُبْهُ مُسْتَعِينًا بِصُورٍ مُنَاسِبَةٍ.







الإنسانُ بِكُلِّ لِسَانٍ إنسانٌ.

انسان با [دانستن] هر زبان [جدیدی] یک انسان است.



نَعُدُّ الدُّكْتُورَةَ «آته ماري شيميل» مِنْ أَشْهَرِ الْمُسْتَشْرِقِينَ.
 وُلِدَتْ فِي «أَلْمَانِيَا» وَ كَانَتْ مُنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ
 مَا يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ وَ مُعْجَبَةً بِإِيرَانَ. كَانَ عُمُرُهَا خَمْسَةَ
 عَشَرَ عَامًا حِينَ بَدَأَتْ بِدِرَاسَةِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. حَصَلَتْ عَلَى

شَهَادَةِ الدُّكْتُورَاهِ فِي الفَلْسَفَةِ وَ الدِّرَاسَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ هِيَ فِي التَّاسِعَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهَا؛
 تَعَلَّمَتِ اللُّغَةَ التُّرْكِيَّةَ وَ دَرَسَتْ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ.

كَانَتْ شِيمِيلُ تَدْعُو الْعَالَمَ الْعَرَبِيَّ الْمَسِيحِيَّ لِقَهْمِ حَقَائِقِ الدِّينِ الْإِسْلَامِيِّ وَ الْإِطْلَاقِ
 عَلَيْهِ. وَ هَذَا الْعَمَلُ رَفَعَ شَأْنَهَا فِي جَامِعَاتِ الدُّوَلِ الْإِسْلَامِيَّةِ، فَحَصَلَتْ عَلَى دُكْتُورَاهِ فَخْرِيَّةٍ
 مِنْ جَامِعَاتِ السُّنْدِ وَإِسْلَامْ آبَادِ وَ بِيشَاوَرِ وَ قُونِيَّةِ وَ طَهْرَانَ.

إِنَّمَا تَعَلَّمَتْ لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الْفَارْسِيَّةُ وَ الْعَرَبِيَّةُ وَ التُّرْكِيَّةُ وَ الْإِنْجِلِيزِيَّةُ وَ الْفَرَنْسِيَّةُ وَ
 الْأُرْدِيَّةُ؛ وَ كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضِرَاتٍ بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ. فَهِيَ كَانَتْ مِثَالًا لِهَذِهِ الْعِبَارَةِ :

«الْإِنْسَانُ بِكُلِّ لِسَانٍ إِنْسَانٌ»

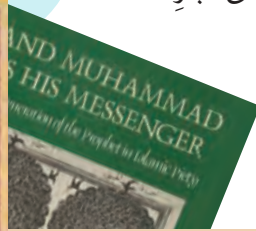
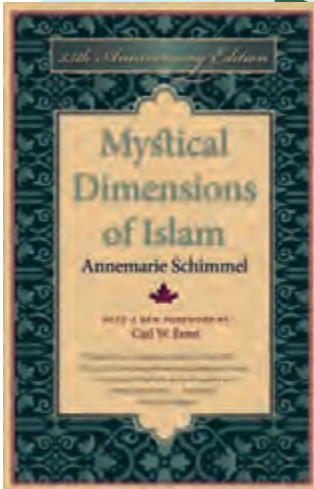
أَلَفَتْ شِيمِيلُ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ وَ مَقَالَةٍ مِنْهَا كِتَابٌ حَوْلَ شَخْصِيَّةِ جَلَالِ الدِّينِ الرُّومِيِّ.

هي كانت تُحِبُّ العَيْشَ في الشَّرْقِ، لِذَلِكَ دَرَسَتْ مُدَّةً طَوِيلَةً في الهِنْدِ وَ بَاكِسْتَانِ، وَ دَرَسَتْ كَذَلِكَ مَا يُقَارِبُ حَمْسَةَ وَ عِشْرِينَ عَامًا في جَامِعَةِ هَارْفَارْدِ.

قَبْلَ وَفَاتِهَا أَوْصَتْ شَيْمِلَ زُمْلَاءَهَا أَنْ يُشْكَلُوا فَرِيقًا لِجَوَارِ الدِّينِيِّ وَ الثَّقَافِيِّ يَكُونُ هَدْفُهُ الأَعْلَى «مَدَّ جُسُورِ الصَّدَاقَةِ وَ التَّفَاهُجِ بَيْنَ أوروْبَا وَ العَالَمِ الإِسْلَامِيِّ» وَ «الِاتِّحَادَ بَيْنَ الحَضَارَاتِ».

أَشَارَتْ شَيْمِلَ في إِحْدَى مُقَابَلَاتِهَا إِلَى الأَدْعِيَةِ الإِسْلَامِيَّةِ وَ قَالَتْ:
«أَنَا أَقْرَأُ الأَدْعِيَةَ وَ الأحَادِيثَ الإِسْلَامِيَّةَ بِاللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ وَ لَا أَرَا جُزْءَ تَرْجَمَتِهَا».

هي أَوْصَتْ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الحَدِيثُ عَلَيَّ قَبْرِهَا:



«الْتَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا».
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

أُرْدِيَّة : اردو

أَشَارَ : اشاره کرد (مضارع: يُشِيرُ)

أَلْقَى : انداخت (مضارع: يُلْقِي)

كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضِرَةً: سخنرانی می کرد

إِنْجِلِيزِيَّة : انگلیسی

أَنْقَرَةَ : آنکارا

أَوْصَى : سفارش کرد (مضارع: يوصي)

تَقَافِي : فرهنگی «تَقَافَة: فرهنگ»

حَصَلَ عَلَيَّ: به دست آورد

(مضارع: يَحْصُلُ)

حَضَارَةٌ : تمدن

دُكْتَوْرَاه : دکترا

شَكَّلَ : تشکیل داد (مضارع: يُشَكِّلُ)

شَهَادَةٌ : مدرک

عَدَّ : به شمار آورد، شمرد

(مضارع: يُعَدُّ)

فَخْرِيَّة : افتخاری

فَرَنْسِيَّة : فرانسوی

قَارَبَ : نزدیک شد

«ما يُقَارِبُ: نزدیک به»

مُحَاضِرَةٌ : سخنرانی

مَدَّ : کشیدن، گسترش

مُسْتَشْرِقٍ : خاورشناس

مُعْجَبَةٌ بِ: شیفته (أَعْجَبَ، يُعْجَبُ)

مُقَابَلَةٌ : مصاحبه

مُنْدُ : از هنگام

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- بِأَيِّ لُغَةٍ كَانَتْ شَيْمِلُ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ؟

۲- أَيُّ حَدِيثٍ كُتِبَ عَلَى قَبْرِ شَيْمِلِ؟

۳- كَمْ كِتَابًا وَ مَقَالَةً أَلَفَتْ شَيْمِلُ؟

۴- بِمَاذَا أَوْصَتْ شَيْمِلُ زُمَّلَاءَهَا؟

۵- أَيْنَ وُلِدَتْ شَيْمِلُ؟

اعلموا

الأفعال المعتلة (٢)

■ سَتَتَعَلَّمُ فِي هَذَا الدَّرْسِ «الْفِعْلُ الْمُعْتَلُّ النَّاقِصُ» وَهُوَ مَا كَانَ ثَالِثَ حُرُوفِهِ الْأَصْلِيَّةِ (لَامِ الْفِعْلِ) حَرْفَ عِلَّةٍ. أَنْظِرْ إِلَى الْفِعْلِ الْمَاضِي وَالْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ لِهَذَا الْفِعْلِ نَظْرًا دَقِيقًا وَتَرَجُّمَهُ.

هَدَى، يَهْدِي، إهْدِ بَكَى، يَبْكِي، ابْكِ شَفَى، يَشْفِي، اشْفِ مَشَى، يَمْشِي، امْشِ

نَهَى، يَنْهَى، إِنْهَ سَعَى، يَسْعَى، اسْعَ رَعَى، يَرَعَى، ارْعَ طَغَى، يَطْغَى، اطْغَ

رَجَا، يَرْجُو، ارْجُ تَلَا، يَتْلُو، اتْلُ عَفَا، يَعْفُو، اُعْفُ دَعَا، يَدْعُو، ادْعُ

نَسِيَ، يَنْسَى، انْسَ حَشِيَ، يَحْشَى، احْشَ رَضِيَ، يَرْضَى، ارْضَ بَقِيَ، يَبْقَى، ابْقَ

يُكْتَبُ الْفِعْلُ مِثْلَ «هَدَى» وَ «نَهَى» بِصُورَةٍ أُخْرَى وَهِيَ «هَدَى» وَ «نَهَى». أَنْظِرْ إِلَى تَصْرِيفِ الْفِعْلِ الْمَاضِي وَالْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ لِلْفِعْلِ الْمُعْتَلِّ النَّاقِصِ «مَشَى، يَمْشِي» نَظْرًا دَقِيقًا؛ ثُمَّ اجِبْ عَن هَذَا السُّؤَالِ. مَا هُوَ نَوْعُ التَّغْيِيرِ الَّذِي يَحْصُلُ فِي الْأَفْعَالِ الْمَلَوَّنَةِ؟

الأمر	المضارع	الماضي	الصيغة
	يَمْشِي	مَشَى	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَمْشِيَانِ	مَشَيَا	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَمْشُونَ	مَشَوْا	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	تَمْشِي	مَشَتْ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوتُ الْغَائِبُ
	تَمْشِيَانِ	مَشَتَا	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوتُ الْغَائِبُ
	يَمْشِينَ	مَشَيْنَ	الْجَمْعُ الْمَوْثُوتُ الْغَائِبُ
امْشِ	تَمْشِي	مَشَيْتَ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
امْشِيَا	تَمْشِيَانِ	مَشَيْتُمَا	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
امْشُوا	تَمْشُونَ	مَشَيْتُمْ	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
امْشِي	تَمْشِينَ	مَشَيْتِ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوتُ الْمُخَاطَبُ
امْشِيَا	تَمْشِيَانِ	مَشَيْتُمَا	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُوتُ الْمُخَاطَبُ
امْشِينَ	تَمْشِينَ	مَشَيْتُنَّ	الْجَمْعُ الْمَوْثُوتُ الْمُخَاطَبُ
	أَمْشِي	مَشَيْتُ	الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ
	نَمْشِي	مَشَيْنَا	الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ

بَعْدَ هَذَا التَّصْرِيفِ، عَلَيْكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ الْمَاضِيَ وَالْمُضَارِعَ وَالْأَمْرَ لِلْفِعْلِ الْمُعْتَلِّ النَّاقِصِ مِنَ الثَّلَاثِيِّ الْمَزِيدِ بِأَوْزَانِهِ الْمُخْتَلِفَةِ (أَبْوَابِهِ الْمُخْتَلِفَةِ) تَتَصَرَّفُ مِثْلَ الْمَاضِي وَالْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ مِنَ الثَّلَاثِيِّ الْمَجْرَدِ «مَشَى» وَ لَا تَخْتَلِفُ عَنْهُ شَيْئاً (بِاسْتِثْنَاءِ بَابِ تَفَعَّلَ وَتَفَاعَلَ)؛ مِثْلُ:

أَنَّهُ، يَنْهَى، أَنَّهُ (إِفْعَال) اهْتَدَى، يَهْتَدِي، اهْتَدَى (اِفْتِعَال)
 مَشَى، يَمْشِي، امْشِ اسْتَدَعَى، يَسْتَدْعِي، اسْتَدْعِ (اسْتِفْعَال) انْقَضَى، يَنْقُضِي، انْقَضِ (اِنْفِعَال)
 عَدَى، يُعَدِّي، عَدَّ (تَفْعِيل) نَادَى، يُنَادِي، نَادَ (مُفَاعَلَةٌ)

أُنْظِرْ إِلَى تَصْرِيفِ الْمَاضِي وَالْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ لِلْفِعْلِ الْمُعْتَلِّ النَّاقِصِ «نَهَى، يَنْهَى» نَظْرًا دَقِيقًا ثُمَّ أَجِبْ عَن هَذَا السُّؤَالِ. مَا هُوَ نَوْعُ التَّغْيِيرِ الَّذِي يَحْصُلُ فِي الْأَفْعَالِ الْمَلَوْنَةِ؟

الضَّيْعَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ	الْأَمْرُ
الْمَفْرُودُ الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	نَهَى	يَنْهَى	
الْمُتَنَّى الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	نَهَيَا	يَنْهَيَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	نَهَوْا	يَنْهَوْنَ	
الْمَفْرُودُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	نَهَتْ	تَنْهَى	
الْمُتَنَّى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	نَهَتَا	تَنْهَيَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	نَهَيْنَ	يَنْهَيْنَ	
الْمَفْرُودُ الْمَذْكَرُ الْمُخَاطَبُ	نَهَيْتَ	تَنْهَى	إِنَّهَ
الْمُتَنَّى الْمَذْكَرُ الْمُخَاطَبُ	نَهَيْتُمَا	تَنْهَيَانِ	إِنْهَيَا
الْجَمْعُ الْمَذْكَرُ الْمُخَاطَبُ	نَهَيْتُمْ	تَنْهَوْنَ	إِنْهَوْا
الْمَفْرُودُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	نَهَيْتَ	تَنْهَيْنَ	إِنْهَيْ
الْمُتَنَّى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	نَهَيْتُمَا	تَنْهَيَانِ	إِنْهَيَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	نَهَيْتُمْ	تَنْهَيْنَ	إِنْهَيْنَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	نَهَيْتَ	أَنْهَى	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	نَهَيْنَا	تَنْهَى	

فَائِدَةٌ: اِعْلَمْ أَنَّ الْمَاضِيَ وَالْمُضَارِعَ وَالْأَمْرَ مِنْ بَابِ تَفَعَّلَ وَتَفَاعَلَ تَتَصَرَّفُ مِثْلَمَا يَتَصَرَّفُ الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَجْرَدُ «نَهَى، يَنْهَى» وَلَا تَخْتَلِفُ عَنْهُ شَيْئاً؛ مِثْلُ:

(نَهَى، يَنْهَى، إِنَّهَ)، (تَعَدَى، يَتَعَدَّى، تَعَدَّ) «تَفَعَّلَ»، (تَعَالَى، يَتَعَالَى، تَعَالَ) «تَفَاعَلَ»

تَعَدَى، تَعَدِيَا، تَعَدَّوْا، تَعَدَّتْ، تَعَدَّتَا، تَعَدَّيْنِ، تَعَدَّيْتَ، تَعَدَّيْتُمَا، تَعَدَّيْتُمْ، تَعَدَّيْتَ، تَعَدَّيْتُمَا، تَعَدَّيْتُنَّ، تَعَدَّيْتُ، تَعَدَّيْنَا
يَتَعَدَى، يَتَعَدَّيَانِ، يَتَعَدَّدُونَ، تَتَعَدَّى، تَتَعَدَّيَانِ، تَتَعَدَّدُونَ، تَتَعَدَّيْنِ، تَتَعَدَّيَانِ، تَتَعَدَّيْنِ، أَنْتَعَدَى، نَتَعَدَى

تَعَدَّ، تَعَدَّيَا، تَعَدَّدُوا، تَعَدَّيْ، تَعَدَّيَا، تَعَدَّيْنِ

تَعَالَى، تَعَالِيَا، تَعَالَوْا، تَعَالَتْ، تَعَالَتَا، تَعَالَيْنِ، تَعَالَيْتِ، تَعَالَيْتُمَا، تَعَالَيْتُمْ، تَعَالَيْتِ، تَعَالَيْتُمَا، تَعَالَيْتُنَّ، تَعَالَيْتُ، تَعَالَيْنَا
يَتَعَالَى، يَتَعَالَيَانِ، يَتَعَالَوْنَ، تَتَعَالَى، تَتَعَالَيَانِ، تَتَعَالَوْنَ، تَتَعَالَيْنِ، تَتَعَالَيَانِ، تَتَعَالَيْنِ، أَنْتَعَالَى، نَتَعَالَى

تَعَال، تَعَالِيَا، تَعَالَوْا، تَعَالِي، تَعَالِيَا، تَعَالَيْنِ

وَالآنَ انظُرْ إِلَى تَصْرِيْفِ الْمَاضِي وَالْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ لِلْفِعْلِ الْمُعْتَلِّ النَّاقِصِ «رَجَا، يَرْجُو» نَظْرًا دَقِيقًا؛ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِيِ.

ما هُوَ تَوْعُّ التَّغْيِيرِ الَّذِي يَحْصُلُ فِي الْأَفْعَالِ الْمُلوَّنَةِ؟

الصِّيغَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ	الْأَمْرُ
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	رَجَا	يَرْجُو	
الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	رَجَوَا	يَرْجَوَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	رَجَوْا	يَرْجُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ	رَجَعْتُ	تَرْجُو	
الْمُثَنَّى الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ	رَجَعْنَا	تَرْجَوَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ	رَجَعُوا	يَرْجُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمَخَاطَبُ	رَجَوْتَ	تَرْجُو	أَرْجُ
الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمَخَاطَبُ	رَجَوْتُمَا	تَرْجَوَانِ	أَرْجُوا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمَخَاطَبُ	رَجَوْتُمْ	تَرْجُونَ	أَرْجُوا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثِقُ الْمَخَاطَبُ	رَجَوْتُ	تَرْجِينِ	أَرْجِي
الْمُثَنَّى الْمَوْثِقُ الْمَخَاطَبُ	رَجَوْتُمَا	تَرْجَوَانِ	أَرْجُوا
الْجَمْعُ الْمَوْثِقُ الْمَخَاطَبُ	رَجَوْتُمْ	تَرْجُونَ	أَرْجُونَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	رَجَوْتُ	أَرْجُو	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	رَجَوْنَا	نَرْجُو	

إِعْلَمْ أَنَّ الْأَفْعَالَ الْمَاضِيَةَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَجْرَدَةَ الْمَخْتَوِمَةَ بِالْأَلِفِ مِثْلَ «دَعَا» وَ «رَجَا» تُبَدَّلُ أَلْفُهَا وَاوًا حِينَ التَّصْرِيْفِ وَتَحْتَمُّ بِأَوَا فِي الْمُضَارِعِ؛ نَحْوُ: «يَدْعُو» وَ «يَرْجُو»؛ كَمَا رَأَيْتَ فِي جَدْوَلِ تَصْرِيْفِهِ.

وَالآنَ انظُرْ إِلَى تَصْرِيفِ الْمَاضِي وَالْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ لِلْفِعْلِ النَاقِصِ «نَسِيَ، يَنْسَى»
 نَظْرًا دَقِيقًا ثُمَّ أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِي.
 مَا هُوَ نَوْعُ التَّغْيِيرِ الَّذِي يَحْصُلُ فِي الْأَفْعَالِ الْمَلُونَةِ؟

الضَّيْعَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِعِ	الْأَمْرُ
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	نَسِيَ	يَنْسَى	
الْمُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	نَسِيَا	يُنْسَيَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	نَسَوْا	يُنْسَوْنَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ	نَسِيَتْ	تَنْسَى	
الْمُتَنَّى الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ	نَسِيْتَا	تَنْسَيَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ	نَسِيْنَّ	يُنْسِيْنَ	
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	نَسَيْتَ	تَنْسَى	اِنْسَ
الْمُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	نَسَيْتُمَا	تَنْسَيَانِ	اِنْسِيَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	نَسَيْتُمْ	تَنْسَوْنَ	اِنْسُوا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ	نَسَيْتِ	تَنْسِينَ	اِنْسِي
الْمُتَنَّى الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ	نَسَيْتُمَا	تَنْسَيَانِ	اِنْسِيَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ	نَسَيْتُنَّ	تَنْسِيْنَ	اِنْسِيْنَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	نَسَيْتُ	أَنْسَى	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	نَسِينَا	نَنْسَى	

فَائِدَةٌ: اِعْلَمْ أَنَّ مَصَدَرَ بَابِ تَفْعِيلٍ لِلْفِعْلِ النَاقِصِ يَكُونُ عَلَى وَزْنِ «تَفْعِلَةٌ» ؛ نَحْوُ:
 (عَدَى، يُعَدِّي، تَعْدِيَةٌ) / (رَبَّى، يُرَبِّي، تَرْبِيَةٌ) / (رَكَّى، يُرَكِّي، تَرْكِيَةٌ) / (قَوَّى، يُقَوِّي، تَقْوِيَةٌ)

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): كَمَّلْ صَرْفَ الْأَفْعَالِ فِي الْجَدَاوِلِ التَّالِيَةِ. (تَمْرِينٌ لِلْبَيْتِ)

السَّعَى: كَوْشِيدِ الْجَدْوَلُ الثَّانِي

الْمُرَادُ	الْمُضَارِعُ	الْمَاضِي	الصِّغَةُ
	يَسْعَى	سَعَى	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
			الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	تَسْعَى		الْمُفْرَدُ الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ
	تَسْعِي		الْمُنْتَنَى الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ
	تَسْعَى	سَعَيْ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
	تَسْعِي	سَعَيْ	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
	تَسْعِي	سَعَيْ	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
	تَسْعَى	سَعَيْ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ
	تَسْعِي	سَعَيْ	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ
		سَعَيْ	الْجَمْعُ الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ
		سَعَيْ	الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ
	تَسْعَى	سَعَيْ	الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ

هَدَى: رَاهِنَمَائِي كَرْدِ الْجَدْوَلُ الْأَوَّلُ

الْمُرَادُ	الْمُضَارِعُ	الْمَاضِي	الصِّغَةُ
	يَهْدِي	هَدَى	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَهْدِي		الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	تَهْدِي		الْمُفْرَدُ الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ
	تَهْدِي		الْمُنْتَنَى الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ
	يَهْدِي		الْجَمْعُ الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ
	تَهْدِي	هَدَيْ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
إِهْدِيَا	تَهْدِي	هَدَيْ	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
		هَدَيْ	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
	هَدَيْ	هَدَيْ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ
إِهْدِيَا	تَهْدِي	هَدَيْ	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ
إِهْدِيْنَ		هَدَيْ	الْجَمْعُ الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ
	أَهْدِي	هَدَيْ	الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ
		هَدَيْ	الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ

رَضِيَ: خَسَنُودِ شَدِ الْجَدْوَلُ الرَّابِعُ

الْمُرَادُ	الْمُضَارِعُ	الْمَاضِي	الصِّغَةُ
	يَرْضَى	رَضِيَ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
			الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	تَرْضَى	رَضِي	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ
	تَرْضِي	رَضِي	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ
	تَرْضَى	رَضِي	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
إِرْضِيَا		رَضِي	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
		رَضِي	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
		رَضِي	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ
إِرْضِيَا	تَرْضِيَانِ	رَضِي	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ
إِرْضِيْنَ		رَضِي	الْجَمْعُ الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ
	أَرْضَى	رَضِي	الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ
		رَضِي	الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ

دَعَا: فَرَا خَوَانِدِ الْجَدْوَلُ الثَّلَاثُ

الْمُرَادُ	الْمُضَارِعُ	الْمَاضِي	الصِّغَةُ
	يَدْعُو	دَعَا	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَدْعُو		الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	تَدْعُو		الْمُفْرَدُ الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ
			الْمُنْتَنَى الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ
			الْجَمْعُ الْمَوْثُتُ الْغَائِبُ
	تَدْعُو	دَعَا	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
	تَدْعُو	دَعَا	الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
		دَعَا	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
	تَدْعُو	دَعَا	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ
أَدْعُوا	تَدْعُو	دَعَا	الْمُنْتَنَى الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ
		دَعَا	الْجَمْعُ الْمَوْثُتُ الْمُخَاطَبُ
		دَعَا	الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ
	نَدْعُو	دَعَا	الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ

فائدة: اعلم أنّ صَمَّةَ عَيْنِ الْفِعْلِ فِي مَصَدَرِ بَابِ تَفَعَّلَ وَ تَفَاعَلَ مِنَ الْفِعْلِ النَّاقِصِ تَصِيرُ كَسْرَةً؛ نَحْوُ:

ماضى: تَجَلَّى مضارع: يَتَجَلَّى مصدر: تَجَلَّى (تَجَلَّى) امر: تَجَلَّ
ماضى: تَسَاوَى مضارع: يَتَسَاوَى مصدر: تَسَاوَى (تَسَاوَى) امر: تَسَاوَا

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الْمُعْتَلَّةِ وَصَيِّغَتْهَا.

١- ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ...﴾ آل عمران: ١١٠

٢- ﴿... فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ﴾ النساء: ٧٧

٣- ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾ آل عمران: ٦٤

٤- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ^٣ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ البقرة: ٤٤

٥- ﴿جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ^٤ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ^٥﴾ نوح: ٧

٦- ﴿وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا^٦﴾ النور: ٤٧

١- كُتِبَ عَلَى: واجب شد ٢- الْخَشْيَةُ: ترس ٣- الْبِرُّ: نيكي
٤- الْأَصَابِعُ: انگشتان «مفرد: الإصْبَع» ٥- الثِّيَابُ: جامهها «مفرد: الثَّوب» ٦- أَطَعْنَا: اطاعت كرديم

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ.

- ١- كَانَتْ شِيمِلُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ مَا يَتَعَلَّقُ بِالشَّرْقِ وَ مُعْجَبَةً بِإِيرَانَ.
- ٢- أَلدُّكُنُورَاهُ هِيَ شَهَادَةٌ تُعْطَى لِشَخْصٍ تَقْدِيرًا لِجُهُودِهِ فِي مَجَالٍ مُعَيَّنٍ.
- ٣- إِنَّ ثَانِي أَكْبَرَ مَدِينَةٍ فِي تُرْكِيَا بَعْدَ إِسْطَنْبُولِ.
- ٤- الشَّعْبُ الْبَاكِسْتَانِيُّ يَتَكَلَّمُ بِاللُّغَةِ
- ٥- اللَّغَةُ الرَّسْمِيَّةُ فِي بَرِيْطَانِيَا

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْعِبْرَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُعْتَلَّ النَّاقِصَ.

١- ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾

آلِ عِمْرَانَ: ١٠٤

٢- ﴿وَيُزَكِّيهِمْ^١ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ١٦٤

٣- اَللّهُمَّ اَقْضِ^٢ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ.

٤- اَللّهُمَّ اَشْفِ^٣ كُلَّ مَرِيضٍ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: اِخْتَرِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ.

- ١- اَطَّلَبَاتُ فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ اَمْسِ.
 مَشَوْا مَسَيْنَ مَسْنَا مَشَيْتُنَّ
- ٢- مِنْ فَضْلِكَ، لَا شَيْئًا لَاتَعْرِفُ سَعْرَهُ.
 اَشْتَرِي تَشْتَرُوا تَشْتَرِي تَشْتَرِ
- ٣- لِمَاذَا اَنْتِ، يَا اُخْتِي الْعَزِيْزَةَ؟
 تَبْكِي يَبْكِي يَبْكِي يَبْكِي
- ٤- لَا عَنِ خُلُقِي، وَتَأْتِي بِمِثْلِهِ.
 تَنْهِي تَنْهَى تَنْهَى اِنَّهْ
- ٥- يَا حَبِيْبَتِي، صَدِيْقَتِكَ الْحَمِيْمَةَ.
 لَا تَنْسَ لَا تَنْسَى لَا تَنْسُوا لَا تَنْسَيْنَ
- ٦- اَيُّهَا الْعُمَّالُ، رَجَاءً، قَلِيْلًا.
 يَسْتَرِيْحُوْنَ اِسْتَرِحْنَ اِسْتَرِيْحُوا اِسْتَرَحْنَنَّ



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ «الْفِعْلَ الصَّحِيحَ» فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١- هُمُ يَسْتَدْعُونَ إِنَّنَا دَرَسْنَا هُوَ يَهْتَدِي رَجَاءً، تَعَالِيَا هُنَا
- ٢- أَحَدَتْ جَائِزَتَهَا لَا تَشْتَرِ شَيْئًا إِنَّهُمْ يَرِضُونَ أَرْجُوكَ، سَاعِدْنِي
- ٣- تَخْشَوْنَ رَبَّكُمْ لَا تَنْسِي أَنْتِ قُولُوا الْحَقَّ إِنَّهُ صَلَّحَهُ
- ٤- أَنْتِ تَنْهَيْنِ لَا تَطْعَمُوا أَنْتُمْ لَا تَصْرُخْ أَنْتِ اسْتَرَضَى حَبِيبَهُ
- ٥- هِيَ دَعَّتْنِي هُمْ قَفَزُوا أَنَا رَجَوْتُهُ أَطِيعُوا اللَّهَ
- ٦- رَجَاءً، لَا تَبِكِ إِنَّهُمْ عَفَوْا اِكْتَفَى بِمَا عِنْدَكَ هُمَا تَكْتُمَانِ

الصحيح

المعتل

المثال

الأجوف

الناقص

السالم

المهموز

المضاعف

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اَكْتُبْ عَنَ أَحَدِ هَؤُلَاءِ الْمُسْتَشْرِقِينَ الَّذِينَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْفَارِسِيَّةَ أَوِ الْعَرَبِيَّةَ.



هانري كوربن (هنري كوربين)

Henry Corbin



رينولد نيكلسون

Reynold Alleyne Nicholson



يوهان غوته

Johann

Wolfgang von Goethe



ولاديمير مينورسكي

Vladimir Minorski



توشي هيكو ايزوتسو

Toshihiko Izutsu



إدوارد براون

Edward Granville Browne

«يوهان غوته» هو أحد أشهر أدباء ألمانيا، والذي ترك إرثاً أدبياً وثقافياً عظيماً للمكتبة العالمية.
«رينولد نيكلسون» هو مستشرق إنجليزي. خبير في التصوف والأدب الفارسي، ويعتبر من أفضل المترجمين
لأشعار جلال الدين الرومي.

«هنري كوربين» فيلسوف ومستشرق فرنسي اهتم بدراسة الإسلام. أسس في فرنسا قسماً لتاريخ إيران.
«إدوارد براون» مستشرق إنجليزي نال شهرة واسعة في الدراسات الشرقية وكان يعرف الفارسية والعربية جيداً.
«توشي هيكو ايزوتسو» أول من ترجم القرآن إلى اللغة اليابانية. وكان يعرف ثلاثين لغة منها الفارسية والعربية.
«فلاديمير مينورسكي» مستشرق روسي. أستاذ في دراسة الفارسية والكرديّة¹.

١- ترجمه متن فوق از اهداف كتاب نيست.





الْعَاشِرُ

الدَّرْسُ الْعَاشِرُ



أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِقَّةٍ وَسَدَادٍ.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مرا با پارسایی، تلاش، پاکدامنی و درستی یاری کنید.



أَمَا بَعْدُ، يَا ابْنَ حُنَيْفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِئْتِهِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْدِيَةٍ
فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا؛

... وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُورٌ وَ غَنِيَّتُهُمْ مَدْعُورٌ.

... أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ؛ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ
اكَتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ.

أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عَقَّةٍ وَ سَدَادٍ.

... هِيَاهُ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَفُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعَمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ

الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّبَعِ، أَوْ أَبِيتَ مِبْطَانًا وَ حَوْلِي بُطُونُ
عَرْتِي وَ أَكْبَادُ حَرَى أَوْ أَكُونُ كَمَا قَالَ الْقَائِلُ:

وَ حَسْبُكَ دَاءٌ أَنْ تَبِيَّتَ بِبِطْنَةٍ وَ حَوْلَكَ أَكْبَادٌ تَجُنُّ إِلَى الْقِدِّ

أَفْتَنُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونَ
أُسْوَةً لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ.

... وَكَأَنِّي بِقَائِلِكُمْ يَقُولُ إِذَا كَانَ هَذَا قُوتَ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ
عَنْ قِتَالِ الْأَقْرَانِ وَ مَنَازَلَةِ الشُّجْعَانِ أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا وَ الرَّوَاتِعَ
الْحَضْرَةَ أَرْقُ جُلُودًا....



أَبَيْتٌ: شب را به روز می آورم
(بَاتٌ، يَبَيْتٌ)
أَرْقٌ: نازک تر ← رَقِيقٌ: نازک
أَرْقٌ جُلُوداً: پوست نازک تر
أَصْلَبٌ: سخت تر (محکم تر)
أَصْلَبُ عُوداً: سخت چوب تر
أَقْرَانٌ: همتایان «مفرد: قِرْنٌ»
أَكْبَادٌ: جگرها «مفرد: كَبِدٌ»
بِطْنَةٌ: شکم پُری، پُر خوری
تَحِنٌ: آرزو می کند (حَنٌّ، يَحِنُّ)
جَشَعٌ: آزمندی = حِرْصٌ
جُشُوبَةٌ: تلخکامی
حَرَى: سوزان «مذکرش: حَرَانٌ»
رَوَاتِعٌ: درختان و گیاهان سرسبز

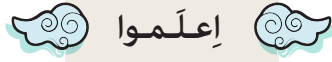
سَدَادٌ: درستی
شَبَعٌ: سیری
شُجْعَانٌ: دلاوران «مفرد: شُجَاعٌ»
طُعْمٌ: خوراکی
طِمْرٌ: جامه کهنه «جمع: أَطْمَارٌ»
عَائِلٌ: تهیدست = فَاقِرٌ، مِسْكِينٌ
عُودٌ: ترکه چوب
عَرْنَى: گرسنگان «مفرد: عَرْنَانٌ»
فِتْيَةٌ: جوانان «مفرد: فَتَى» = شَبَابٌ
قَدٌّ: پوست پاره
قُرْصٌ: گرده نان
قَعَدَ بِ: نشانید = أَجْلَسَ
قَنَعٌ -: خرسند شد، قانع شد
قُوتٌ: خوراک = طَعَامٌ

لَا أَشَارِكُ: شرکت نکنم
مَأْدَبَةٌ: سفره مهمانی
مَأْمُومٌ: پیرو
مِبطَانٌ: پُر خور
مَجْفُوقٌ: رانده شده
مَكَارِهٌ: سختی ها
مُنَازَلَةٌ: رویارویی
يَسْتَضِيءُ: روشنایی می جوید
(ماضی: اسْتَضَاءٌ)
يَقْتَدِي: پیروی می کند
(ماضی: اِقْتَدَى)
يَقُودُنِي: مرا به دنبال می کشد
(قَادٌ، يَقُودُ)

✓ x

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- إِنَّ جُلُودَ عُودِ الشَّجَرَةِ الْبَرِّيَّةِ رَقِيقَةٌ.
- ۲- إِنَّ الرُّوَاتِعَ الْخَصِرَةَ تَنْبُثُ فِي الصَّحْرَاءِ وَسَاقُهَا قَوِيٌّ.
- ۳- رَجُلٌ مِنْ شَبَابِ أَهْلِ الْكُوفَةِ دَعَا ابْنَ حُنَيْفٍ إِلَى مَأْدَبَةٍ.
- ۴- قَبْلَ ابْنِ حُنَيْفٍ دَعَا قَوْمٌ عَائِلَهُمْ مَجْفُوقٌ وَعَنْيَهُمْ مَدْعُوقٌ.
- ۵- أَرَادَ الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ النَّاسِ عَدَمَ الْإِسْرَافِ فِي اللَّبَاسِ وَالطَّعَامِ.



الْمُضَارِعُ الْمَرْفُوعُ وَالْمُضَارِعُ الْمَنْصُوبُ

الْمُضَارِعُ الْمَرْفُوعُ

الأصل أن يأتي المزارع مرفوعاً؛ نحو: يذهبُ.

عَلَامَةُ الرَّفْعِ الْأَصْلِيَّةُ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ الضَّمَّةُ : ُ

عَلَامَةُ الرَّفْعِ الْفُرْعِيَّةُ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ: ثُبُوتُ التَّوْنِ

عَلَامَةُ الرَّفْعِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ فِي هَذِهِ الصِّيغِ «يَفْعَلُ وَ تَفْعَلُ وَ أَفْعَلُ وَ نَفْعَلُ» ضَمَّةٌ ظَاهِرَةٌ فِي آخِرِهَا غَالِبًا.

وَعَلَامَةُ الرَّفْعِ فِي هَذِهِ الصِّيغِ «يَفْعَلَانِ وَ يَفْعَلُونَ وَ تَفْعَلَانِ وَ تَفْعَلُونَ وَ تَفْعَلِينَ» ثُبُوتُ التَّوْنِ فِي آخِرِهَا.

التَّوْنُ فِي صِيغَتِي الْمُضَارِعِ لِجَمْعِ الْمُؤَنَّثِ «يَفْعَلْنَ» وَ «تَفْعَلْنَ» ضَمِيرٌ، وَ لَيْسَتْ عَلَامَةُ رَفْعٍ؛ وَهَذَانِ الْفِعْلَانِ مَبْنِيَانِ، وَإِعْرَابُ الْمَبْنِيِّ مَحَلِّيٌّ، كَمَا عَرَفْتَ سَابِقًا.

الْمُضَارِعُ الْمَنْصُوبُ

الْحُرُوفُ النَّاصِبَةُ لِلْمُضَارِعِ هِيَ «أَنْ: كه» وَ «كِي وَ لِي وَ لِكِي وَ حَتَّى: تا اينكه، براي اينكه» تَدْخُلُ هَذِهِ الْحُرُوفُ عَلَى الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ فَتَنْصِبُهُ بِعَلَامَةٍ ظَاهِرَةٍ. (بِاسْتِثْنَاءِ صِيغَتِي جَمْعِ الْمُؤَنَّثِ؛ لِأَنَّهُمَا مَبْنِيَتَانِ).

عَلَامَةُ النَّصْبِ الْأَصْلِيَّةُ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ : ِ

وَعَلَامَةُ النَّصْبِ الْفُرْعِيَّةُ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ : حَذْفُ التَّوْنِ

تُتْرَجَمُ الْأَفْعَالُ الْمُضَارِعَةُ بَعْدَ هَذِهِ الْحُرُوفِ إِلَى «الْمُضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ» فِي الْفَارْسِيَّةِ؛ مِثْلُ:

يَحْكُمُ: داوری می کند	حَتَّى يَحْكُمُ: تا داوری کند
يُحَاوِلُونَ: تلاش می کنند	أَنْ يُحَاوِلُوا: که تلاش کنند
تَحْزَنُونَ: غصه می خورید	لِكِي لَا تَحْزَنُوا: تا غصه نخورید
يَجْعَلُ: قرار می دهد	لِيَجْعَلَ: تا قرار بدهد
يَذْهَبُنَ: می روند	كِي يَذْهَبُنَ: تا بروند

«لَنْ: نخواست...» وَهُوَ حَرْفٌ نَفِيٌّ وَنَصْبٌ، يَدْخُلُ عَلَى الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ فَقَطُّ؛ فَتَنْصِبُهُ
بِاسْتِثْنَاءِ صِيغَتَيْ جَمْعِ الْمُؤَنَّثِ لِأَنَّهُمَا مَبْنِيَانِ) وَيُخَصِّصُ^١ نَفْيَهُ بِالزَّمَانِ الْمُسْتَقْبَلِ
فَقَطُّ؛ مِثْلُ:

تَنَالُونَ: دست می یابید لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ الْمَنْصُوبَةَ وَعَلَامَةَ النَّصْبِ.

١ ﴿وَعَسَى^٢ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ
لَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢١٦

٢ ﴿... أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةً^٣ وَلَا شَفَاعَةً﴾

الْبَقَرَةُ: ٢٥٤

٣ مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةُ^٤ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا
لَا يَعْلَمُ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣- رَزَقَ: روزی داد

٢- عَسَى: شاید

١- يُخَصِّصُ: اختصاص می دهد

٥- الْمُعَارَضَةُ: مخالفت

٤- الْخُلَّةُ: دوستی

أُنظِرْ إِلَى الْجَدْوَلِ التَّالِيِ نَظْرًا دَقِيقًا؛ ثُمَّ اذْكُرِ الْفُرُوقَ بَيْنَ الْفِعْلِ الْمَضَارِعِ الْمَرْفُوعِ وَالْمَنْصُوبِ وَاحْفَظْهُمَا.

الْمَضَارِعُ الْمَنْصُوبُ	الْمَضَارِعُ الْمَرْفُوعُ	الْصِّيغَةُ
أَنْ يَكْتُبَ	يَكْتُبُ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
أَنْ يَكْتُبَا	يَكْتُبَانِ	الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
أَنْ يَكْتُبُوا	يَكْتُبُونَ	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
أَنْ تَكْتُبَ	تَكْتُبُ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ
أَنْ تَكْتُبَا	تَكْتُبَانِ	الْمُثَنَّى الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ
أَنْ يَكْتُبَنَّ	يَكْتُبْنَ	الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ
أَنْ تَكْتُبَ	تَكْتُبُ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمَخَاطَبُ
أَنْ تَكْتُبَا	تَكْتُبَانِ	الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمَخَاطَبُ
أَنْ تَكْتُبُوا	تَكْتُبُونَ	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمَخَاطَبُ
أَنْ تَكْتُبِي	تَكْتُبِينَ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْمَخَاطَبُ
أَنْ تَكْتُبَا	تَكْتُبَانِ	الْمُثَنَّى الْمَوْثَّقُ الْمَخَاطَبُ
أَنْ تَكْتُبَنَّ	تَكْتُبْنَ	الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْمَخَاطَبُ
أَنْ أَكْتُبَ	أَكْتُبُ	الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ
أَنْ نَكْتُبَ	نَكْتُبُ	الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ

إِذْنًا، التَّغْيِيرُ الَّذِي حَصَلَ فِي أَفْعَالِ «أَنْ يَفْعَلَ وَ أَنْ تَفْعَلَ وَ أَنْ أَفْعَلَ وَ أَنْ تَفْعَلِ» هُوَ أَنَّهَا نُصِبَتْ بِالْفَتْحَةِ؛ فَإِعْرَابُهَا أَصْلِيٌّ. وَالتَّغْيِيرُ الَّذِي حَصَلَ فِي أَفْعَالِ «أَنْ يَفْعَلَا وَ أَنْ يَفْعَلُوا وَ أَنْ تَفْعَلَا وَ أَنْ تَفْعَلُوا وَ أَنْ تَفْعَلِي» هُوَ أَنَّهَا نُصِبَتْ بِحَذْفِ التَّوْنِ؛ فَإِعْرَابُهَا فَرَعِيٌّ.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): تَرَجِّمِ الْآيَتَيْنِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْفِعْلَ الْمَضَارِعَ.

١ ﴿... رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ...﴾ هود: ٤٧

٢ ﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا...﴾ الشعراء: ٥١

التمرين الأول: أئى كلمه من كلمات معجم الدرر تناسب التوضيحات التالية؟

١- ثوب عتيق.

٢- كثره تناول الطعام.

٣- غصن الشجر بعد قطعته.

٤- انام من الليل حتى الصباح.

٥- قطعة رقيقة و طويلة من الجلد.

التمرين الثاني: ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. (كلمتان زائدتان)

(يسئضيء/ الشجعان/ تفتدي/ المبطان/ مأدبة/ شاركنا/ قوت/ الشبع)

١- دعونا ضيوفنا الأعزاء إلى

٢- صديقك نشيط؛ ليتك به!

٣- الحليب مع العسل مفيد جداً.

٤- يأكل زميلي كثيراً و لا يشعر بـ

٥- كُننا في العمل؛ و قسّمنا ما انتفعنا به.

٦- مازال بعض القرى بالنفط لا بالكهرباء.

الْتَمَرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

١- ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...﴾ آل عمران: ٩٢

٢- ﴿... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ...﴾ الْمَائِدَةُ: ٦

٣- ﴿... لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ...﴾ آل عمران: ١٥٣

٤- ﴿... فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا...﴾ الْأَعْرَافُ: ٨٧

٥- ﴿... يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ...﴾ الْفَتْحُ: ١٥

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.

١- يَا أَحِبَّتِي، جَالِسُوا خَيْرَ النَّاسِ.

٢- إِصْبِرْ لِكَيْ يَجْلِسَ أَخُوكَ.

٣- رَجَاءٌ، لَا تَجْلِسُوا هُنَاكَ.

٤- رَجَعْنَا لِنَجْلِسَ هُنَا.

٥- لَنْ يَجْلِسَ هُنَاكَ.

٦- أُرِيدُ أَنْ أَجْلِسَ.

٣- الْأَحْرَجُ: تنگنا (حالت بحرانی)

٢- مِمَّا: مِنْ + مَا: از آنچه

١- لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

٥- فَاتٌ: از دست رفت

٤- لِكَيْلَا: لِكَيْ+لا

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ أَكْتُبُ مَقَالَةً قَصِيرَةً بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ مُؤَلِّفِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ.



گرت عیب جویی بود در سرشت
نبینی ز طاووس جز پای زشت



الدَّرسُ الحَادِي عَشْرُ

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا

مِنَ الظَّنِّ ...﴾ الْحُجُرَات: ١٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید.

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ الْحُجُرَات: ١٢و١١



قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ. فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ

مَا فِيكَ مِثْلَهُ».

گرت جب چو بی بود سرشت زین ز نادوس چو پای زشت



تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ: لَا تَعَيَّبُوا الْآخَرِينَ. وَ لَا تُلَقَّبُوهُمْ بِأَلْقَابٍ يَكْرَهُونَهَا. بِئْسَ
الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

■ **الِاسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ، وَ تَسْمِيَتَهُمْ
بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.**

■ **سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ
آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.**

■ **الْتَجَسُّسَ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ
أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ
فِي مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.**

■ **وَ الْغَيْبَةَ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ
التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.**

سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي
جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.



إِنْفَى : پروا کرد (مضارع: يَنْفَى)

إِتَّقُوا اللَّهَ : از خدا پروا کنید

إِنَّم : گناه = ذَنْبٌ

إِسْتِهْزَأَ : ریشخند کردن (اسْتِهْزَأَ)

يَسْتِهْزِئُ

إِغْتَابَ : غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ)

لَا يَغْتَابُ : نباید غیبت کند

أَنْ يَكُنَّ : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

أَنْ يَكُونُوا : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

بَعْضٌ ... بَعْضٌ : یکدیگر

بِئْسَ : بد است

تَابَ : توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ)

لَمْ يَتُبْ : توبه نکرد

تَجَسَّسَ : جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ)

يَتَجَسَّسُ

تَسْمِيَةً : نام دادن، نامیدن (سَمَّى /

يُسَمِّي)

تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ : به یکدیگر لقب های

زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)

تَوَّابٌ : بسیار توبه پذیر، بسیار

توبه کننده

تَوَاصَلَ : ارتباط (تَوَاصَلَ، يَتَوَاصَلُ)

حَرَمَ : حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ)

خَفِيَ : پنهان ≠ ظاهر

سَخَّرَ مِنْ : مسخره کرد

(مضارع: يَسَخِّرُ / مصدر: سُخَّرِيَّةٌ)

لَا يَسَخِّرُ : نباید مسخره کند

عَابَ : عیب جویی کرد، عیب دار کرد

(مضارع: يَعْيبُ)

عُجِبَ : خودپسندی

عَسَى : شاید = رُبَّمَا

فُسُوقٌ : آلوده شدن به گناه

فَضَحَ : رسوا کردن

قَدْ : گاهی، شاید (بر سر مضارع)

«قَدْ يَكُونُ: گاهی می باشد» / بر

سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن

زمان فعل به حال و معادل ماضی

نقلی است.

كَبَائِرُ : گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ»

كِرَاهٍ : ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)

لَحْمٌ : گوشت «جمع: لُحُومٌ»

لَقَّبَ : لقب داد (مضارع: يُلَقِّبُ)

لَمَزَ : عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)

مَيِّتٌ : مُرْدَةٌ «جمع: أَمْوَاتٌ،

مَوْتَى» ≠ حَيٌّ

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعَرُوسِ الْقُرْآنِ.

۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطُّ.

۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكَرَ أَخَاكَ وَ أُخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ.

۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ.

۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.



الْمُضَارِعُ الْمَجْزُومُ (١)

هَذِهِ الْحُرُوفُ «لَمْ وَ لَمَّا وَ لَا» تَخْتَصُّ بِالْفِعْلِ الْمُضَارِعِ وَحِينَ تَدْخُلُ عَلَيْهِ تَجْزِمُهُ بِعَلَامَةٍ ظَاهِرَةٍ. (بِاسْتِثْنَاءِ صِغَتَيْ جَمْعِ الْمُؤَنَّثِ).

عَلَامَةُ الْجَزْمِ الْأَصْلِيَّةُ فِي الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ : َ

وَعَلَامَةُ جَزْمِهِ الْفَرَعِيَّةُ : حَذْفُ التَّوْنِ وَ حَذْفُ حَرْفِ الْعِلَّةِ فِي الْفِعْلِ النَّاقِصِ

حَرْفُ «لَمْ: ن...» حَرْفٌ نَفْيٌ وَجَزْمٌ يَخْتَصُّ بِالْفِعْلِ الْمُضَارِعِ، وَحِينَمَا يَدْخُلُ عَلَيْهِ يُبَدِّلُهُ إِلَى «الْمَاضِي الْبَسِيطِ الْمَنْفِيِّ» أَوْ إِلَى الْمَاضِي الْمَنْفِيِّ الْمُتَّصِلِ بِأَحْوَالِ أَيْ «الْمَاضِي النَّقْلِيِّ» فِي الْفَارِسِيَّةِ؛ مِثْلُ:

لَمْ يَسْمَعْ: نشنيد، نشنیده است	يَسْمَعْ: می شنود
لَمْ تَذْهَبُوا: زرفته اید	تَذْهَبُونَ: می روید
لَمْ تَكْتُبْنَ: نوشته اید	تَكْتُبْنَ: می نویسید

حَرْفُ «لَمَّا: هنوز ن...» حَرْفٌ نَفْيٌ وَجَزْمٌ يَدْخُلُ عَلَى الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ وَ يُبَدِّلُهُ إِلَى الْمَاضِي الْمَنْفِيِّ الْمُتَّصِلِ بِأَحْوَالِ «الْمَاضِي النَّقْلِيِّ الْمَنْفِيِّ»؛ مِثْلُ:

لَمَّا يَسْمَعْ: هنوز نشنیده است	يَسْمَعْ: می شنود
----------------------------------	-------------------

حَرْفُ «لَامُ الْأَمْرِ ل: باید» حَرْفٌ جَزْمٌ يَخْتَصُّ بِالْفِعْلِ الْمُضَارِعِ، وَحِينَمَا يَدْخُلُ عَلَى الْمُضَارِعِ الْغَائِبِ وَالْمُتَكَلِّمِ غَالِباً يُبَدِّلُهُ إِلَى مَعْنَى الْأَمْرِ «الْمُضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ» بِالْفَارِسِيَّةِ؛ مِثْلُ:

لِنَرْجِعْ: باید برگردیم	نَرْجِعُ: بر می گردیم
لِيَعْلَمُوا: باید بدانند	يَعْلَمُونَ: می دانند

قَدْ عَرَفْتَ فِي كِتَابِ السَّنَةِ التَّاسِعَةِ «لَا النَّاهِيَةَ» الَّتِي تَدْخُلُ عَلَى الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ الْمُخَاطَبِ، فَتَجْزِمُهُ وَقَدْ سُمِّيَ بِفِعْلِ النَّهْيِ؛ مِثْلُ:

تَيَأَسُ: ناامید می شوی لا تَيَأَسُ: ناامید نشو

تُرْسِلُونَ: می فرستید لا تُرْسِلُوا: نفرستید

هُنَا لَا بُدَّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ هَذَا الْحَرْفَ «لَا النَّاهِيَةَ» إِذَا دَخَلَ عَلَى صِيغِ الْمُضَارِعِ لِلْمُتَكَلِّمِ وَالْغَائِبِ يَنْفِيهَا وَ يَجْزِمُهَا وَ تَتْرَجِمُ تِلْكَ الْأَفْعَالَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ بِ «نبايد» وَ تُسَمَّى بِالْفَارِسِيَّةِ «الْمُضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ»؛ مِثْلُ:

يَخَافُونَ: می ترسند لا يَخَافُوا: نبايد بترسند

■ **الْفَائِدَةُ الْأُولَى:** فِعْلُ النَّهْيِ هُوَ فِعْلٌ مُضَارِعٌ مَنْفِيٌّ وَمَجْزُومٌ.

■ **الْفَائِدَةُ الثَّانِيَةُ:** الْأَفْعَالُ ذَاتُ الْوُجُوهِ الْمُخْتَلِفَةِ فِي الْمَعْنَى، مِثْلُ «لَيَعْلَمُوا» وَأَمْثَالِهَا؛

لَا يُمَكِّنُ تَرْجَمَتُهَا إِلَّا فِي الْجُمْلَةِ بَعْدَ مَعْرِفَةِ مَعَانِيهَا، حَتَّى تَعْرِفَ أَلَا أَلَامُ الْأَمْرِ الْجَازِمَةَ هِيَ، أَمِ اللَّامُ النَّاصِبَةُ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ؟ مِثْلُ:

تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لَيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ.

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موفق شوند.

(اللَّامُ النَّاصِبَةُ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ)

قَالَ الْمُدِيرُ: إِنَّ الْإِمْتِحَانَاتِ تُسَاعِدُ الطُّلَّابَ لِتَعْلُمَ دُرُوسِهِمْ فَلَيَعْلَمُوا ذَلِكَ وَ عَلَيْهِمْ أَنْ

لا يَخَافُوا مِنْهَا.

مدیر گفت: آزمون‌ها دانش‌آموزان را برای یادگیری درس هایشان کمک می‌کند و باید این را بدانند

و بر آنان لازم است که از آن ترسند. (لَا أَلَامُ الْجَازِمَةُ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ).

■ **الْفَائِدَةُ الثَّالِثَةُ:** قَدْ تَعْلَمْتَ لِحَدِّ الْآنَ ثَلَاثَةَ أَنْوَاعٍ لِحَرْفِ «لِ»: الْأَوَّلُ حَرْفُ جَرٍّ

يَدْخُلُ عَلَى الْإِسْمِ فَيَجْرُهُ؛ وَالثَّانِي حَرْفُ نَصْبٍ يَدْخُلُ عَلَى الْمُضَارِعِ فَيَنْصِبُهُ؛ وَالثَّلَاثُ حَرْفُ جَزْمٍ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ.

وَ تَعْيِينُ أَحَدِ هَذِهِ الْمَعَانِي لَا يُمَكِّنُ إِلَّا فِي الْجُمْلَةِ بَعْدَ مَعْرِفَةِ مَعْنَاهَا.

■ **الفائدة الرابعة:** أنواع لـ التي تعلّمناه لحدّ الآن.

۱. **لام الجرّ لها معانٍ وهي:**

الف: «لـ»: «مالٍ، از آن» نحو: «لِمَنْ تَلِك الشَّريحَةُ؟»: «آن سیم کارت مال کیست؟»
ب: «لـ»: «برای» نحو: «اشتریت حقیبَةً للسَّفَرِ»: «چمدانی برای سفر خریدم».
ج: «لـ»: «داشتن» نحو: «لي شهادة في الحاسوب»: «مدرك رایانه دارم».
يأتي حرفُ الجرِّ «لـ» مَفْتُوحاً حينَ يَدْخُلُ عَلَى الصَّمَائِرِ الْمُتَّصِلَةِ (بِاسْتِثْنَاءِ صَمِيرِ يَاءِ الْمُتَكَلِّمِ)؛ مِثْلُ: لَهُ، لَهَا، لَهُمْ، لِهِنَّ، لِهَما، لَكَ، لِكِ، لَكُمْ، لَكُنَّ، لَكُما، لَنَا.
الْأَلَمُ مَفْتُوحَةٌ وَلِكِنِّها فِي «لي» تَبَقَى مَكْسُورَةٌ.

۲. **لام النّصبِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ:**

«لـ»: «تا» نحو «ذَهَبْتُ إِلَى الْمُتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيَّةً لِجَوَالِي»: «به مغازه رفتم تا باتری برای تلفن همراهم بخرم».

۳. **لام الجزمِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ:**

«لـ»: «باید» نحو «لِتَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»: «باید به خدا توکل کنی».

■ **الفائدة الخامسة:** تُسَكَّنُ لامُ الأَمْرِ «لـ» غَالِباً حينَ تَدْخُلُ عَلَيْها هَذِهِ الحُرُوفُ

«و، فَ، ثُمَّ»؛ مِثْلُ:

فَ + لـ + يَعْمَلُ = فَلْيَعْمَلْ: پس باید انجام دهد.

■ **الفائدة السادسة:** قَدْ تَعَلَّمْتَ لِحَدِّ الآنَ عَلَى نَوْعَيْنِ لِحَرْفِ «لَمَّا»: الأَوَّلُ هُوَ حَرْفُ

نَفْيٍ وَجَزْمٍ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ وَيُتْرَجَمُ بِـ «هنوز...»؛ نَحْوُ «لَمَّا يَذْهَبُوا»: «هنوز نرفته اند»؛
وَالثَّانِي ظَرْفٌ لِلزَّمَانِ يَدْخُلُ عَلَى الفِعْلِ المَاضِي وَيُتْرَجَمُ إِلَى «هنگامی که»؛ نَحْوُ:
«لَمَّا ذَهَبَ»: «هنگامی که رفت».

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْحَدِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.

١ ﴿... لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا...﴾ التَّوْبَةُ: ٤٠

٢ ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...﴾ الرَّعْدُ: ١١

٣ ... لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

أُنظُرْ إِلَى الْجَدْوَلِ التَّالِي نَظْرًا دَقِيقًا؛ ثُمَّ اذْكُرِ الْفُرُوقَ بَيْنَ الْفِعْلِ الْمَضَارِعِ الْمَرْفُوعِ وَالْمَنْصُوبِ وَالْمَجْزُومِ وَاحْفَظْهَا.

الصَّبْغَةُ	الْمَضَارِعُ الْمَرْفُوعُ	الْمَضَارِعُ الْمَنْصُوبُ	الْمَضَارِعُ الْمَجْزُومُ
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	يَكْتُبُ	أَنْ يَكْتُبَ	لَمْ يَكْتُبْ
الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	يَكْتُبَانِ	أَنْ يَكْتُبَا	لَمْ يَكْتُبَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	يَكْتُبُونَ	أَنْ يَكْتُبُوا	لَمْ يَكْتُبُوا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ	تَكْتُبُ	أَنْ تَكْتُبَ	لَمْ تَكْتُبِ
الْمُنْتَنَى الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ	تَكْتُبَانِ	أَنْ تَكْتُبَا	لَمْ تَكْتُبَا
الْجَمْعُ الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ	يَكْتُبْنَ	أَنْ يَكْتُبْنَ	لَمْ يَكْتُبْنَ
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	تَكْتُبُ	أَنْ تَكْتُبَ	لَمْ تَكْتُبْ
الْمُنْتَنَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	تَكْتُبَانِ	أَنْ تَكْتُبَا	لَمْ تَكْتُبَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	تَكْتُبُونَ	أَنْ تَكْتُبُوا	لَمْ تَكْتُبُوا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثِقُ الْمُخَاطَبُ	تَكْتُبِينَ	أَنْ تَكْتُبِي	لَمْ تَكْتُبِي
الْمُنْتَنَى الْمَوْثِقُ الْمُخَاطَبُ	تَكْتُبَانِ	أَنْ تَكْتُبَا	لَمْ تَكْتُبَا
الْجَمْعُ الْمَوْثِقُ الْمُخَاطَبُ	تَكْتُبْنَ	أَنْ تَكْتُبْنَ	لَمْ تَكْتُبْنَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	أَكْتُبُ	أَنْ أَكْتُبَ	لَمْ أَكْتُبْ
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	نَكْتُبُ	أَنْ نَكْتُبَ	لَمْ نَكْتُبْ

بَعْدَ قِرَاءَةِ هَذَا الْجَدْوَلِ قِرَاءَةً دَقِيقَةً؛ أَحِبَّ عَن هَذِهِ الْأَسْئَلَةِ.

١- أَيُّ الْأَفْعَالِ تُرْفَعُ بِالضَّمَّةِ؟

٢- أَيُّ الْأَفْعَالِ تُنْصَبُ وَتُجْزَمُ مَحَلًّا؟

٣- أَيُّ الْأَفْعَالِ تُجْزَمُ وَتُنْصَبُ بِحَذْفِ النَّوْنِ؟

٤- مَا هِيَ الْأَفْعَالُ الَّتِي تُنْصَبُ بِالْفَتْحَةِ وَتُجْزَمُ بِالسُّكُونِ؟

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): تَرَجِمِ الْعِبَارَتَيْنِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْفِعْلَ الْمُضَارِعَ.

١ ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ...﴾ اَطْلَاق: ٦٥

٢ لَمَّا دَقَّ الْجَرَسُ نَظَرَ الْمُدِيرُ إِلَى الطُّلَّابِ وَ لَمَّا يَتَوَقَّفُوا عَنِ اللَّعِبِ، فَأَرَادَ مِنْهُمْ أَنْ يَذْهَبُوا إِلَى الصَّفِّ.

إِعْرَابُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ

الْعَلَامَةُ الْفَرْعِيَّةُ لِلرَّفْعِ : ثُبُوتُ النَّوْنِ

الْعَلَامَةُ الْأَصْلِيَّةُ لِلرَّفْعِ : ُ

الْعَلَامَةُ الْفَرْعِيَّةُ لِلنَّصْبِ : حَذْفُ النَّوْنِ

الْعَلَامَةُ الْأَصْلِيَّةُ لِلنَّصْبِ : ِ

الْعَلَامَةُ الْفَرْعِيَّةُ لِلْجَزْمِ : حَذْفُ النَّوْنِ

الْعَلَامَةُ الْأَصْلِيَّةُ لِلْجَزْمِ : ِ

الرَّفْعُ وَالنَّصْبُ وَالْجَزْمُ لِلْمُضَارِعِ فِي الْجَمْعِ الْمُؤَنَّثِ مَحَلِّيًّا.

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- جَعَلَهُ حَرَامًا:

.....

٢- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا:

.....

٣- الَّدُّنُوبُ الكُبَيْرَةُ:

.....

٤- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِهِ:

.....

٥- تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ:

.....

٦- ذَكَرَ مَا لَا يَرِضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ:

.....

التَّمرينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

(الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)

١- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....

(الْفَاعِلُ وَ نَوْعُهُ وَ الْمَفْعُولُ بِهِ)

٢- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ^٢ نَفْسَهُ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ع

.....

(الْمُضَارِعُ الْمَنْصُوبُ)

٣- إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ^٣ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....

(فِعْلُ الْأَمْرِ وَ صِيغَتُهُ)

٤- اَللّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ^٤ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....

٥- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (اسْمُ الْفِعْلِ النَاقِصِ وَ خَبَرُهُ)

.....

٤- حَسَّنْتَ: نِيكُو گُردَانِيْدِي

٣- لِأَتَمِّمَ: تَا كَامِل كَنَم

٢- عَذَّبَ: عَذَاب دَاد

١- سَاءَ: بَد شَد

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: عَيَّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجَمَةِ الْآيَاتِ الثَّلَاثَةِ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

۱- ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلِداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيراً﴾ الْإِسْرَاءُ: ۱۱۱

و بگو: ستایش از آن خداوندی است که فرزندی (نگرفته) / نمی‌گیرد () و در جهان‌داری شریکی (نداشته) / نخواهد داشت () و از روی خواری [و نیاز] دوستی نداشته است و او را بسیار (بزرگ شمردم) / بزرگ بشمار ().

۲- ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ التَّوْبَةُ: ۱۶

آیا (می‌پندارید) / پنداشته‌اید () که رها می‌شوید، در حالی که خدا کسانی را که از میان شما جهاد کرده و غیر از خدا و فرستاده‌اش و مؤمنان، همرازی نگرفته‌اند، (هنوز نشناخته است) / (نمی‌شناسد) ؟ و خدا به آنچه انجام می‌دهید (بینا) / آگاه () است.

۳- ﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ﴾ التَّوْبَةُ: ۱۷

مشرکان را نسزد که مساجد خدا را آباد کنند، در حالی که (گواهی دهندگان) / بینندگان () به کفر خویش هستند. آنان کارهایشان به هدر رفته و خود در آتش (پشیمانند) / جاودانند ().

۴- ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ التَّوْبَةُ: ۱۸

مساجد خدا را تنها کسانی (آباد کرده‌اند) / آباد می‌کنند () که به خدا و روز واپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و (جز از خدا نترسیده‌اند) / تنها به خدا چشم دوخته‌اند ()، پس امید است که اینان از (راهنمایان) / راه‌یافتگان () باشند.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

١- ﴿يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ﴾ الأعراف: ١١٠

٢- ﴿... أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الدِّبُّ وَ أَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ﴾ يوسف: ١٣

٣- ﴿... أَ لَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ...﴾ التور: ٢٢

٤- إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ سَائِرُ عَمَلِهِ، وَإِذَا رُدَّتْ، رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِنْحَتْ فِي سُورَةِ الْحُجْرَاتِ عَنْ آيَاتِ اخْلَاقِيَّةٍ أُخْرَى وَاجْتَبَاهَا.



آية	المعنى
يا ايها الذين آمنوا لا تقفوا بين يدي الله ورسوله وتلكوا الله ان الله سميع عليم	الادب مع الشرع
يا ايها الذين آمنوا لا ترفعوا اصواتكم فوق صوت النبي ولا تجهروا له بالقول كجهر بعضهم لبعض ان تحبط افعالكم وانتم لا تعلمون * ان الذين يكفرون افعالهم عند رسول الله اولئك الذين امتحن الله قلوبهم للتقوى لهم عذاب عظيم واكثر	الادب مع النبي صلى الله عليه وسلم
يا ايها الذين آمنوا ان جاءكم فاسق فنبذوا انفسهم لوماً بهجلاً فاصبروا حتماً لعلكم ترحمون	ادب تلقى الاخيار
انما المؤمنون اخوة فاصبروا بين اخوتكم وتلكوا الله لعلكم ترحمون	ادب الاخوة بين المؤمنين
وان طافن من المؤمنين اتقوا فاصبروا بينهم فان وقت اعدائهم على الظلم فقتلوا حتى يلقى حتى يلقى الله ان لم يكن فاصبروا بينهم بالعدل والقسط ان الله يحب المتقسطين	ادب الإصلاح في حال وقوع خلاف بين المؤمنين
يا ايها الذين آمنوا لا يسخر قوم من قوم عسى ان يكونوا خيرا منهم ولا نساء من نساء عسى ان يكن خيرا منهن ولا تملوا انفسكم ولا تهاجروا بالاقبال بينكم فمن افسد القلوب فمضى ان الله لا يهدي القوم الظالمين * يا ايها الذين آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا يحسبوا ولا يحسبوا انفسهم بخفا ايح اعدائهم ان يلقوا لهم ميثا ففرحتهم وتلكوا الله ان الله غفور رحيم	الادب الاجتماعي بين المسلمين
يا ايها الذين آمنوا انكروا ما كذبوا به اولئكم وجعلتم شوقا وهمال تعرفوا ان اكرمهم عند الله اتقوا ان الله عليم خبير	ادب التعامل مع الناس بشكل عام
يستؤمنون عبيدا ان استموا قل لا تعلموا على استقامتكم بل الله بمن عظيم ان عظيم للبحران ان قلتم سعدون	ادب التعامل مع الايمان ومع الله تعالى





الدرس الثاني عشر



﴿... لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾

النَّجْم: ٣٩

انسان چیزی جز آنچه را تلاش کرده است، ندارد.

إِبْنُ الْهَيْثَمِ

فِي صَوِّهِ الْقُرْآنِ وَ الْمَعَارِفِ الْقُرْآنِيَّةِ أَخَذَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ أَحْسَنَ مَا عِنْدَهَا مِنَ الْعُلُومِ
وَ ابْتَدَعُوا فِيهَا.

وَ كَمَا نَعْلَمُ أَنَّ أَحَادِيثَ الرَّسُولِ ﷺ شَجَعَتِ الْمُسْلِمِينَ عَلَى أَنْ يَأْخُذُوا بِالْعِلْمِ وَ الْحِكْمَةِ
أَيْتِمًا وَ جَدُوهُمَا. فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أُطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ.
وَ قَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ:

وَ خُذِ الْحِكْمَةَ أَنَّى كَانَتْ؛ فَإِنَّ الْحِكْمَةَ ضَالَّةٌ كُلِّ مُؤْمِنٍ.



رَسْمٌ يُظْهِرُ إِبْنَ الْهَيْثَمِ بِمَثَلِ الْعَقْلِ وَالْمَنْطِقِ، (عَلَى الْيُسَارِ) وَغَالِبَةَ بِمَثَلِ الْخَوَاسِ. (عَلَى الْيَمِينِ)

فَهَذِهِ الْأُمُورُ كُلُّهَا جَعَلَتْ الْمُسْلِمِينَ يَتَقَدَّمُونَ فِي الْعُلُومِ وَالْفُنُونِ، وَالْيَوْمَ نَرَى أَنَّ كَثِيرًا مِنَ الْعُلُومِ هُوَ نَتِيجَةُ مَسَاعِيِ الْمُسْلِمِينَ فِي الْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ.

وَ يُمَكِّنُ الْقَوْلُ بِأَنَّ الْمُسْلِمِينَ هُمُ الَّذِينَ ابْتَدَعُوا عِلْمَ الْكِيمِيَاءِ وَالْفِيزِيَاءِ وَالطَّبِّ وَالرِّيَاضِيَّاتِ. وَ الْجَدِيرُ بِالذِّكْرِ أَنَّ الْعُلَمَاءَ الْمُسْلِمِينَ قَدْ أَوْجَدُوا هَذِهِ الثَّرَوَاتِ الْعِلْمِيَّةَ فِي عَصْرِ كَانَ الْعَالَمُ يَعِيشُ حَيَاةَ الْجَهْلِ.

وَ مِنْ هَؤُلَاءِ الْعُلَمَاءِ هُوَ ابْنُ الْهَيْثَمِ الْعَالِمُ الْفِيزِيَائِيُّ وَالرِّيَاضِيُّ وَالْأَفْلَكِيُّ. وُلِدَ فِي الْقَرْنِ الرَّابِعِ فِي الْبَصْرَةِ فِي زَمَنِ حُكُومَةِ آلِ بُؤَيَّةَ وَ فِي عَصْرِ يُعَدُّ عَصْرًا ذَهَبِيًّا فِي تَارِيخِ الْإِسْلَامِ. وَ اخْتَلَفَ الْمُؤَرِّخُونَ فِي نَسَبِ ابْنِ الْهَيْثَمِ أَمْ كَانَ مِنْ أَصْلِ فَارِسِيٍّ أَمْ عَرَبِيٍّ.

أَلَّفَ ابْنُ الْهَيْثَمِ مُؤَلَّفَاتٍ عَدِيدَةً تَزِيدُ عَلَى مِئَتَيْنِ. وَ قَدْ اسْتَفَادَ الْعُلَمَاءُ مِنْ هَذِهِ الْمُؤَلَّفَاتِ قُرُونًا مُتَمَادِيَةً. وَ مِنْ أَمَمِّهَا كِتَابُ الْمَنَاطِرِ الَّذِي يَحْوِي آرَاءَ بَدِيعَةَ فِي عِلْمِ الضَّوِّ. وَ قَدْ أَصْبَحَ هَذَا الْكِتَابُ الْمَرْجِعَ الرَّئِيسِيَّ لِهَذَا الْعِلْمِ فِي أُرُوبًا مُنْذُ الْقَرْنِ الْحَادِي عَشَرَ الْمِيلَادِيِّ وَ تُرْجِمَ إِلَى لُغَاتٍ أُخْرَى كَاللَّاتِينِيَّةِ وَالْإِسْبَانِيَّةِ وَ غَيْرِهِمَا.



وَ مُؤَلَّفَاتُهُ فِي الْفَلَكَ تَبْلُغُ أَرْبَعَةً وَ عِشْرِينَ مُجَلَّدًا كَتَبَ فِيهَا عَنِ ارْتِفَاعِ النُّجُومِ وَ أَحْجَامِهَا وَ عَنِ الرَّصْدِ النُّجُومِيِّ.

اِبْتَدَعُوا: نوآوری کردند

جَدِير: شایان، شایسته

الْجَدِيرُ بِالذِّكْرِ: شایان ذکر است.

الرَّصْدُ النُّجُومِيُّ: بررسی حرکات

ستارگان

الإِسْبَانِيَّةُ: اسپانیایی

أَنَّى: هر جا، هر وقت

أَيْنَمَا: هر جا

ضَالَّةٌ: گم شده

فَلَکِيّ: ستاره شناس

فیزیاء: فیزیک

مَتَمَادِيَّةٌ: طولانی

مَسَاعِي (مَسَاعٍ): تلاش ها

«مفرد: مَسَعَى»

يَحْوِي: در بر دارد

يُمَثِّلُ الْعَقْلَ: نمایندۀ خرد است

(خرد را نمایندگی می کند)

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

× ✓

۱- أَلَفُ ابْنِ الْهَيْثَمِ مُؤَلَّفَاتٍ عَدِيدَةٌ تَزِيدُ عَلَى أَلْفَيْنِ.

۲- مُؤَلَّفَاتُ ابْنِ الْهَيْثَمِ فِي الْفَلَکِ تَبْلُغُ أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ مُجَلَّدًا.

۳- وُلِدَ ابْنُ الْهَيْثَمِ فِي الْقَرْنِ الْخَامِسِ فِي الْبَصْرَةِ فِي زَمَنِ حُكُومَةِ آلِ بُؤَيَّةٍ.

۴- إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْعُلُومِ هُوَ نَتِيجَةُ مَسَاعِي الْمُسْلِمِينَ فِي الْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ.

۵- أَحَادِيثُ الرَّسُولِ ﷺ شَجَعَتِ الْمُسْلِمِينَ عَلَى اخْتِذِ الْعِلْمِ أَيْنَمَا وَجَدُوهُ.

أَسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

المُضَارِعُ الْمَجْزُومُ (٢)

في هَذَا الدَّرْسِ نَتَعَلَّمُ أَهَمَّ «أَدَوَاتِ الشَّرْطِ» وَهِيَ: «إِنْ: اگر» وَ «مَنْ: هرکس» وَ «مَا: هرچه» وَ «أَيُّمَا: هرچا».

«إِنْ» حَرْفٌ، وَ «مَنْ» وَ «مَا» وَ «أَيُّمَا» أَسْمَاءٌ.

أَدَوَاتُ الشَّرْطِ الْمَذْكُورَةُ تَدْخُلُ عَلَى جُمْلَتَيْنِ، تُسَمَّى الْأُولَى مِنْهُمَا «فِعْلَ الشَّرْطِ» وَالثَّانِيَةَ «جَوَابَ الشَّرْطِ» وَ تَجْزِمُهُمَا. فَإِنْ كَانَتْ هَاتَانِ الْجُمْلَتَانِ مُضَارِعِيَّتَيْنِ (بِاسْتِثْنَاءِ صِيغَتِي جَمْعِ الْمُؤَنَّثِ)، تَجْزِمُهُمَا بِالْعَلَامَةِ الظَّاهِرَةِ (الإِعْرَابِ الظَّاهِرِيِّ)، وَإِنْ كَانَتْ غَيْرَ ذَلِكَ؛ تَجْزِمُهُمَا جَزْماً مَحَلِّيًّا.

وَهَذِهِ الْأَدَوَاتُ تُخَصِّصُ زَمَانَ فِعْلِ الشَّرْطِ بِالزَّمَانِ الْمُسْتَقْبَلِ وَنَتْرَجِمُهُ إِلَى الْمُضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ غَالِبًا؛ مِثْلُ:

مَنْ يُفَكِّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، يَسْلَمَ مِنَ الْخَطَأِ.

أداة الشَّرْطِ فِعْلُ الشَّرْطِ، مَجْزُومٌ جَوَابُ الشَّرْطِ، مَجْزُومٌ

هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، از خطا در امان می‌ماند.

حِينَما تَدْخُلُ أَدَوَاتُ الشَّرْطِ عَلَى جُمْلَتِي الشَّرْطِ وَالْجَوَابِ الْمَضُوعِيَّتَيْنِ تَجْزِمُهُمَا جَزْماً مَحَلِّيًّا، وَيُمْكِنُ لَنَا أَنْ نُتْرَجِمَ «فِعْلَ الشَّرْطِ الْمَضِيِّ» إِلَى «الْمُضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ» وَ «جَوَابَ الشَّرْطِ الْمَضِيِّ» إِلَى «الْمُضَارِعِ الْإِخْبَارِيِّ»؛ مِثْلُ:

مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطْوُهُ.

فِعْلُ الشَّرْطِ، مَجْزُومٌ مَحَلًّا جَوَابُ الشَّرْطِ، مَجْزُومٌ مَحَلًّا

هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می‌شود.

اندیشید کم شد



وَحِينَما تَكُونُ جُمْلَةُ جَوَابِ الشَّرْطِ اسْمِيَّةً، تُجْزَمُ مَحَلِّيًّا أَيْضًا. مِثْلُ:

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، فَهُوَ حَسْبُهُ»^٣ اَلطَّلَاقُ: ٣

أداة الشَّرْطِ فِعْلُ الشَّرْطِ مَجْزُومٌ جَوَابُ الشَّرْطِ مَجْزُومٌ مَحَلًّا

و هرکس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است.

١- يَتَوَكَّلُ: توکل می‌کند ٢- حَسْبُ: بس، کافی

وَ حِينَمَا يَكُونُ فِعْلُ الشَّرْطِ مُضَارِعًا، يُتْرَجَمُ إِلَى «الْمُضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ».



■ «مَنْ: هرکس»؛ نَحْوُ:

مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا، يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ.

هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.



■ «مَا: هرچه»؛ نَحْوُ:

مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هرچه در دنیا بکاری، در آخرت درو می‌کنی.

ما فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتَهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ.

هرچه از کارهای نیک انجام بدهی، آنها را اندوخته‌ای برای آخرت می‌یابی.



■ «إِنْ: اگر»؛ نَحْوُ:

إِنْ تَزْرَعُ خَيْرًا، تَحْصُدُ سُورًا.

اگر نیکی بکاری، شادی درو می‌کنی.



إِنْ صَبَرْتَ، حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ فِي حَيَاتِكَ.

اگر صبر کنی، در زندگیت موفقیت به دست می‌آوری.

■ «أَيُّنَمَا: هرگاه»؛ هَذِهِ الْأَدَاةُ مُرَكَّبَةٌ مِنْ «أَيْنَ» وَ «مَا» الزَّائِدَةِ؛ نَحْوُ:

﴿أَيُّنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ...﴾ الْنِّسَاءُ: ۷۸ هرگاه باشید مرگ شما را در می‌یابد.

■ «إِذَا: هرگاه»؛ هِيَ أَدَاةُ شَرْطٍ غَيْرِ جَائِزَةٍ؛ فَاعْلَمْ ذَلِكَ.

حِينَمَا تَدْخُلُ هَذِهِ الْأَدَاةُ عَلَى الْفِعْلِ الْمَاضِي، يُمَكِّنُ لَنَا أَنْ نُتْرَجِمَهُ إِلَى الْمُضَارِعِ (الْإِلْتِزَامِيِّ)

أَوْ الْإِخْبَارِيِّ) طَبَقًا لِسِيَاقِ الْجُمْلَةِ وَمَفْهُومِهَا؛ مِثْلُ:

إِذَا اجْتَهَدْتَ، نَجَحْتَ.

هرگاه (اگر) تلاش کنی، موفق می‌شوی.



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): تَرْجِمِ الْآيَاتِ الشَّرِيفَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

١ ﴿... وَمَا تَقَدَّمُوا^١ لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ...﴾ الْبَقَرَةُ: ١١٠

٢ ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا^٢ فَثَمَّ^٣ وَجْهَ اللَّهِ ...﴾ الْبَقَرَةُ: ١١٥

٣ ﴿... إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ^٤ أَقْدَامَكُمْ﴾ مُحَمَّدٌ: ٧

٤ ﴿... وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا^٦﴾ الْفُرْقَانُ: ٦٣

أَنْوَاعُ «مَنْ» وَ «مَا»:

«مَنْ» وَ «مَا» هُمَا آدَاتَانِ تُسْتَعْمَلَانِ اسْتِفْهَامِيَّتَيْنِ وَشَرْطِيَّتَيْنِ وَمَوْصُولَتَيْنِ؛ وَمَعْرِفَتُهُمَا تَحْصُلُ مِنْ مَفْهُومِ الْجُمْلَةِ وَسِيَاقِهَا؛ مِثْلُ:

■ مَنْ الْاسْتِفْهَامِيَّةُ:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٤٥

■ مَنْ الْمَوْصُولَةُ:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ الْبَقَرَةُ: ٨

■ مَنْ الشَّرْطِيَّةُ:

مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- ما تقدّموا: هرچه را از پیش بفرستید ٢- تُولُوا: رو کنید (وَلَى، يُؤَلِّي، تَوْلِيَةٌ) ٣- ثَمَّ: آنجا
٤- يُثَبِّتْ: استوار می سازد ٥- خَاطَبَ: خطاب کرد ٦- أَلْسَلَامًا: سخن آرام

■ ما الشَّرْطِيَّةُ:

﴿... مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ...﴾ الْمُرْمَل: ٢٠

■ ما الْمَوْصُولَةُ:

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ...﴾ الْجُمُعَةُ: ١

■ ما الْإِسْتِفْهَامِيَّةُ:

﴿... مَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى﴾ طه: ١٧

■ ما تَأْتِي لِلنَّفْيِ أَيْضًا:

﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ ...﴾ يس: ٦٩

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): عَيِّنْ أَنْوَاعَ «مَنْ» وَ «مَا».

١ ﴿... وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢١٥

٢ ﴿... إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ٣٧

٣ ﴿... مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٥

٤ ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ...﴾ النَّحْلُ: ٩٦

٥ مَنْ رَفَعَ حَجْرًا عَنِ الطَّرِيقِ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

فائدة: يُجْزَمُ الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ حِينَ يَقَعُ جَوَاباً لِلطَّلَبِ (الْأَمْرِ وَالنَّهْيِ وَالِاسْتِفْهَامِ)؛ مِثْلُ:

﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ غافر: ٦٠ مرا بخوانید تا [دعایتان را] برایتان برآورده کنم.
فِعْلُ الطَّلَبِ جَوَابُ الطَّلَبِ

لا تَكْذِبْ يُحِبُّكَ اللَّهُ. دروغ نگو تا خدا تو را دوست بدارد.

فِعْلُ الطَّلَبِ جَوَابُ الطَّلَبِ

حِينَ نَتَرَجِمُ الْجُمْلَةَ السَّابِقَةَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ نَضَعُ «تَا» بَيْنَ فِعْلِ الطَّلَبِ وَجَوَابِهِ، كَمَا رَأَيْتَ.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٣): تَرَجِمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنْ فِعْلَ الشَّرْطِ وَجَوَابَهُ، أَوْ فِعْلَ الطَّلَبِ وَجَوَابَهُ، ثُمَّ أَعْرِبْهُمَا.

١ ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ النحل: ١٨

٢ زُرِ الْقُبُورَ تَذَكَّرْ بِهَا الْآخِرَةَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣ قُولُوا خَيْرًا تَغْنَمُوا^٢ وَأَسْكُتُوا عَن شَرٍّ تَسْلَمُوا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤ مَنْ لَا يَرْحَمُ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا يَرْحَمُهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- زُرْ: زیارت کن ٢- تَغْنَمُوا: تا بدون رنج دست یابید

التمرين الأول: صَع في الْفِرَاعِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

(الرَّصْدُ النُّجُومِيُّ / أَيْنَمَا / الإِسْبَانِيَّةُ / يُمَثِّلُ / الْفِيْزِيَاءُ / جَدِيرٌ / ابْتَدَعَ / مَسَاعِي)

- ١- السَّفِيرُ بِلَادَهُ فِي دَوْلَةٍ أُخْرَى.
- ٢- مُصْطَفَى بِالْعَمَلِ الَّذِي عُيِّنَ لَهُ.
- ٣- الْحَمْدُ لِلَّهِ، أَذْهَبَ أَحَدٌ أَصْدِقَائِي.
- ٤- أَحَدُ طُلَّابِ جَامِعَتِنَا هَذَا الْبَرْنَامَجِ.
- ٥- لَا أَنْسَى أَسَانِدَتِي بَعْدَ التَّخْرُجِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ.
- ٦- يَتَكَلَّمُ كَثِيرٌ مِنْ شُعُوبِ دَوْلِ الْقَارَةِ الْأَمْرِيكِيَّةِ بِاللُّغَةِ

التمرين الثاني: تَرَجِّمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنْ فِعْلَ الشَّرْطِ وَجَوَابَهُ وَاعْرِبْهُمَا.

١- مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ.

٢- مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ.

٣- مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ، وَمَنْ لَا يَغْفِرُ لَا يُغْفَرُ لَهُ.

٤- مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: كَمَلْ تَرْجَمَةَ الْأَحَادِيثِ النَّبَوِيَّةِ.

۱- مَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَحْصُدْهُ.

هرکس شری را آن را

۲- مَنْ يَعْمَلُ سُوءًا يُجْزَ بِهِ فِي الدُّنْيَا.

هرکس بدی در دنیا با آن

۳- مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْقَلِيلَ لَمْ يَشْكُرِ الْكَثِيرَ.

هرکس برای چیزِ اندک برای چیزِ فراوان

۴- مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ وَسَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ.

هرکس کارِ نیکش او را و کارِ بدش او را مؤمن است.

۵- مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ.

هرکس دانشی را پاداشِ کسی که به آن عمل کرده از آن اوست و از پاداشِ

عمل کننده

۶- مَنْ فَضِيَ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ حَاجَةً كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَمَنْ خَدَمَ اللَّهَ عُمُرَهُ.

هرکس برای برادرِ مسلمانش نیازی را پاداشی دارد همانندِ کسی که همهٔ

عمرش را به خدا

التمرين الرابع: املأ الفراغ بكلمة مناسبة.

١- إن جيداً تتجَح في الامتحانات.

تَدْرُسُ تَدْرُسُ تَدْرُسُ

٢- مَنْ إلى الآخرين يُحِبُّهُ اللهُ.

يُحْسِنُ يُحْسِنُ يُحْسِنُ

٣- إن اللهُ تَجِدُهُ مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ.

تَدْعُو تَدْعُ تَدْعُوا

٤- أَيْتَمًا فَهُوَ نَظِيفٌ جِدًّا.

تَمْشِي تَمْشُونَ تَمْشِ

٥- مَا مِنَ الثِّيَابِ أَحْتَرَّهَا.

تَخْتَارُ تَخْتَرُ تَدْرُسُ

٦- مَنْ عَنْ هَذَا السُّؤَالِ فَهُوَ ذَكِيٌّ.

يُجِيبُ يُجِيبُ يُجِبُ

أَيُّهَا الْأَحِبَّاءُ، نَسْتَوِدُّكُمْ^١ اللَّهُ، إِلَى اللَّقَاءِ،
سَنَلْتَقِي^٢ بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فِي الصَّفِّ الثَّانِي عَشَرَ،
نَتَمَنَّى^٣ لَكُمْ النِّجَاحَ، مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحوّل بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه‌دستی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقیق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیرانی که تلاش مضاعفی، در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

کتاب عربی، زبان قرآن (۲) — کد ۱۱۱۲۰۸

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	ملاحت سالک مراد	آذربایجان شرقی	۱۶	فرزانه جباری	کرمانشاه
۲	فاطمه زهرا گندم‌کار	خراسان رضوی	۱۷	زهرا قموشی فرد	قزوین
۳	نعیمه ملبوب	البرز	۱۸	مهستی رایگان	لرستان
۴	سهیلا ملایی یگانه	زنجان	۱۹	نسرن نظری	مازندران
۵	مینا عظیمی‌فر	گیلان	۲۰	نسیم فرهنگ	خراسان رضوی
۶	بهجت نانکلی	همدان	۲۱	پانته آ امیرپاشایی	شهر تهران
۷	زهرا دباغ	آذربایجان شرقی	۲۲	سید مرتضی صباغ جعفری	کرمان
۸	آمنه آقایی نعمتی	شهر تهران	۲۳	کبری برزگر	یزد
۹	سید امیر فضیلت جو	کهگیلویه و بویراحمد	۲۴	علی محمدزاده	اردبیل
۱۰	مهديه مرتضوی فر	کرمان	۲۵	محمود اعمی زاده	یزد
۱۱	مرضیه نخعی مقدم	سیستان و بلوچستان	۲۶	بشرا ربیعی	بوشهر
۱۲	گوهر رافتی جو	خراسان شمالی	۲۷	محمد داورپناهی	خراسان شمالی
۱۳	علی یازرلو	گلستان	۲۸	علی میرزایی	کرمانشاه
۱۴	طیبه عباسی	فارس	۲۹	منصور سلامت جوکندان	گیلان
۱۵	خدیجه حسینی	سمنان			

معلّمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره‌ی مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴، گروه درسی مربوطه با پیام نگار (Email) talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری